

فَارَمَعِ الْعُسْرُنِيْرًا
اِزْمَعِ الْعُسْرُنِيْرًا

لاه مجاهد

در راه خدا قبرش را در جفا بر تخته مرصع و سحرنا

نثریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال هشتم - شماره ۵۰ - بهار ۱۵۰۰ ریال
دی و آذر ۱۳۶۷

گام به گام با حجة الاسلام رفسنجانی
صفحه ۱۰
درسهایی از مرحوم طالقانی
صفحه ۱۸
سخن امام راهنمای مستضعفین
صفحه ۲

پاسخ دکتر مصدق به اتهامات شاه در کتاب
ما موریت برای وطنم :
ملت متشخص آن است دست گدائی مقابل
بیگانگان دراز نکند و هر بیگانه ای هم محض
رضای خدا کمک بکسی و یا ملتی نمیکند مگر
بنکه بعد بخواد از اشخاص و یا از آن ملت
بهر طریق که میتواند سوء استفاده و یا
حسن استفاده نماید.

سروم مبارزه بر نامه ریزی شده با آمریکا

صفحه ۸

اصول سیاست خارجی و صدور انقلاب از دیدگاه شهید محمد منتظر

صفحه ۷



زمینه سازان تکمیل قطعنامه

توجه نکردن به زمینه سازهای
تکمیل این وضع ناگوار هم ما را
از دستیابی به تحلیل صحیحی از
اوضاع اجتماعی و توان نیروها
دور می کند و هم امکان اتحاد
جند دستگی و تشدید اختلافات
را افزایش می دهد درگیریهایی
که جز شادی برای دشمنان و غم
و اندوه برای ما ثمری نخواهد
داشت در این مقاله بر آنیم
که به تحلیل اجتماعی این تغییر
خط مشی در جنگ تکمیلی بپردازیم ..
در صفحه ۳ بخوانید

قطر صحیح مسئله مسک

تا بحال یک نمونه انقلابی از موفق
بودن مشی موازنه قوا بر اساس
مسابقه تبلیغاتی وجود نداشته است
امپریالیسم آمریکا پس از جنگ
دوم جهانی با همین استراتژی جنگ
سرد و صلح مسلح ، انقلاب شوروی
را در مسیر توسعه صنایع
استراتژیک نظامی قرار داد . در
این سیر بود که انقلاب شوروی زیر
بار توان فرسای بودجه نظامی
راهی جز تن دادن به مشی
همزیستی مساومت آمیز ندید و
در صفحه ۵ بخوانید

دیپلماسی جمهوری اسلامی و قطعنامه ۵۱۸

عدم جمع بندی از ضربه اخیر موجب
باقی ماندن ریشه های ضربه در
سیاست داخلی و خارجی شده و طبیعا
زمینه های ضربه بزرگتری را در آینده
مهیا خواهد نمود ... منتظر ما زیر
سؤال بردن فرد یا افراد خاصی در
این شرایط قبل از اقدام به تحویلی
در استراتژیهای نارسا به تنهایی
موجب حل ریشه ای مشکلات نمیشود .
امیدواریم با اصلاح خط مشی های
نارسا از افتادن به دام ضربه های
بزرگتر جلوگیری کنیم
در صفحه ۹ بخوانید



- خط امام در کلام آیت اله منتظری صفحه ۱۱
- نگاهی به تحولات فکری سیاسی نهضت
- الهیات آزاد بخش صفحه ۱۲
- خبر محافل صفحه ۱۳
- درباره علی زرکش صفحه ۱۳
- از جنگ تا صلح صفحه ۱۴
- نظرات سفیر سابق انگلیس پیرامون
- انقلاب و جنگ صفحه ۱۴
- ریشه یابی انقلاب اسلامی در مطبوعات
- امریکا صفحه ۱۵
- علل پذیرش قطعنامه در مطبوعات آمریکا
- صفحه ۱۵
- پیرامون جانشینی فرمانده کل قوا
- در مطبوعات آمریکا صفحه ۱۶

معرفی کتاب طلب و اراده

نویسنده: حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

صفحه ۲۷

پای صحیحیت دهه

درباره فقه و روحانیت و اسلام آمریکایی

صفحه ۴

در حکومت اسلامی همیشه باید با اجتهاد با زبانش و طبیعت انقلاب و نظام همواره
اقتضای میکنند که نظرات اجتهادی فقهی در زمینه های مختلف ولو مخالف یا
یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد. ولی مهم
شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع
مسلمانان برنامه ریزی کند. که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که
اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نمی باشد بلکه یک فرد اگر علم در علوم معهود
حوزه ها هم با شد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند اصلاح و مفید
را از افراد ناصالح تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش
صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست
و نمی تواند در جامعه را بدست بگیرد .
منشور برادری - امام خمینی

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

و رده بالای کشورمان و نیز شخصیتها و چهره‌هایی از مجلس و دولت و روحانیون را به تفکر و گرایش‌های وابستگی و همچنین عدول از مواضع گذشته و نهایتاً به شرق گرای متهم‌نمایند و موزیانه با طرح مسائلی از این قبیل که فلان شخصیت نظام جمهوری اسلامی راستگرا و یا میان‌رو یا سازشکار و غیرگرا است و یا فلان مسئول تندرو و انقلابی شده است که نتیجتاً اعتماد مردم را به دست‌اندرکاران نظام سلب نمایند...

راه محاهد: در رابطه با حل اختلافات بین جریانها و افراد دوشیوه لبرخورد وجود دارد اول اینکه ریشه اختلافات را نفسانی دانسته و با دعوت به تزکیه و تقوای خواهیم اختلافات را حل نمائیم.

دوم اینکه ریشه اختلافات را در تفکرات افراد جستجو کرده و با مرزبندی تفکرات و آموزش مستمر در جهت حل این معضله بر آئیم.

پرداختن به حل اختلافات درونی هیچگاه نباید موجب غفلت از دشمن شود به نظر میرسد منظور امام از توطئه جناح بنسبتی کردن شخصیتها مربوط به راد یوهای بیگانه است که طبقه‌بندی را بر اساس روحیات و دوری یا نزدیکی به غرب مطرح مینمایند و گرنه مرزبندی نیروها بر اساس تفکر

حقیقت و قدرت اسلام موجب شده است که ایرقدرتها بطور مستمر علیه انقلاب نقشه بکشند و لذا حالا دانشمندان در حال محاسبه و باید هوشیاری خود را حفظ نمائیم.

و خطمشی از الزامات کار سیاسی بوده و امام بارها در پیامهای خود چنین مرزبندی‌هایی را مطرح نموده‌اند.

روش راه محاهد تا کنون این بوده که نیابستی نیروهای انقلاب را بر اساس نفسانیات و روحیات تقسیم بندی نمود بلکه بایستی بر اساس خطمشی و تفکر یا ذکر مواضع تقسیم بندی نمود که مقدمه ای است برای تعالی مردم.

فان شدن اسرار معايرتی یا تحليل اوضاع ندارد.

... و من باب وظیفه به مردم و فرزند آن پرشور انقلاب می‌گویم که صادا بدون در نظر گرفتن محذورات سیاسی و شرایط بسیار پیچیده و حساس کشور به طرح سئوالها و اشکالات روی آورید که بازگو کردن و تحلیل واقعی قضایا توسط مسئولین دلسوز نظام باعث گشایش اسرار مملکت شده و برای نظام مسئله آفرین گردد و نه تنها گره‌ای را باز نکند که بر مشکلات نیز بیافزاید...

تحریرات ۱۰ ساله انقلاب نشان می‌دهد که در رده‌های مختلف نظام شاهد نفوذ سیستمهای اطلاعاتی گوناگون بوده‌ایم و چه بسا بسیاری از اخبار درونی که قبل از امت حزب الله از طریق دستهای مرموز به گوش شبکه‌های اطلاعاتی رسیده‌است و همان

سخن امام را هماهنگ مستضعفین



کرده و احرای آنرا از واحیات سیاسی دانسته‌اند. (رجوع شود به ویژه نامه پیام حج ۶۵- راه مجاهد شماره ۲۸ و وعقل و دوشرع حسینی و غیر حسینی) این خط مشی باید ملاک جمع بندی همه نیروهای دلسوز از عملکرد گذشته شان قرار گیرد تا مشخص شود هر نیرویی چه اندازه در جهت مرزبندی ایدئولوژیک سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، نظامی و... اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی فعال بوده و به چه دست‌آورد‌های رسیده‌اند از تمام نیروها می‌خواهیم حرف امام را حراج قرار داده و دستاوردهای خود را در این زمینه که باعث بالا بردن دیدگاه همگان است، به اطلاع سایرین برسانند راه محاهد در این زمینه مقالاتی و مباحث فراوانی داشته و خواهد داشت.

لازم است با پیام امام برخورد جدی شده و تمام نیروها به ویژه دفتر تبلیغات اسلامی، کتابخانه سیاسی - روحانیون مبارز تهران، سپاه پاسداران - جهاد و سایر نهادها سازمان تبلیغات اسلامی - روحانیون مبارز جامعه مدرسین، شورای مدیریت حوزه‌های علمیه و... و همه نهادها و سازمانهایی که در واقع بودجه خود را از پول امام زمان تأمین می‌نمایند باید با این پیام و سایر رهنمودهای امام و آیت‌الله العظمی منتظری در زمینه مرزبندی اسلام آمریکایی و نحمدی و شناخت پیچیدگی‌های اسلام آمریکایی تلاش لازم را بنمایند در غیر این روشنفکران مذهبی نیز در انجام این واجب سیاسی لازم است بحای شعار و حرف وجوه مختلف این قضیه را شکافته، رهنمودهای لازم را به جامعه ارائه نمایند.

پیام امام در تبیین خطوط کلی بازسازی ۱۲ مه‌ماه ۶۷ حفظ اصول و آرمانهای انقلاب

هر هیچ يك از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست نه شرقی نه غربی استوار است. و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود. جمهوری اسلامی نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمانهای مقدس و الهی خود دست بردارد...

... در مسئله بازسازی و سازندگی من اطمینان دارم که شخصیت‌های رده بالای نظام و مسئولین محترم و نیز مردم وفادار و انقلابی کشورمان چون گذشته هرگز قبول نمی‌کنند که نیل به این هدف به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و یا غرب تمام شود. اخیراً دستهای پنهان و آشکار غرب و شرق به منظور ایجاد شکاف و اختلاف میان طرفداران انقلاب اسلامی به حیله‌های حدیدی متوسل شده‌اند که مسئولین عزیز

و سایر روحانیون عزیز و در عراق صدرها و حکیمها و در لبنان راغب حربها و کریمها و در پاکستان عارف حسینی‌ها و در تلماسی کشورها روحانیون در آشنای اسلام ناب محمدی (ص) هدف توطئه و ترور میشوند... راه محاهد همانطور که امام گفته‌اند تنها افراد و روحانیونی مورد ترور و غضب امپریالیسم قرار می‌گیرند که به نظریه تشکیل حکومت اسلامی معتقد بوده و برای تحقق احکام الهی در روی زمین تلاش می‌نمایند. به نظر می‌آید ترور این افراد از طرف مزدوران استکبار هدف خاصی را دنبال می‌نمایند به این صورت که اگر افراد با کیفیت و کارگشته و صادق که به نظریه تشکیل حکومت اسلامی معتقدند از بین بروند حتی اگر در کشوری حکومت اسلامی تشکیل شود دلیل فقدان کار با کیفیت محبور است به افراد کم‌کیفیت روی آورده و زمام امور خود را به دست‌آوردگان دهد که در این صورت بتدریج ارزشهای انقلاب محو شده و حکومت از درون بی‌محتوا و پوچ میگردد این خط که همان خط فونیکس خزنده میباشد و تا کنون بارها در مورد زوایای آن بحث نموده‌ایم از طرف امپریالیسم و ایادی آن در اکثر انقلابات دنبال شده در ایران نیز یکی از جریان این طرح تشکیلات رجوی بوده است.

روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب دو تفکر رویارو وجود داشته باشد از واحیات سیاسی است.

... امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده‌است. راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی را از یک طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام آمریکایی را از طرف دیگر به آزمایش گذاشته است. ای کاش همه تعاونات جهانخواران همانند تجاوز شوروی به کشور افغانستان علنی و در رو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را در هم می‌شکستند و لسی راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنگه روشن گردد که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب دو آئین دو تفکر متضاد و رودر رو وجود داشته‌باشد از واحیات سیاسی بسیار مهمی است که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما عارف حسینی در میان ما بود.

راه محاهد: امام با جمع بندی گذشته خطمشی روشنی برای مرزبندی همه جانبه اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی ارائه

سخنان امام در دیدار با مسئولان قوه مجریه ۶۷/۶/۹

مادر حال جنگیم و نباید غفلت کنیم

... ما باید حساب کنیم که در حال جنگیم برای اینکه دشمن ما چه دشمن‌های بزرگ از قبیل آمریکا و شوروی و چه آنها بی که از ناب آنها هستند از قبیل صدام و امثال اینها، اینها چون با اسلام مخالف هستند و دیده‌اند که اسلام امروز در دنیا یک قدرت بزرگی شده است در مقابل آنها از این جهت آنها دائماً مشغول نقشه کشی هستند و ما نباید از این مسئله غفلت کنیم. خط مشی تجارت آزادی دولتی چیست

... در بازسازی اگر بخواهد ملت سر خود کاریکنند فساد ایجاد میشود اگر بخواهد دولت مستقل اجرا کند قدرت ندارد باید مردم همراهی کنند و هرچه قدرت دارند برای این امر مردم به میدان بیاورند لکن با نظارت دولت و مراعیه اینکه کسی مقدم موخر این بالا خره صحبت پیش می‌آید و آن طوری که صلاح این است که هئیت تشخیص مصلحت باشد مرکب از سران کشور و نخست‌وزیر و تشخیص مصلحت بدهند... حالا که بعد از جنگ است مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند لکن یا چیز بیاورند تجارت کنند لکن نظارت داشته باشد که فساد ایجاد نشود...

راه محاهد: بعد از این پیام امام برداشتهای مختلفی در جامعه مطرح شد: عده‌ای معتقد بودند نظر امام راجع به بازسازی این است که سرمایه و تجارت آزاد بوده و در دست بخش خصوصی قرار گیرد تا بخش خصوصی با ارز حاصل از فروش نفت به تجارت پرداخته و بتواند به طور آزاد از کشورهای خارج جنس وارد کند نظر عده‌ای دیگر این بود که امام با این صحبت اختیار نظارت را به بخش دولتی داده و در واقع دولت را کنترل کننده بخش خصوصی دانسته اند.

نظریه امام از طریق تلفن این بود که

عده‌ای هم می‌گویند که منظور امام از تجارت آزاد این است که تجارت را از انحصار مشتی سرمایه‌دار در آورده و نیروی حزب‌الله و مردم را در تجارت شرکت دهد.

نظرمی رسید صحبت امام در این پیام کامل نیست زیرا در این صحبت اولویتها مشخص نگشته و بین تجارت ملی و واردات از خارج اصلی و فرعی نشده بود.

با توجه به اینکه بخش خصوصی و یا دولتی و یا تعاونی، هیچ يك به تنهایی مشخص کننده جهت و هدف اقتصاد که خودکفائی و استقلال کامل است نیستند و ممکن است بر هر سه آنها ملاک برتری حاکمیت داشته و در واقع با مشخص شدن هدف هر سه به درآمد نفت متکی شوند لازم است بر هر سه آنها در خدمت اجرای آن در - آیند، خوشبختانه امام با تبیین خطوط کلی بازسازی کشور در پیام ۱۱ مه‌ماه خود هدف و جهت را مشخص کرده و به این ترتیب صحبت‌های قبلی خود را جبران نمودند. در همین شماره به بحث در مورد آن می‌پردازیم پیام امام به مناسبت جهلم شهید علیراف حسینی ۱۵ شهریور ۱۳۶۷

از بین بردن کادرها به خاطر کم‌کیفیت شدن حکومت اسلامی

... ملت‌های اسلامی حتماً دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایستادگی مطهریها و بهشتی‌ها و شهدای محراب

پای صحبت

در مورد فقه و روحانیت، اسلام آمریکائی



بسم الله الرحمن الرحيم

بمنظور دستیابی به اهداف ذیل برآن شدیم که صاحب نظران و اندیشمندان کشور هر بار صحبت داشته باشیم و نظراتشان را مطرح کنیم :

- ۱- برخورد افکار و آراء در بین نیروهای انقلاب و ایجاد زمینه تفاهم و وحدت اصولی .
 - ۲- شناخت اسلام واقعی از اسلام آمریکائی که از حیاتی ترین نیازهای انقلاب است و امام خمینی در پیامهای مکرر بر این مسئله تاکید کرده اند .
 - ۳- دستیابی به جمع بندی صحیح از فقه و روحانیت . با توجه به اینکه امروز در بین نیروهای جامعه تحلیل‌های متفاوتی از این مسئله وجود دارد .
- از آنجا که هدف این است که افکار و عقاید توحه شود نه شخصیت ها و مقام و منصب از ذکر عناوین و اسامی خودداری می کنیم مگر در جهت اهداف فوق ضرورتی ایجاب نماید .
- در این شماره بایک برادر روحانی که سالیان درازی است با مسائل روحانیت و نیروهای مسلمان برخورد و مسوولانه و پیگیر داشته و در زمینه فقه و روحانیت به تحقیقات و دستاوردهای تازه ای رسیده اند صحبت داشته ایم که به ذکر پاره ای از آنها می پردازیم :

س- حتماً شنیده اید امام خمینی در پیامی به مناسبت شهادت علامه عارف حسینی مدین مضمون فرمودند که ماهرجه صریحی خوریم از اینجاست که اسلام محمدی را از اسلام آمریکائی تشخیص ندهیم و این برای بسیاری از بزرگان هم مشخص نیست . راجع به مرز بندی این دو و طرز تفکر در فقه رایج و حوزه های علمیه تقاضا داریم نظرتان را بفرمایید .

ج- بنظر من امام خمینی اسلام واقعی (اسلام ناب محمدی) را آن اسلامی می دانند که همیشه با استکبار و استغراف در نبرد و مبارزه بوده هم استکبار را می گویند و هم تن به ضعف و ناتوانی دادن و استضعاف را .

در طول تاریخ خیلی کم اتفاق افتاده کسانی با اصل دین و خدا مخالفت کرده باشند؛ بت پرستی همی گفتند: ما الله را قبول داریم و این بتها واسطه اند (آیه ۱۸ سوره یونس) فرعون ادعای دینداری داشت: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ» فرعون می گفت: بگذر از من موسی را بکشم او خدای خود را می خواند و می ترسم دین شما را از دستتان بگیرم . سوره غافر آیه ۲۶ .

حتی بت پرستی ادعای دین و خدا پرستی داشتند و بتها را شفیع می دانستند . امروز هم در دنیا کسی بخود جرأت نمی دهد با اصل اسلام و راه انبیا صریحاً مخالفت کند . حضرت علی ع می فرمایند : اسلام را مثل پوستین وارونه می خواهند بپوشند و بپوشانند: پوستین وقتی درست پوشیده شود گرم می کند . ولی وقتی وارونه پوشیده شود می ترساند اینها سعی شان این است که اسلام را بصورت پوستین وارونه بپوشند و بپوشانند . قدرتهای شیطانی ابتدا به اسلام حمله نظامی کرده و در صورت شکست از درون نفوذ کرده و به آن ضربه می زنند . بیاد دارید همین اواخر کارتر درم از اسلام می زد . یاد رژیم گذشته شاه ادعای سلطانی داشت از بعضی مراسم مذهبی مانند نوحه خوانی و منبرهای وعظ حمایت میکرد و آنها را از راه یوشان تبلیغ می کردند . قبلاً مابه بجه هایمان می گفتیم اگر می خواهید بداند که این منبرها و نوحه خوانیها چقدر به اسلام نزدیک است ببینید کدام جریان از آن حمایت می کند و این برای زمان ممالک میشود که این دین نیست باید با آن جنگید . این اسلام آمریکائی راه امروز استگان به امریکائی تبلیغ و حمایت می کنند . و اما شناخت عمیقتر :

در قرآن هر خاصیت از قیوم الصلوة تشده زکات و انفاق راهم گفته است . " منافق " و " منفق " فرقشان این است که منافق شکاف ایجاد کن و منفق شکاف پرک کن است . اسلام برای این آمده که شکافهای طبقاتی را برطرف کند . جامعه اسلامی مستضعف و مستکبر و دوقطبی نمی تواند داشته باشد .

اسلامی که دوقطبی را تحمل کند اموی ها و عباسی ها هم در هیچ زمان با آن مخالف نیستند . اینهم یک تفاوت و طرز تفکر فوق .

اماد در مورد طرد اسلام آمریکائی ، بنظر من منظور امام خمینی این نیست که بر سر مسائل فکری و فلسفی در جامعه درگیری بوجود آید . زیرا ایشان نسبت به اندیشه و تفکرات تنگ نظر نیستند . اوایل انقلاب که ایشان از طریق تلویزیون صحبت می کردند بمناسبتی از قول مرحوم آیت ا . شاه آبادی نقل کردند: بگذرید این گرفتاریات هم مطرح شود . اسلام با برخورد افکار که مخالف نیست . هدف اصلی ما این باید باشد که ظالمها را طرد کنیم . موسی هم در مقابل فرعون در زمینه اعتقادات وارد نمیشد بلکه آزادی بنی اسرائیل را از اسارت مطرح میکرد و میگفت برای آزادی مردم پیش تو آمدم . انبیا برای مبارزه با ظلم دست به اسلحه برند ولی با کفر برخورد ارشادی داشتند .

س- استاد ، ولی ظالمین همیشه برای توجیه کارشان یک توجیه فلسفی هم طرح می کنند که نزد توده ها مقبول می شوند و تا آن دیدگاه پاکسازی نشود بطلانش آشکار نمی شود .

ج- البته اسلام وقتی میخواهد با ظلم مبارزه کند چنانچه ببیند ظالم توجیه مکتبی می کند ، با طرز تفکر او یعنی مکتب او هم مبارزه می کند . ولی اگر کسی علی انجام داد که توجیه مکتبی پشتوانه آن نداشت کاری به فلسفه و مکتب او ندارد . آنها که تسلیم در برابر سلطان را تسلیم در برابر خدا می دانستند توجیه مکتبشان این بود که چه فرمان بزدان چه فرمان شاه . ولی یهود و نصارا اگر ظلم میکردند تکیه به مکتبشان نمی کردند قرآن می گوید ای اهل کتاب اگر به مذهب خودتان پایبند باشید باشما کاری نداریم . اگر آنها ظلم کنند از مکتبشان عدول کرده اند ، اما مشرکین به مذهبشان عمل می کنند . مشرک یعنی ظلم (ان الشرك لظلم عظیم) . قیام انبیا همیشه در برابر ظلم بوده نه در برابر کفر چون با زور نمی شود کسی را مؤمن کرد ، ولی با زور میشود ظلم را سرکوب کرد کفر را با تعلیم و تربیت می شود از بین برد و انبیا بهمین شیوه به هدایت مردم می پرداختند اسلام آمریکائی همین است که ظلم و استعمار می سازد . بعضی از آقایان همین نظر را در رابطه با سرمایه و مالکیت دارند . آنان میگویند سرمایه داری در اسلام از راه حلال نامحدود است . بله درست است ، ولی ما باید از ذهن درسیاییم به عین برسیم ، به واقعیت برسیم . آید واقعیت می توان از راه حلال به ثروت نامحدود رسید . در صورتیکه حضرت علی ع می فرمایند: من ثروتی انباشته ندارم مگر حق بسیاری در کنارش بر باد رفته باشد . مرجع واقعی مسلمین کسی است که جامعه را نگاه میکند و بر اساس واقعیت فتوا میدهد نه بر اساس خیال و ذهنیت ها .

انزوی قرآن و نهج البلاغه در حوزه ها :

س- متأسفانه مشاهده می کنیم که حوزه های علوم دینی گرچه معتقدند منبع و دلیل اولیه فقه ، قرآن است ولی در آموزشهای رسمی حوزه قرآن نقش آشکاری ندارد . بنظر شما علت و ریشه این امر چیست ؟

ج- حذف قرآن از آموزشهای اسلامی و حوزه ها چند علت داشته است :

- ۱- در پیهودیت و مسیحیت تورات و انجیل در میان مردم جریان نداشت که بدست همه بیفتد . بلکه در انحصار علما بود و مردم حق مراجعه مستقیم نداشتند و باید به سراغ خاخام و کشیش می رفتند . ولی پیامبر اسلام فرمودند : من در وجیز در میان شما می گذارم کتاب و سنت (عترت) . و قرآن بین مردم آمد ، همه به شکلهای مختلف با آن برخورد کردند . برای ثواب بردن ، گدایی کردن ، سواد آموزی و ... بیشتر جلسات قرآن ارزش علمی نداشت . فقط می خواندند و به عقب و معنی کمتر توجه می کردند . بدین ترتیب ارزش قرآن پایین آمد . در حوزه ها هم همین تأثیر را گذاشت . وقتی کسی قصد داشت درس قرآن را بگوید ارزش علمیش پایین می آمد ، چون قرآن در دسترس عموم بود . ولی اگر چیزهای خاصی نظیر کتاب کفایه آخوند خراسانی را که ده سال باید درس بخوانند تا آنرا بفهمند ، یا کتاب ابن سینا و ملاصدرا را می خوانند یاد درس می داد ، ارزش علمی پیدا میکرد و محترم میشد . کسانی که میخواستند ارزش و اهمیت خودشان را حفظ کنند و برتریشان را نسبت به مردم نشان بدهند ، بنابراین دنبال کتابی که توده ها نفهمند و خاص باشد می رفتند . اگر طلبه ای قصد داشت از قرآن استفاده علمی ببرد شبها مخفیانه جسته و گریخته از آن استفاده میکرد . نهج البلاغه نیز همین سرنوشت را پیدا کرد .

سید جمال الدین اسد آبادی این درد را احساس کرد و با کمک محمد عبده در دانشگاه الازهر قرآن را بعنوان درس رسمی مطرح کرد و همچنین نهج البلاغه را .

۲- علت دیگر اخباریها این تأثیر را گذاشتند . آنها معتقد بودند که درک واقعی قرآن

آنچه در اسلام واجب است تعلم است که تا لب گور با بدنیا ل شود ، نه تقلید که حتی الامکان از آن با یاد آزاد شویم . حکم اولیه میگوید خودت را از جهل در بیاور . حکم ثانویه میگوید اگر نتوانستی عالم بشوی فعلاً زکی تقلید کن که مورد وثوق و اطمینان باشد و این یک دستور موقت است

فقط کار معصومین رعاست . کمک یک سلسله اخبار و روایات برای مردم گفته شده . میگفتند هر چه لازم بوده اینه گفته اند . چیزی ناگفته نمانده است . ماهرجه تعمق کنیم از امام صادق علیه السلام بیشتر نمی فهمیم . اکنون اگر چه عده ای جلوی این تفکر ایستاده اند ، ولی باز هم قدرت زیادی دارد .

۳- علت سوم : اساساً در میان علما آن عالمی محل رجوع مردم است که فتوا بدهد . عالمی که اخلاق بگونه عرفان بگوید ، تفسیر بگوید ، بدرد مسائل روزمره مردم نمی خورد . مردم به حکم و فتوا و بیشتر احتیاج داشته اند . لذا در بین علما هم قدری این ملاک شده است که اصل این است که فتوا بدهند و قضاوت همه آن فتواها مراجعه کنند . چون علمایی که بیان کننده احکام و قوانین اسلام بودند بیشتر مرجع حوائج مردم بودند ، ناخود آگاه این احکام و فقه و رساله خودشان مینا و محور شد و تد رجا مباحث اعتقادی و بنیادی قرآنی گسار گذاشته شد . روحانیت در گذشته بیشتر با احکام زندگی فردی سروکار داشت . تمرکز مراجع در بیان احکام فروعیه باعث شد که توجه علما از کل قرآن که منبع همه نیازمندیهای علمی و عملی انسان بود کم و کمتر شود . در صورتیکه مرجعیت شیعه صرفاً در بیان احکام فروعیه خلاصه نمیشد . صحبتهای امامان منحصر در بیان احکام فروعیه نبوده . دانشگاه امام صادق ع در چهار سال همه گونه شاگرد تربیت کرده ، از متکلم گرفته تا شیعیه ان جامعه شناس ، روانشناس ، طبیب ، فیلسوف ، علوم طبیعی و غیره . اگر مایه افتخار گذشته بقیه در صفحه ۲۵

متأسفانه روزی بسیار از ملت‌ها اسلام از بین می‌رود و اسلام ناب محمدی کاملاً روشن نشده است

انگیزه نگارش:

اما خمینی طی سخنانی که مناسبت هفته دولت بهمان فرمودند مواضع روزنامه رسالت را که به تضعیف دولت می-انجامد، مورد انتقاد قرار دادند. هر چند مسئولان روزنامه دریا فتد که روی سخن امام با ایشان است و اشتباه خودشان را پذیرفتند. لیکن تا بحال ریشه‌یابی مواضع گذشته را در روزنامه ننديده ایم لذا امکان تکرار آن وجود دارد. حال که شما رسد یک بازنگری از جانب مسئولان روزنامه مطرح شده است، مواضع شوال برانگیزای روزنامه را ذکر می‌کنم تا بلکه مورد توجه قرار گیرد و ریشه‌یابی شود.

لازمه ذکر است که مدسال فرمایشات امام، از جانب تخمیت‌های مختلف برخوردارهایی با روزنامه رسالت شد که تقریباً "هیچکدام در جهت ریشه‌یابی و اصلاح اشتباهات نبوده است. امیدواریم این مقاله یک گام دلسوزانه در این جهت تلقی بشود. در این مقاله فقط به ریشه‌یابی احتمالی اکتفا می‌شود و ریشه‌یابی عمیق را در نامه سرگشاده به ما مع مدرسین در زمستان ۶۲ مطرح کرده ایم و به آن ارجاع می‌دهیم.

خرید تسلیحات و توسعه صنایع استراتژیک نظامی
... راه حل مابرای رسیدن یک صلح پایدار پس از ایجاد تعادل قوا، دستیابی به یک توازن نسبی مشترک امنیتی از جنبه سیاسی و نظامی یا تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس است... هدف اصلی و نهایی چنین اشتراکی " ایجاد یک قدرت بازدارنده" است. یعنی

ریشه‌یابی اجالی از مواضع رسالت

خطر صلح مسلح

بازداشتن همه کشورهای خلیج فارس از حمله نظامی علیه یکدیگر و نیز ایجاد نیروی مقاومتی در مقابل هر نیروی بیرونی خارجی یا داخل حوزه‌های در منطقه، که دیگر نتوانند از راه نظامی بهره برداری سیاسی بنمایند. استراتژی بازدارنده از جنگهای دیگر پس از پایان جنگ فعلی، تنها در داخل یک اتحادیه چند ملیتی است. گرچه ممکن است این روش بطور کامل با منطق سیاسی و اعتقادی ما سازگار نبوده و الزاماً با واقعیات موجود هم منطبق نباشد ولی برای یک بررسی همه جانبه خالی از ارزش نیست... نقطه مرکزی نهایی استراتژیک ما در ارتباط با قدرت بازدارنده در صحنه سیاسی باید نیروی استراتژیک منظم بعنوان اصل پاینده باشد... یک نیروی منظم در سطح استانی دارد. های بین المللی برای سالهای طولانی مرزهای کشور را حفظ خواهد نمود.

در تحلیل پیچیده فوق اهداف زیر دنبال شده است:

- ۱- عمیق کردن کینه دولت ایران و عراق و به فراموشی سپردن علت العلل حمله رژیم بعثی به جمهوری اسلامی یعنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا. به منظور جلوگیری از حملات مجدد رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی و دوره حل بازدارنده وجود دارد؛ یکی اینکه با اتخاذ تاکتیکها و سیاستهای هدف خود را رفع کینه بین دولت ایران و عراق قرار دهیم که در اینصورت رژیم عراق به دلیل عدم انجام داخلی قادر به تجاوزی جدید نخواهد بود. شق دوم تکیه بر خرید سلاح و قرار گرفتن در یک سابقه تسلیحاتی با عراق است که در اینصورت به دلیل زنده ماندن و بلکه تشدید شدن کینه دولت احتمال وقوع جنگ هر لحظه وجود خواهد داشت.
- ۲- خط‌دهی خزننده در مورد تحول تشکیلاتی نیروهای نظامی از حالت مردمی و بسیجی به سمت ارتشی کلاسیک و متکی به سلاحهای پیچیده.
- ۳- صلح مسلح و صورت بودجه کشور جهت وارد شدن در یک سابقه تسلیحاتی به منظور مانع شدن از امر خودکفایی و اصلاحات داخلی.
- ۴- همکاری جمهوری اسلامی با ارتجاع عرب و جریان اسلام آمریکایی در منطقه خاورمیانه جهت ایجاد قدرت بازدارنده به فراموشی سپردن شیطان بزرگ

پس از سقوط سلطنت وابسته در ایران و وقوع انقلاب دوم در رابطه با اشغال لانه جاسوس آمریکا امپریالیسم جهانی جهت انحراف انقلاب اسلامی در مبارزه با ابادی وابستگوشیکه هایش در ایران، تجاوز عراق به ایران را تدارک دید. رژیم بعثی عراق نیز با توجه به پیوند عمیقی که با کارتل‌های نفتی و شرکت‌های فراملیتی داشت، (سوسیالیسم وابسته به نفت) جهت سرکوب انقلاب و تجزیه ایران در این توطئه فعال شد. بنابراین علت اصلی تجاوز عراق به ایران توطئه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکاست. امام خمینی به دلیل درک چنین توطئه عمیقی بود که در پیام اخیرشان در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گفتند: "مسلمانان باید بدانند تا زمانیکه تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم میشود و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه

حفظ منافع خود حادثهای را بوجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را بصورت جدی با جهانخووران حل نکنند... آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند چه کسی جلو او را خواهد گرفت؟ استقامت ما بر سر شعارهای سه گانه در جنگ بالاخر نتیجه متجاوزانه خاطر پیوند عمیق رژیم بعثی با توطئه‌های امپریالیسم در تجاوز به ایران اسلامی بود. امام و مسئولین ما رژیم بعث را مستقل از استخبار جهانی و توطئه‌هایش بررسی نمی‌کردند ولیکن بر اساس تحلیل مندرج در روزنامه رسالت به هم خوردن توازن قوای طرفین (ایران و عراق) به نفع عراق در اثر وقوع انقلاب اسلامی علت تجاوز به ایران معرفی شده است. یعنی در ریشه‌یابی شروع حمله ایران و عراق ملت عراق و اختلافات ارضی دو کشور عمده شده و توطئه‌های غرب فراموش گشته است.

این تحلیل در رابطه با چند بعد قابل تامل است:

اولاً- در بین استراتژیست‌های دنیائیزی وجود دارد که می‌گویند با ایجاد یک موازنه قوا (تعادل وحشت) میتوان از درگیری دو کشور جلوگیری نموده و امنیت دو کشور را تضمین کرد. بنظر ما این تز نه تنها موقتی بین توده‌های دو کشور ایجاد نمی‌کند بلکه به اختلافات مردم دو کشور و کینه‌های فیما بین نیز دامن می‌زند. پیاده شدن این تز در منطقه خاور میانه و میان ایران و عراق با استراتژی آزادی قدرتی خوانایی ندارد و در خط منافع اسرائیل که تشدید کینه‌های منطقه‌ای جهت حفظ امنیت مرزهایش است قرار دارد.

ثانیاً- با پذیرش تحلیل فوق الذکر علاوه بر خط سابقه تسلیحاتی که توضیح داده شد، قرار گرفتن جمهوری اسلامی در یک بیجان امنیتی منطقه‌ای که با توجه به ماهیت کشورهای منطقه در خط منافع غرب خواهد بود، نیز مورد توصیه قرار می‌گیرد.

بنظر می‌رسد که این تحلیل نه تنها با پیام استقامت امام خمینی هماهنگی ندارد، بلکه در مواردی نقض آشکار استراتژی اعلام شده امام نیز میباشد که گفتند "راه بیجان مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عرستان را بدنیال دارد... حادثه مکه منشا تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه‌یابی شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و وارد روحانی نماها خواهد بود"

خطر صلح مسلح و سابقه تسلیحاتی

یکی از توطئه‌های استخبار جهانی پس از اتمام جنگ و ایجاد یک حالت صلح مسلح و جنگ سرد بین دو کشور میباشد که خط‌سرو خانمانسوزی آن از جنگ گرم بیشتر بوده و نهایتاً به جنگ گرم نیز منتهی میشود. در این توطئه مسئولین جمهوری اسلامی جهت انجام یک اقدام بازدارنده از تجاوز مجدد رژیم بعثی به خرید تسلیحات پیچیده و پر کردن انبارهای اسلحه تشویق و توصیه میشوند تا از این طریق پول نفت صرف خرید سلاحهای پر هزینه شده و از این طریق توان بودجه‌ای و ارزی کشور در پرداختن به اصلاحات داخلی و امر خودکفایی اقتصادی مستهکک شود. طبیعتاً در چنین صلح مسلحی فشار تورم‌گر نظام جمهوری اسلامی را خرد خواهد نمود. حجتاً اسلام هاشمی رفسنجانی بتاریخ ۱۰/۳/۶۴ طی خطبه‌ای در مورد این توطئه گفتند "دوتا کشور بسا هم دشمن و معاندند از طرفی ملت ما چشمش به کرپلا و سامرا و کاظمین و نجف که آنجا را میخواهد زیارت کند و دست‌فاسبین است کچه‌مالتی ببینید حاکم بر ماست اینها تازه طبعی اش است فتنه‌ها نیکه میشود، تحریک‌هایی که میشود عراق که دست خودش که نیست یک روز بهوش می‌گیرند امروز باید یک ضربه بزنی، میباید بزندی... یک آتش زبوحا کستره بعد چی؟ نتیجه‌اش هم اینکه ما باید هرچه پول داریم هرچه نفت می‌فروشیم که دیگر نفت هم نمیشود آموغ فرودخت برای اینکه عراق با این بد همبهای ۴ میلیاردی اش الان دارد، طلبکارهایش میباید نفت ازش بگیرند، و او هرچه نفت دارد می‌ریزد در بازار... و تکیه روزی ۴ یا ۵ میلیون بشکه نفت ریخت در بازار، دیگر بازار را از بین میبرد. اسلحه هم به او میدهند... ما هم با فشاری که داریم باید برویم اسلحه بخریم. امکانات جزئی نفت را صرف خرید اسلحه بکنیم و نیروی عظیمی در جبهه در پشت جبهه حفظ بکنیم. این میشود زندگی؟... ما پول باقی میماند برایمان؟ که خودسازی بکنیم؟ امنیت میباید؟ نزاعها از بیسن میورد؟... یک توطئه حساب شده‌ای است که این جنگ را به نفع عراق به یک نحوی تمام بکنند و ما باید بفهمیم این مسئله را"

تا بحال یک نمونه انقلابی از موفق بودن شی موازنه قوا بر اساس سابقه تسلیحاتی وجود نداشته است. امپریالیسم امریکایی از جنگ دوم جهانی با همین استراتژی جنگ سرد و صلح مسلح، انقلاب شوروی را در مسیر توسعه صنایع استراتژیک نظامی قرار داد. در این مسیر بود که انقلاب شوروی زیر بار توانفرسای بودجه نظامی راهی جز تسن دادن به شی همزیستی مسالمت آمیز ندید و هر روز شاهد تعدیل

اخیراً تحلیلی در روزنامه رسالت منتشر شده که از جنبه‌های تعجب آوری برخوردار است. بهین دلیل این شماره از ریشه‌یابی اجالی از مواضع رسالت را به بررسی جمع بندی‌های این مقاله در رابطه با تحولات اخیر اختصاص داده‌ایم که امیدواریم مورد توجه مسئولین روزنامه رسالت قرار بگیرد و چنین مواضعی منشا یابی و ریشه‌یابی شوند.

- ۱- خطر صلح مسلح و قرار دادن جمهوری اسلامی در یک اتحادیه چند ملیتی با ارتجاع عرب
- ۲- خطر بازسازی صنایع وابسته
- ۳- مشروعیت دادن به زهرنامه ۵۹۸
- ۴- خطر همزیستی مسالمت آمیز با امپریالیسم

خطر صلح مسلح و قرار دادن جمهوری اسلامی در یک اتحادیه چند ملیتی با ارتجاع عرب

رسالت ۳ مرداد ۱۳۷۷ (دور نمای صلحی پایدار در منطقه) "جنگ‌زمانی آناز شد که تعادل قوا به اعتقاد عراضیه‌ها هم خورده بود... برتری قوای نظامی عالمی بود که عراق را در سال ۱۳۵۹ در حمله به ایران و سوسه کرد. از این به بعد حصول هر توافقی بین دو نیروی ایران و عراق، در مورد محدویت دخالت در امر داخلی یکدیگر که هر دو طرف از آن برخوردار باشند فقط بر مبنای وجود تساوی برابری و طرف امکانپذیر است. اگر در آینده امکان پیروزی نظامی عراق کاملاً منتفی گردد، تساوی برابری استراتژیک بگونه‌ای است که ما میتوانیم در سایه آن با امنیت و آرامش زندگی کنیم... باید دارای قدرت و نیروی نظامی و کلاسیک و سنتی قوی، آنچه که در چهار-چوب یک ارتش سازمان یافته میتوان تصور شد، باشیم... در زمانیکه صلح برقرار گردد، هر گاه مادر گلپه زمینه‌ها باندازه کافی نیرومند و قوی باشیم، در اینصورت برابری و تساوی قوا را میتوان کافی دانست. قدرت استراتژیک آماده عمل، نیروهای نظامی سازمان یافته بعد کافی، قوای یک پارچه هماهنگ مردمی، قدرت اراده و شایستگی مسئولان ما، از عواملی هستند که برای جلوگیری از مقاصد حوایانه عراقیها پس از استقرار صلح نهایت ضرورت را دارد. هر گاه ما نتوانیم خود را در قلمرو و موضع این عوامل نگاه داریم... ناچاراً به سابقه تسلیحاتی کشیده خواهیم شد، و برای اینکه برنده باشیم حداکثر تلاش را بنماییم. برای اینکار دوازه وجود دارد:

تکیه به خدا کنید و به نفت و سلاح تکیه نکنید امام خمینی

اصول سیاست خارجی در انقلاب از دیدگاه شهید محمد منتظری

مقدّمه

یکی از مسائل بسیار مهمی که هم اکنون در پی تحولات اخیر ذهن بسیاری از جوانان و دلسوزان انقلاب را بخود مشغول داشته چگونگی حفظ و تداوم اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی است. یکی از این اصول و آرمانها که در مقطع کنونی در معرض تهدید و خطر به فراموشی سپردن قرار دارد و در انقلاب است این است که در ازمان وجود دارد که با مطرح شدن نزاعهای مانند نزاع ملی ایران، نزاع القری (اولویت دادن به نیازهای جمهوری اسلامی در برابر نهضت‌های جهانی)، عدم دشمن تراشی، بیرون آمدن از انزوای جهانی و... آیا باز هم جایی برای صدور انقلاب باقی میماند؟

آیا به فراموشی سپردن تدریجی صدور انقلاب به نفع تدریجی انقلاب در محتوای آن انجامد؟

چگونه میخواهیم انقلاب اسلامی ایران را حفظ کنیم بدون اینکه به محرومین و مستضعفین جهان توجیبی داشته باشیم؟ و سئوالات... با توجه به تاکیدات کثرت امام در پیامهای حجتان طی دو سال اخیر در لزوم حمایت از محرومین و مستضعفین جهان و تشکیل بین الملل اسلامی و حمایت از مظلومین در مقابل ظالمین و مستکبرین و... لازم دیدیم یکبار دیگر به لزوم صدور انقلاب و ضعفهای سیاست خارجی ما در رابطه با این اصل انقلاب بپردازیم. هرچند که مسئله صدور انقلاب و نقد تئوریهای مختلف در رابطه با آن بارها بصورتیهای مختلف در راه مجاهد بررسی شده است اما این بار این مسئله را از زبان یکی از حامیان صدور انقلاب و کسی که در این راه کوششهای بسیار عمیقی نمود باز نگری میکنیم از زبان فرزند اسلام و قرآن شهید محمد منتظری میشنوم.

متن سخنان شهید منتظری از کتاب "فرزند اسلام و قرآن شهید محمد منتظری" از انتشارات بنیاد شهید انتخاب شده است.

* * * * *

همستگی با نهضت‌های آزادیبخش

راه موثر مقابله با استعمار بین المللی

* مسئله مهمی که باید بدان توجه داشت این است که امپریالیسم بصورت بین المللی عمل میکند یعنی از طریق امکانات و پایگاههایی که در داخل کشورهای مختلف تحت سلطه خود و کشورهای مزدور و در منطقه دارد علیه جنبش اسلامی ما توطئه میکند. ما اگر بخواهیم همیشه پیروزمانده توطئه های ابرقدرتها بخصوص آمریکا را در هم بشکنیم بایستی به همه مسلمین و مستضعفین و جنبشها کمک کنیم و به آنها آگاهی ببخشیم تا آنها در داخل کشورهای خودشان نیرومند بشوند و اگر چنین شد علاوه بر اینکه حق را زنده میسازند مانع هم خواهند بود در راه توطئه های ابرقدرتها علیه ایران ساز میکنند بنابراین ایجاد همستگی بین نهضت‌های آزادیبخش راه موثری برای مقابله با استعمار بین المللی خواهد بود.

ایران را حفظ کردن و انقلاب اسلامی ایران را حفظ کردن مستلزم این است که دیگران را از یاری نبریم و به دیگران کمک کنیم والا آمریکا از طریق مزدورانش ایران را محاصره خواهد کرد.

راه مجاهد

یکی از مطالب مهم مورد اشاره شهید محمد منتظری بین المللی عمل کردن امپریالیسم است. این مسئله را ما بخوبی در طی جنگ ایران و عراق مشاهده کردیم که با ورود ناوگانهای آمریکایی به خلیج فارس اکثریت کشورهای هم پیمان غرب و حتی شوروی در این راه او را یاری دادند تا توانست با اعمال فشار خود مسائل را بر ما تحمیل نماید.

تحریمهای اقتصادی و تسلیحاتی و پائین آوردن قیمت نفت و... همگی سیاست‌های بین المللی امپریالیسم هستند که بر علیه انقلاب اسلامی صورت گرفت.

در مقابل بین المللی عمل کردن امپریالیسم ما نیز باید بصورت بین المللی عمل کنیم چنانکه امام نیز در پیام استقامتشان مسئله بین المللی اسلامی را مطرح کردند. لذا لازمه حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بین المللی عمل کردن ما در مقابل استعمار بین المللی است.

تضمین لبنان و جانبداری حزب الله و جبهه اسلامی لبنان از انقلاب اسلامی مسئله ایست قابل توجه که در مقابل عرقدار امپریالیسم به ایران عمل این فشار در لبنان بر علیه منافع استکباری آمریکا ظاهر میگردد که موجب محدود کردن فشار امپریالیسم به انقلاب میشود حال اگر این اهرمهای فشار را مادر سراسر جهان و بخصوص منطقه اسلامی خارجیمانه حفظ و تقویت میگردیم فشار امپریالیسم یکجا به روی ما متمرکز نمیشود. و ما به تنهایی مجبور به تحمل همه فشارها و تهدیدات امپریالیسم نمیشویم که بعد هم نتوانیم مقاومت لازمه را بنماییم.

منظور از نهضت‌های آزادیبخش چه نوع نهضت‌هایی هستند؟

* اینکه میگوئیم نهضت‌های آزادیبخش منظور چه نوع نهضت‌هایی است؟ آیا صرفاً نهضت‌های اسلامی مورد بحث است؟ یا کمک به نهضت‌های غیر اسلامی هم از وظایف ماست؟

بنا بر کلی نهضت‌های آزادیبخش کلیه نهضت‌هایی هستند که سعی خواهند از سر لاف‌فوت خلاصی پیدا بکنند حالا بعضی از آنها اسلامی و بعضی غیر اسلامی البته طبیعی است که یک آدم مسلمان اول نسبت به اسلامیها و آخر عمل دارد و وظیفه دارد ولی در مورد نهضت‌های غیر اسلامی هم بحث است ببینیم وظیفه ما چیست؟

... شریعت و قسم است یکسری مستکبرین هستند که اقلیتند و یک

حکومت اسلامی هستیم و به مکتب اسلام معتقد هستیم. آیا مکتب بزرگ است طبیعی است که ما جنبش‌های اسلامی را در درجه اول قرار دهیم اما در عین حال نباید جنبش‌های دیگر را هم فراموش کرد بنابراین اصل مکتبی بودن ما نشانماند این است که به تمام جنبش‌هایی عمل که غیر اسلامی است کمک دهیم. مکتب اینها تقاضا میکند چرا چون مکتب اسلام یکسری تائیدیهایی را واجب کرده که زمینه پذیرش فکر اسلامی در افراد بوجود بیاید.

* گاهی وقتها میبینیم که مارت میشود ما میخواهیم مسلمانان را نجات بدهیم که این درست نیست (زیرا وقتی که اسلام آمد در مکه مسلمانان وجود نداشت) بنابراین اسلام مربوط به کل اینها بشود و از همین روست که اما عموماً مسئله مستضعفین را مارج میکند.

راه مجاهد

مسافران به از پیروزی انقلاب اسلامی دیدیم که نسبت به جنبش‌های آزادیبخش وجود داشت این بود که اکثریت آنها را چپ زده و مارکسیست میدانستند و انتظار این بود که تمام جنبش‌ها در فکر و عملکرد همانگونه باشند که ما فکر میکنیم.

مسافران غریب پیروزی انقلاب و حمایت‌های بی‌درج بودی در دنیا و بخصوص منطقه مانع از آن شد که ما نیاز خود را به نهضت‌های آزادیبخش در آن کنیم و هیچگاه سعی در جذب آنها نداشتیم. از جمله این برخورد های غلط با سازمان آزادیبخش فلسطین و انتقادها و مارت زدن‌های فراوان به این جنبش و جدا شدن فتح از انقلاب اسلامی و سوق دادن آنها به طرف ضد دشمن بود در حالیکه اگر سعی در جذب و پیوند با آنها و استفاده از تجربیات گرانمای آنها را داشتیم برخورد صحیحی با مواضع و بینش‌های آنان میکردیم تا ضمن همکاری و هدایت آنان شیوه ها و عملکرد های غلط آنها را شناخت و در درون خود نیز پاکسازی میکردیم تا هم اکنون خودمانیز به سیاست‌ها و شیوه های غلط آنها (که روزی آنها را به همین خاطر شیدا میکشیدیم) گرفتار نمیشدیم.

باید جوهر این سخن آیت الله العظمی را بخار سیرد که در هر جای دنیای انقلابی بر علیه استعمار و استبداد و استعمار باشد آن انقلابی انقلاب اسلامی است.

گاهی وقتها مطرح میشود که ما مکتبی هستیم بنابراین باید جنبش‌های مکتبی را کمک بدهیم نه اصلاً چون مکتبی هستیم باید هر جنبش آزادیبخشی را کمک بدهیم که زمینه برای مکتبی شدن آنها بوجود بیاید والا بنشینید کنار بگوئید هر وقتی مکتبی شدن کمک میکنم نمی‌شود و یکی از مصادف زکات که صرف دارد مؤلفه قلوبیم بوده. در گذشته از همین زکات و از مالیات کشور اسلامی مجاناً در اختیار غیر مسلمانها قرار میدادند طبیعی است که در اختیار مستضعفین آنجا قرار میدادند تا زمینه برای تالیف قلوب بوجود بیاید که احساس برادرانه ایجاد بشود و سپس فکر اسلامی در آنها اثر بگذارد.

ضعف‌های سیاست خارجی در رابطه با صدور انقلاب

* در مورد سیاست خارجی بنظر من ضعف‌هایی که بوده یکی عدم شناخت خارج بوده. یعنی اکثر رهبران انقلاب و داخل ایران نسبت به خارج شناخت لازم را نداشته اند که چقدر میشود در خارج با جنبشها کار کرد.

مسئله دوم ناسیونالیسم بودن در عمل اما در فکر انترناسیونالیست بودن و این کاملاً خلاف است که ما در فکر انترناسیونالیست باشیم و در عمل ناسیونالیست. مسافران در ایران صورت گرفت این ناشی از این خط فکری است که ما می آئیم اول اوضاع خودمان را درست بکنیم و دیگران را کاری نداشته باشیم. اصلاً اجازه نمیدهند ما را میخورند ما برای اینکه اوضاع خودمان را درست بکنیم باید به اوضاع دیگران هم برسیم تا آنها هم کمک مقابل بدهند که بتوانیم در مقابل نقشه امپریالیست‌های ما و اگر بخواهیم صبر بکنیم تا مشکلات خودمان درست بشود اصلاً نمیگذارند این در تاریخ نشان داده شده است. ... مثلاً در رابطه با جنگ عراق خوب اگر ما به انقلاب اسلامی عراق پول دوتا از این فانتومها را داده بودیم خوب آنها میتوانستند داخل عراق انقلاب کنند ضربه بزنند اصلاً اجازه ندهند که عراق بیاید حمله کند به ایران. ولی کمک نمیکنیم تا اینکه نیروهای داخل آنجا ضعیف میشوند بعد هم آنها می آیند حمله میکنند و میلیارد ها از دست میدهند. برای حل این مسئله باید کار ایدئولوژیک و سیاسی زیاد بکنیم. یعنی یک سلسله تربیت‌هایی در سپاه پاسداران از طریق رادیو و تلویزیون در داخل نیروها صورت می‌گیرد و همیشه آن اسلام

یا ایها النفس المعطمته ارجعی الی ربك راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی
متن پیام آیت الله منتظری بمناسبت شهادت دکتر سامی :

بسمه تعالی

جناب آقای غلامرضا سامی ایدالله تعالی

پس از سلام حمله ناخوانمردانه به فرزند متعهد و مبارز و خدمتگذار شجاع جناب آقای دکتر
کاظم سامی که منجر به شهادت وی شد موجب تأثر و تأسف گشت .

مبارزات و فداکاری ها و فشارهای دوران ستماهی آن مرحوم و مقاومت های او در برابر مزدوران
جه در زندان وجه در شرایط دیگر که در راه پیشبرد و پیروزی نهضت اسلامی با دیگر
همرزمان خود متحمل شد هرگز فراموش نمی شود .

شکی نیست که ایادی مرموز استعمار و ضد انقلاب در صدور زمین بردن و هتک شخصیت ها
و چهره های مبارز و متعهد و سابقه و مفید برای انقلاب و استقلال کشور میباشند و در برابر
چنین جریان توطئه آمیز هرگونه بی تفاوتی و بیاستی آگاهانه یا نا آگاهانه قهراً در مسیر
اهداف دشمنان اسلام و استقلال کشور و احیاناً موجب شروعیّت دادن به هرج و مرج و تشدید
حود عدم احساس امنیت عمومی خواهد بود و مسئولین مربوطه نباید از عواقب منفی این جریانات
مشکوک و خطرناک به هر دستی که انجام می شود غفلت نمایند .

انتظار عمومی اینست که با حدیث و قاطعیت سببین اصلی این گونه جنایات شناسایی و
مجازات گردند و اجازه داده نشود توطئه دیرین دشمنان انقلاب و کشور عملی گردد .

این جناب شهادت فرزند مبارزتان را که سالها عمر خود را در زندان های شاه گذراند به
جناب عالی و تمام بازماندگان و منسوبین آن شهید محترم تبریک و تسلیت میگویم و از خداوند متعال
برای آن مرحوم علو درجات و حشر با اولیا* اسلام و برای جناب عالی و دیگر بازماندگان محترم
صبر و اجر مسئلت مینمایم .
والسلام علیکم ورحمت الله

حسینعلی منتظری

در این رابطه اطلاعیه تسلیت و ترحیمی به مطبوعات روز دادیم که بدلیل لغو مجلس تر حیم
چاپ نشد .

ویژگیهای شهید دکتر سامی :

دکتر از بد و ورورود به دانشگاه بخصوص پس از سالهای کودتای ۲۸ مرداد از فعالین انجمن
اسلامی دانشجویان بود . ایشان از همان موقع بدنبال این شعار مدرس که سیاست ما عین
دیانت ماست و آنزمان حرم بود و حالا همه جا باب شده ، بودند .
در مرحله پیکار اندیشه ارگان انجمن اسلامی دانشجویان که اولین شماره اش در سال ۴۰ منتشر
شد دکتر مقاله ای داشت که با این شعر شروع میشد :

بیا تا گل برافشانیم و می درساغراندازم فلک راسف بشکافیم و طرحی نودراندازیم

دکتر همیشه در جستجوی اسلام راهنمای عمل بود و بدنبال طرحهای بنیادی می گشت .
در سالهای بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و اینکه عدهای از روحانیون کودتار را تأیید کرده
بودند حومناسی برای ورود روحانیت به دانشگاه نبود . در آنزمان دکتر سامی و پیارانش
مدافعان اسلام در دانشگاه بودند .

بعد از قیام ملی ۱۵ خرداد در دکتر و پیارانش به لزوم جنبش مسلحانه بمنظور سرنگونی سلطنت
رسیدند . پس از جندی ایشان به زندان آر یا مهران افتاد . هم بند هایش همه از رفتن
انسانی او تعریف ها دارند .

دکتر در شغل طبابتش نیز یک پزشک ساده نبود. طبابتش همراه با تعهد و صداقت و صمیمیت بود. تمام مجاهدین و مبارزین پس از ۱۵ خرداد ام از مذهبی و غیر مذهبی وقتی در اثر فشار مبارزه پادشاه تشنجاتی به آنها دست میداد، مرخصشان میکرد بود. او اسرار و حالات شخصی بسیاری افراد را میدانست بدون اینکه در برخوردش با آنها تاثیری بگذارد. مبارزین هم خودشان به چنین شخصی نیاز داشتند که در عین حال که پزشک است مبارزو متعهد و دلسوز باشد و بتوانند او را سنگ صبور خود قرار دهند.

آنچه به مراجعین دکتر سامی آرامش می بخشید، بیشتر شخصیت و حذب انسانی آن شهید بود تا روان درمانی.

در شرایطی که کلیه بیمارستانها و درمانگاهها تحت کنترل شدید حفاظت و ساواک بود او آماد بود که مجاهدین مجروح را در منزلش پذیرفته و بیانسان کند.

دکتر از یکطرف جوهره و خمیره مکتبی داشت و شخصیتی آرمانگرا بود. و از طرفی پیوندی عمیق با نیروهای مذهبی و ملی داشت. و میزان شناخت او از این نیروها بسیار بالا بود. بدین لحاظ همیشه بعنوان یک پل رابط همه مبارزین را بهم پیوند می داد.

امیر بالیس از یکطرف از وجود چنین شخصیت هایی نگران است و احساس خطر می کند و از طرفی دیگر به عناصری که در قطب کاذب بین نیروهای ملی و مذهبی بوجود می آورند چشم امید دوخته است.

یکی از تلاشهای چشمگیر دکتر در زمینه جلوگیری از تحریف تاریخ و از بین بردن دو قطبی کاذب بین نیروهای ملی و مذهبی انتشار کتابهای مفیدی در معرفی حقایق تاریخ معاصر بوده است. بقول آقای بازگان در مراسم تشییع جنازه ایشان: همه دوست دارند دشمن هم دارند ولی دکتر سامی انسانیتی داشت که دشمنانش هم او را دوست داشتند.

وقتی دکتر برای معالجه دخترشان به خارج رفته بود با افرادی که از شورای مقاومت روحی جدا شده بودند برخورد پیدا کرد. ایشان تلاش داشت که آنها را به ایران برگرداند تا به مردم و انقلاب خدمت کنند. طبعاً روحی هم از همین فعالیتها نگران بود. چرا که دیگر فلسفه ای برای شورای مقاومت باقی نمی ماند.

روحی رشد خود شراد تقویت فاشیسم و سرکوب در داخل ایران دیده و می بیند، جناح سرکوبگر داخل نیز بقای خود را در همین شیوه ها می بیند. ملاحظه می کنیم که در این چند سال پس از انقلاب این دو جریان در هم مورد دست به دست هم داده و یکدیگر را تقویت کرده و میکنند. وجود دکتر سامی خاری بود در چشم هر دو. چرا که اگر آزادی باشد روحی نه منطقی دارد و نه شعاری که حذب کند.

آنچه مسلم است ترور ناخوانمردانه شهید دکتر سامی توسط سیا طراح شده و وسیله ایاری و پانته کیلات های هم خطش اجرا گردیده است.

ضمن تبریک و تسلیت به خانواده و بازماندگان و یاران و همفکرانش از خداوند منان تقاضای صبر بیشتر می کنیم.

بگوری چشم دشمن هر خون حقی که ریخته شود منشا خیر و برکت است و چنین بود شهادت دکتر سامی که پس از یک دوره خط و خط کشی جناحهای مختلف را بهم نزدیک کرد. امید داریم این حالت ادامه یافته و تعمیق بیشتری یابد.

در شماره آینده امید داریم به تحلیل و تفسیر این ترور بپردازیم. بعلمت زیر چاپ بودن نشریه امکان گنجاندن مطالب فوق در نشریه نبود.

مقدمه

"... يك مبارزه تمام عیار با آمریکا با شعار فقط و انجام مراسم تبلیغاتی کافی نخواهد بود، ما اگر نخواهیم در يك مبارزه اصولی پاریشه اصلی و علت العلل مطالبو طغیانها و فسادها مبارزه کنیم، راهی جز شناخت و شناساندن انواع سلطه های آمریکا و امپریالیسم و جبهه ها نیکه آمریکا از آن جبهه ها به اسلام و امت بزرگ اسلامی و مظلومین جهان حمله نکنند، نداریم و یقیناً چنین وظیفه مهمی را باید در بحثهای سیاسی، اقتصادی فرهنگی و نظامی دشمن برای ملت مقاوم خود و سایر ملتهای مظلوم تشریح و تبیین نمائیم و برای مبارزه همه جانبه و اساسی با آن، برنامه ریزی دقیق بکنیم."

"قسمتی از پیام تسلیت آیت الله منتظری به امام امت در رابطه با حمله وحشیانه آمریکا به هواپیمای مسافربری تاریخ ۶۷/۴/۱۳ یکی از عمده ترین اهداف انقلاب اسلامی تحقق عدالت و در نتیجه مبارزه با ظلم و جور بوده و هست. امپریالیسم آمریکا بعنوان شیطان بزرگ با خوی تکبر و استکبارش یکی از موانع بزرگ تحقق عدالت است. بدیهی است که یکی از ویژگیهای بارز انقلاب اسلامی درگیری دراز مدت با چنین نظام استکباری باشد. بطور مثال انقلاب در اولین مرحله خود با رژیم شاه درگیر شد چرا که شاه اولین مانع تحقق شعارها و انقلاب اسلامی و یکی از دست نشاندهگان امپریالیسم بود. هم چنین در این رابطه میدیدیم که در طول انقلاب همواره گفته میشد "بعد از شاه نویست آمریکا ست."

از طرف دیگر بعد از پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ تاکنون دیدیم که آمریکا و انبیا از هیچ کوششی برای از بین بردن انقلاب نویای ایران فروگذار نکرده اند. از بلای کردنستان و گنبد گرفته تا حمله نظامی (صحرای طبس) از کودتای نوژه و... تا تحمیل جنگی تمام عیار تمامی این توطئه ها با خطراتی بوده است که استکبار جهانی نابودی خویش را در گسترش انقلاب اسلامی میدیده است.

نتیجه میگیریم که انقلاب اسلامی بدلیل ماهیت عدالتخواهانه و پیوندی که با مستضعفین و مظلومین احساس میکنند و اختلافی ریشه ای و بنیادی با استکبار جهانی دارد. این مبارزه مقطعی و گذرا نبوده بلکه یک مبارزه دراز مدت و همه جانبه است. طبیعتاً توطئه های امپریالیسم علیه این نهال نوپا نیز مقطعی و تمام شدن نمیخواهد بود. طبیعی و لازم است که برای این مبارزه دراز مدت همانگونه که آیت الله منتظری نیز گفته اند، در زمینه های مختلف (فرهنگی، اقتصادی، نظامی و...) برنامه ریزی دقیق نمود.

ضرورت برنامه ریزی و مرحله بندی

چنانچه برای تحقق شعارها و اهدافمان مرحله بندی و برنامه ریزی نداشته باشیم، اولاً نمیتوانیم تمامی امکاناتمان را در این جهت

لزوم مبارزه برنامه ریزی شده با آمریکا

استخراج کرد؟ اگر نشان داده نشود که در زمینه های نظامی، اقتصادی و... خط

مشق مبارزین چه باید باشد و چگونه از اسلام محمدی استخراج میشود؟ این خطر وجود دارد که بتدریج شیوه های اقتصادی نظامی و... آمریکا با رنگ و لعاب اسلامی در ممالک اسلامی رایج شود. ضمناً سادگی گیری برخی مبارزین در هنگام سختیها باعث میشود که بخود زحمت تدوین برنامه های مختلف بر اساس اسلام مستضعفین راندند و همان برنامه های تدوین شده غرب یا شرق را باشکلی اسلامی بکار گیرند. چرا که گفته میشود "ما که تجربه اقتصادی نداریم، ما که تجربه نظامی نداریم، ما که... ولی غرب یا شرق سالهاست که در این زمینه ها کار کرده و موفق هم بوده اند. چرا از تجربیات آنها استفاده نکنیم؟ غافل از اینکه شیوه های آنها از منکب استکباریشان ناشی میشود و اگر ما هم همان شیوه ها را بکار ببریم در دراز مدت از اسلام فقط نامی و شکلی خواهیم داشت. شهری بی مال و دواشکم."

خوشبختانه امام خمینی در یکساله اخیر مکرراً در پیامهای مختلف خطرات اسلام آمریکایی را گوشزد نموده و با عمار آنرا باز کرده اند. همچنین ضرورت کار بیشتر روی این مسئله را به روحانیون و علماء و لسوزان اسلام انقلاب تذکر داده اند. امیدواریم مورد توجه قرار گیرد.

امام خمینی در پیام تسلیتی که به مناسبت شهادت علامه عارف حسین حسینی دادند در این باره چنین گفته اند:

"... امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیتها را دینی و سیاسی را از یکطرف و نفوذ گسترش فرهنگ اسلام آمریکایی را از طرف دیگر آزمایش گذاشته است. ایها کشفه تجاوزات جهان خواران همانند تجا و زشوری به کشور سلیمان و قهرمان افغانستان علنی و رودر رو بود. تا سلیمانان ابهت و اقتدار در روغن غاصبین را درهم میشکستند، و لسی راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاص برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنگه روشن گردد که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت های اسلامی مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدر تعاهای متحجره، رما به داران خدا شناس و مرفهین بی درد، کاملاً مشخص نشده است و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک منکب و در یک آئین، و تفکر متضاد رودر رو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است. که اگر این کار توسط حوزه های علمی صورت پذیرفته بود به احتمال بسیار زیاد سید عزیزما، عارف حسینی در بین ما بود."

از طرف دیگر آیت... منتظری هم در پیامی که بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای ملت ایران فرستادند، خواستار تشکیک هسته های تعقل و تفکر و اندیشه شده اند تا به نحو عمیقتری با دشمنان اسلام برخورد شود. "در شرایط گسلی انقلاب، ایجاد هسته های تعقل و تفکر و اندیشه... در صفحه ۲۱

در حالیکه توجه نمیشود، کشتن اسرا درجه مقاومت دشمن را بالا برده و در دراز مدت سبب فراتر رفتن برایمان ایجاد خواهد کرد و اصولاً در یک مبارزه برنامه ریزی شده برای آزادی قدس و جنگ ما در داخل خاک عراق بایستی یک جنگ آزاد بیخوش باشد و آنها ما را ناجیان خود ببینند، نه قاتلان خود یا در زمینه سیاسی و در شرایط سخت و دشوار بنظر عده های نزدیکی به یک جناح غرب فشار بیاورد و رتبه ها را کاهش خواهد داد. حال آنکه در یک دید دراز مدت و برنامه ریزی شده، تکیه گاه اصلی انقلاب، مردم ایران و منطقه هستند و با اینکسار (نزدیکی به یک جناح غرب) اعتماد مردم را از دست میدهیم.

همینطور در زمینه اقتصادی، مثلاً فروش یکسری اجناس خارجی به قیمت آزاد بود چه فلان نهاد انقلابی را تأمین کرده و بطور مقطعی مشکل را حل میکند. حال آنکه مضرات این عمل را آیت الله منتظری و آیت الله موسوی اردبیلی در مرداد ماه اسال ذکر کرده اند.

آنچه مسلم است بکاربرد شیوه های غلط تدبیر ما را از اصولمان دور میکند. بعد از گذشت چند سال مجبور میشویم دست از شعارهای اصولی انقلاب برداشته و کلاً خط مشی انقلاب را عوض کنیم. که این بزرگترین آرزوی ام الفساد قرن، آمریکای جنایتکار است.

ذیلاً مختصری پیرامون برنامه ریزی در امور منکبی (ایدئولوژی) و استفاده از استعدادها، مبارزه با دستهای مرموز امور نظامی و اقتصادی مطالبی را بیان خواهیم نمود.

۱- برنامه ریزی در زمینه ایدئولوژی

اولین گام در این زمینه، مرز بندی ایدئولوژی انقلاب اسلامی با ایدئولوژی و فرهنگ آمریکایی است. اگر مشخص نشود که اختلاف این دو منکب بر سر چیست، و کجای این دو بیشتر با هم فرق دارد. شیوه های اسلامی کدام است و چگونه از منکب اسلام این شیوه ها را باید

بسیح کنیم. ثانیاً "ناخود آگاه دنیا لسه - رو توطئه های وسیع و رنگارنگی میشویم که از داخل و خارج علیه ما صورت میگیرد، و بجا ضربه زدن به تنه امپریالیسم با شاخه و برگها درگیر میشویم."

برای مثال مروری کوتاه به انقلاب دوم یا حرکت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، میکنیم: حرکت تسخیر لانه جاسوسی که از طرف رهبر کبیر انقلاب، بحق "انقلاب دوم" نام گرفت در تداوم شعارها و بنیادی انقلاب اسلامی بود.

انقلاب دوم که مشخصاً علیه امپریالیسم بود، در داخل باعث بسیح تمامی نیروها شد. چرا که نیاز دل تمامی مستضعفین بود. در خارج هم بسان بعضی متفجر شد. که یکی از آثارش حمله به سفارتخانه های آمریکا در سایر کشورهای منطقه بود.

در طی حرکت دیده شد وجه ضد لیبرالی حرکت پررنگتر شده و تاحدی وجه ضد آمریکا - شی آثار تحت الشعاع قرار داد. بجای آنکه افشاگر علیه جاسوسان و کسانیکه ارتباط تشکیلاتی با سفارت داشتند باشد، توجه

عاصر لیبرال و افرادی شد که سعی در دولت موقت داشتند. چنانچه این حرکت نیروی اصلی خود را روی افشا و انهدام تشکیلات "سیا" در ایران میگذاشت، خط لیبرالها نیز به بهترین وجهی مورد نقد و بررسی قرار میگرفت.

بنظر میرسد این ضعف ناشی از پنهان دادن به مرحله بندی و برنامه ریزی همه جانبه برای مبارزه با شیطان بزرگ است. همین ضعف تاحدی باعث گسترش تفکر و تشکیلات لیبرالیسم نیز گردید.

نداشتن برنامه، شیوه های غلط، عدول از اصول

شیوه های غلط وارسال آفتی است که در اثر نداشتن یک برنامه ریزی، دانگیم مبارزه مقدس با استکبار جهانی میشود.

در مبارزه با استکبار همواره شرایط سخت و دشوار تر میشود. چنانچه برنامه ریزی و مرحله بندی برای آینده انقلاب و مبارزه نداشته باشیم، براحتی به دام شیوه های غلط و ظاهراً مشکل گشا خواهیم افتاد. بطور مثال کشتن اسرا به ادا عملیات سرعت میبخشد.

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است

ام خمینی

جمهوری اسلامی ایران وقطعنامه ۵۹۸

مقدمه

امام خمینی طی پیام اخیرشان در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و چون و چرا ارزش زیبایی خواندند ولی پیگیری آنرا به پس از رفع شرایط بحرانی کنونی محول نمودند. از طرفی متن پیام ایشان سرشار از جمع بندی و ریشه‌یابی خط مشی بود. هر چند از نظر تشکیلاتی مسئولیت بسیار فرد و جریان خاصی را زیر سوال نبردند. عدم جمع بندی از ضربه اخیر (پذیرش زهرنامه ۵۹۸) موجب باقی ماندن ریشه‌های ضربه در سیاست داخلی و خارجی شده و ایجاد زمینه‌های ضربه بزرگتری را در آینده مهیا خواهد نمود. بنابراین اقدام به یک جمع بندی از استراتژی که موجب چنین ضربه‌ای شده، حتی در شرایط بحرانی یک فریضه است. امام نیز در حد توان به چنین جمع بندی در پیام اخیرشان پرداختند که بیشتر جنبه اثباتی داشت.

بنظر ما زیرسؤال بردن فرد یا افراد خاصی در این شرایط قبل از اقدام به تحولی در استراتژی‌های نارسا به تنهایی موجب حل ریشه‌های مشکلات نمی‌شود. در راستای ریشه‌یابی ضربه‌های اخیر مقالاتی در راه مجاهدت تحت عنوان "ریشه‌یابی ضربه‌های قاصد و شلمچه" بین دست‌های عملیات چشمگیر و... بدوچ رسیده است. قصد ما در این مقاله ادای چنین تکلیف الهی در رابطه با بررسی نقش سیاست خارجی و دیپلماسی مسئولین بلند پایه وزارت خارجه جمهوری اسلامی در ضربه‌های اخیر می‌باشد. امیدواریم با اصلاح خط مشی‌های نارسا از افتادن به دام ضربه‌های بزرگتر جلوگیری کنیم. با پیروزی جلوه‌ها در آن ضربه نمیتوان از آن فرار نمود.

البته لازم به ذکر است که نقش فشارها و توطئه‌های خارجی در تحولات اخیر غیر قابل انکار است ولیکن توفیق این فشارها بستگی به درجه انسجام درونی ما دارد. امام خمینی نیز علت پذیرش زهرنامه را در وقوع یک سلسله حوادث و نقطه نظرات مسئولین جمهوری اسلامی دانستند. بنظر ما حوادث فوق فشارها و توطئه‌های استبداد جهانی و ایادی داخلی بود. توطئه‌ها و نظرات مسئولین نیز ناشی از وجود خط مشی‌ها و تفکراتی بین آنها در رابطه با قبول قطعنامه می‌باشد که میبایست ریشه یابی و مورد اصلاح قرار گیرد. در این راستا نقش دیپلماسی جمهوری اسلامی را در زمینه‌سازی ضربه اخیر مورد بررسی قرار میدهم:

ریشه‌یابی نقش دیپلماسی جمهوری اسلامی در زمینه سازی پذیرش زهرنامه ۵۹۸

این ریشه‌یابی در سه محور زیر صورت گرفته و در انتها راجع خود را عنوان می‌نمایم:

- ۱- دیپلماسی مذکور بر اساس مهلت و امتیاز به دشمن
- ۲- دیپلماسی رابطه با دول به قیمت انزوا بین ملل
- ۳- دیپلماسی نامحرم دانستن مردم جمع بندی و راجع

دیپلماسی مذکور بر اساس مهلت و امتیاز به دشمن

در بین برخی از سیاستمداران جهان تفکری وجود دارد که بر اساس آن هر گونه اقدام و عمل نظامی علیه امپریالیسم تشنج آفرین معرفی شده و معتقدند که از طریق مذکور و مشی گام می‌توان به اهداف سیاسی جامعه عمل پوشانید. بر اساس این دیپلماسی در صورت بروز اختلاف و بین سستی در روند مذاکرات از طریق اعطای امتیازاتی میتوان مذاکرات را از بین دست خارج نمود (دیپلماسی بدبستان) و در مقابل امتیاز اعطایی، امتیاز متقابل را از دشمن گرفت.

برای روشنتر شدن نقش خراب دیپلماسی امتیاز سیر مواضع

مسئولین سیاست خارجی را در رابطه با قطعنامه ۵۹۸ از رد تا پذیرش مورد بررسی قرار میدیم. این مواضع از ابتدای تصویب قطعنامه در شورای امنیت تاکنون به سه مرحله به شرح زیر قابل تقسیم است:

۱- رد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی مسئولین وزارت خارجه قبل از تصویب آن در شورای امنیت.
کپهان ۶۶/۴/۲۸ "دشمن‌لایق":... پذیرش قطعنامه پیشنهادی (۵۹۸) از نظر جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه قابل قبول نیست... متأسفانه این پذیرش در صورت تصویب دست دبیرک سازمان ملل را در ادامه تحولات موثر و مثبت خواهد بست.

۲- رد قطعنامه ۵۹۸ از سوی مسئولین وزارت خارجه پس از تصویب آن در شورای امنیت.

الاعلیه مورخ ۶۶/۵/۱ وزارت امور خارجه: شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه غیرعادلانه از ایفای بهترین وظیفه خود در حفظ صلح و امنیت بین المللی عدول نمود... اشاره به مواد ۳۹ و ۴۰ از فصل هفتم منشور که منای بند های اجرایی قطعنامه اخیر قرار گرفت. نه تنها خطای گذشته را جبران نکرد بلکه در واقع مسئله مسئولیت عراق در کاربرد زهر و شروع جنگ را نیز لوٹ نموده است. به همین جهت قطعنامه اخیر کوچکترین اثر بازدارنده یا تخفیف دهنده‌ای برجنگ تحمیلی که مسئولیت آن صرفاً به عهده رژیم متجاوز عراق است نخواهد داشت... وزارت امور خارجه مؤکداً اعلام میدارد موضع اصولی جمهوری اسلامی درقبال جنگ تحمیلی و وضعیت حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس به هیچ وجه تغییر نخواهد کرد.

۳- عدم رد و عدم تأیید قطعنامه ۵۹۸ از سوی مسئولین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی.

لاریجانی ۶۶/۷/۲۱: پس از گذشت چند هفته از تصویب قطعنامه و تماس‌های تلفنی که با ما گرفته شده است استراتژی خود را درقبال مسئله روشن کردیم. ما اعلام نمودیم که این قطعنامه ضمن اینکه میتواند شروع تخصصی و هجوم و فشاری علیه ایران باشد (که در آن صورت پاسخ ما بطور قاطع منفی است) حاوی عناصر مثبت نیز هست. این عناصر میتواند شروع جریانی باشد که در نهایت موجب آغاز تحرکی معقول در خصوص امنیت منطقه گردد و در آن صورت ما علاقمندیم که با آن همکاری کنیم.

آقای محلاتی در کپهان ۶۷/۲/۲۶ گفتند: قطعنامه ۵۹۸ شامل بندی بود که بهترین خواسته ما را تأمین میکرد و آن اینکه دبیرک موظف است که کمیته‌ای برای تعیین متجاوز تشکیل دهد و وجود این نقطه مثبت وزارت امور خارجه را بر آن داشت تا قطعنامه را بکلی رد نکند.

با مراجعه به ماده ۶ قطعنامه متوجه میشویم که بیان مسئولین وزارت خارجه از این ماده درست نبود. چرا که این ماده تأکید بر تشکیل هیاتی جهت بررسی مسئولیت درگیری، آنهم با شهورت ایران و عراق دارد که این مسئله دارای تفاوت بنیادی با کمیته تعیین متجاوز است (رئیس مقاله زهرشناسی راه مجاهد ۴۹). این موضع در حالی اتخاذ شد که هیچیک از شرایط سه گانه جمهوری اسلامی در قطعنامه ملحوظ نشده بود و از این لحاظ نقطه مثبتی به نفع ما نداشت. در این مرحله چرخش مواضع از مخالفت آشکار به موضع نه رد نه تأیید در حکم یک عقب نشینی آشکاری بود.

۴- پذیرش طرح اجرایی دبیرک که هیچ اختلافی با قطعنامه ۵۹۸ از نظر بنیادی نداشت.

پذیرش طرح اجرایی دبیرک در واقع نوعی پذیرش غیر مستقیم قطعنامه ۵۹۸ بود و گامی در جهت دست کشیدن از شرایط عادلانه مان در جنگ محسوب میشد. آقای ولایتی طی نامه‌ای به دبیرک قبل از پذیرش رسمی قطعنامه گفته بودند که قبول طرح اجرایی دبیرک از جانب ایران منافاتی با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ندارد. آقای لاریجانی بتاريخ ۶۶/۹/۱۰

گفتند "اگر آنها واقعا در مورد اجرای قطعنامه ۵۹۸ فکرمیکنند باید به این مطلب توجه کنند که ایران اجرا شدن طرح دبیرک را قبول کرده و ملایم با این تفکر در جهت دستیابی به این روند عمل میکند". جهت روشن شدن عدم اختلاف بنیادی طرح اجرایی دبیرک با قطعنامه ذیلاً مفاد طرح اجرایی را بصورت متن کامل آن می‌آوریم:

۱- ازین تاریخ مشخص (روزر) که میباید مورد توافق قرار گیرد و به منظور تسهیل امر مذاکره روزمره خوانده میشود یک آتش بس رعایت خواهد شد.

۲- در تاریخ مشخصی بعد از روزمره که میباید مورد توافق قرار گیرد عقب نشینی تمام نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی آغاز میشود که میباید در یک چهارچوب زمانی مورد توافق به پایان برسد.

۳- در روز یک تیم ناظر سازمان ملل ایران تجارت و تأیید رعایت آتش بس و متعاقباً عقب نشینی نیروها اعزام میشود.

۴- در روزی که در یک تاریخ مورد توافق قرار گیرد آزاد و استرداد اسرای جنگی بر این کوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ آغاز میشود.

۵- در روزی که مذاکره با ایران و عراق راجع به منظور نیل به حل و فصل جامع عادلانه و شرافتمندانه کلیه موضوعات که مورد توافق طرفین باشد آغاز میکند.

۶- در روزی که تاریخ دیگری که مورد توافق قرار گیرد کار هیات بیطرف برای تحقیق مسئولیت درگیری آغاز میشود.

۷- در تاریخی که میباید مورد توافق قرار گیرد هیات بیطرف کار خود را پایان میرساند.

۸- در یک روز بعد از روزی که میباید مورد توافق قرار گیرد دبیرک کل یک تیم کارشناسی را برای مطالعه مسئله بازسازی اعزام میکند.

۹- در روزی که تاریخ دیگری که مورد توافق قرار گیرد دبیرک مشورتاً ایران و عراق و دیگر دول بیطرف بیامون اقداماتی در جهت تقویت امنیت و ثبات منطقه را آغاز میکند.

چنانچه ملاحظه شد تفاوت طرح دبیرک با قطعنامه تنها مربوط به مشخص شدن زمان اجرای مفاد قطعنامه بود در واقع با تعیین زمان هر یک از مواد اجرای قطعنامه تعیین شده و مذاکرات پاروخی اشکال تراشیدها طولانی نمیکردید. به همین دلیل عراق با آن مخالفت نموده و خواهان اجرای ماده به ماده قطعنامه بترتیب کردید ولیکن علی‌رغم تفاوت فوق وحدت بنیادی آنها در عدم ملحوظ شدن شرایط عادلانه جمهوری اسلامی در مورد و مشهود بود.

۵- پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ روندی که اکنون مذاکرات نیویورک طی میکند حتی با طرح اجرایی دبیرک نیز منافات داشته و از آن غیرعادلانه تر است چرا که در طرح اجرایی تأکید شده تا طرفین قبل از اجرای آن ترس در مورد روز عقب نشینی، آزادی اسرا، تشکیل هیات بیطرف و اجرای سایر مواد به توافق برسند سپس در تاریخهای مقرر مواد قطعنامه اجرا شود ولیکن چیزی که عملاً اجرا میشود این است که آن ترس در جنبه‌ها برقرار گردیده بدون اینکه در باره سایر مواد به توافق برسیم. چنین روند ظالمانه‌ای موجب شده تا مذاکرات بر سر اجرای سایر بندها با بن بست روبرو شده و احتمال وقوع دوباره جنگ از بین نرود و طرفین دائماً در یک حالت موازنه وحشت بسر برند. از آنجا که مسئولین سیاست خارجی در اجرای آن ترس عجله داشتند تسلیم چنین سیری شده و از طرح دبیرک نیز کوتاه آمدند.

چنانچه ملاحظه شد مسئولین سیاست خارجی با طی مرحله در طول یک سال از مخالفت کامل با قطعنامه به موافقت کامل رسیدند و هم اکنون نیز حتی از طرح اجرایی دبیرک عقب نشینی کرده‌اند. بنظر ما ریشه این عقب نشینی در اعتقاد به "دیپلماسی امتیاز" می‌باشد این اعتقاد در کتابی تحت عنوان "دیپلماسی نوین" از انتشارات وزارت خارجه آموزش داده شده است.

بنظر ما "دیپلماسی امتیاز" اقدام به نرسد. در مواجهه با دشمنان موجب جرئت شدن آنها میشود. چنانچه در وقایع اخیر استراتژیستهای امریکایی در تحلیلشان فشار نظامی علیه جمهوری اسلامی و حضور در خلیج فارس را موفق خواندند و حتی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طریق هماهنگی با عراق جهت تعدیل بیشتر ایران بر فشارهای دیپلماتیک خود افزودند تا امتیازات بیشتری بدست آورند.

تجربه پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که امریکا بدلیل یاس از فشار نظامی در وقایع قهوتیریز ۱۷ شهریور... واقعتاً انقلاب اسلامی را پذیرفت. اگر در آن شرایط "دیپلماسی امتیاز" راجع جلب حمایت جناحی از غرب اتخاذ میکردیم قطعاً رژیم سلطنتی سیاست قشمار نظامی را موفق دانسته و در سزکوب ملت جهت تعدیل بیشتر قاطعتر میشد.

بقیه در صفحه ۲۰

اگر عمل ریشه‌یابی و پاکسازی انجام نشود، همان‌گونه که در جنگ تکرار میگردد.

میشود مردم کزد این شهرها آنقدر تشخیص داشته اند که این آتش بازی توپخانه ایران را منطبق دانسته و آن را قصیر رزمندگان اسلام ندانند و بگویند این آتشهای صدامی هاست که این وضع را درست میکند .

نیروی بیاد نیروی سرنوشت ساز است

کیهان ۶ فروردین ۱۳۶۷

... هیچ جنگی را نمیشود با حملات موشکی پایان داد و

تشکر از کاخ سفید بخاطر محکوم کردن عراق

... همین قدر که کاخ سفید آمریکا کاربرد سلاح شیمیایی را از سوی عراق محکوم کرده تشکر میکنیم .

سیاست موزیبا نه و دوگانه شوروی

... سیاست شوروی موزیبا نه و دوگانه است بلکه این موشکها را روسها در اختیار عراق گذاشته اند . در بررسی موشکهای که سالم بدست ما رسیده است معلوم شد که موشکهای ساخت

مقدمه :

در راه مجاهد به شماره های ۴۰ تاریخ بهمن و اسفندماه ۱۳۶۵ و همچنین شماره ۴۱ مورخ فروردین ماه ۱۳۶۶ و شماره ۴۹م - ماه ۱۳۶۷ مجموعه سخنرانیها و مراحمهها و خطبه های نماز جمعه حجة الاسلام رفسنجانی راتحت عنوان " گام به گام با حجة الاسلام رفسنجانی در قضیه مکفارلسن " به چاپ رساندیم . در این شماره نیز محورهای مهم و استراتژیک سخنان ایشان را از اول اردیبهشت تا آخر مردادماه ۱۳۶۷ می آوریم .

در رابطه با مردم مقدمتا " لازم است توجه کنیم که سه خط منی موجود است :

عده زیادی هستند که حالاهم بقایایشان و جود دارد و موضع آنها این است که منتظرند در سیاست خارجی تضادی پیش نیاید . آمریکا و انگلیس با هم اختلاف پیدا کنند . تضاد بین این اردوگاه و آن اردوگاه و از طریق تضادها بتوانند یک نفسی بکشند و حرکتی راه بندارند و مردم را هم بدنبال خودشان بکشند . این منطق منطقی است که دیگر خریداری ندارد .

ولی موضع دوم نسبت به مردم این است که می آیند مردم را به صحنه می آورند و از آن در جهت مصالح روز مملکت استفاده میکنند . تکیه به مردم دارند به منظور تحلی قدرت در برابر امپریالیسم . تا در معادلات سیاسی بین المللی این قدرت و نفوذ بحساب آید . متاء بعبانه در این جنبش انقلابی ما ، رگه هایی از این تفکر دیده میشود . امیدواریم در بستر انقلاب این خط منطقی اصلاح و تحدید نظر شود .

تشویق عراق بخاطر استفاده از سلاح شیمیایی

رسالت ۶ فروردین

مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی

... اگر در ماجرای استفاده از سلاح شیمیایی سال گذشته عراق ، که سازمان ملل هم این کشور را محکوم کرد تنبیه شده بود ، این فاجعه بار دیگر اتفاق نی افتاد . اما ما بجای تنبیه دیدیم که نیروهای ناتو و حامیان رژیم عراق در خلیج فارس حضور یافتند و موشکهای راکت رژیم عراق فاقد آن بود در اختیار گذاشتند .

تنها راه معرفی و محاکمه متجاوز است

... موضع ما قاطع است و بدون معرفی متجاوز و ترمیم محکمه ای برای وی راه حل جدیدی نمی بینیم .

... ما گفته ایم که آمریکا حالت خصمانه ای نسبت به اسلام ، انقلاب و مردم فلسطین دارد که دلیل قهر بودن ما با آمریکا این موارد است و اگر آمریکا به حالت خصمانه خود خاتمه دهد و بصورت عادی برخورد کند ، ما میتوانیم بهرامون چگونگی روابط ایران و آمریکا بحث کنیم اما فعلاً خصوصیت بین روابط دو کشور حاکم است .

شرق و غرب مخالف ختم جنگ هستند

... بنظر ما قدرتهای غربی و روسها مایل نیستند که این جنگ تمام شود و آنها ختم عادلانه جنگ را نمی خواهند آنها آتش بس و ادامه کانون نزاع و در نتیجه مسابقات تسلیحاتی و پیروزی عراق را می خواهند . اما پیروزی ایران را که طالب حق و عدالت است نمی خواهند و چون راهی جز این برای جنگ وجود ندارد ، کشورهای مقتدر دنیا نه تنها برای ختم جنگ تلاش نمی کنند بلکه مخالف هم هستند و تلاشهای دیگران را نیز در این زمینه خنثی میکنند .

گام به گام

با حجة الاسلام موشمی رفسنجانی

در مسائل استراتژیک



شوروی در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ تولید شده است . و دستکاری این موشکها و تغییر برد این موشکها نیز کار شورویهاست . ما با شوروی بخاطر اینکه همسایه هستیم و بنا نداریم بحرانی در روابط بوجود بیاییم مذاکره میکنیم .

... ما از اینکه کشورهای اسلامی بنیه نظامیشان قویتر شود موافقم زیرا فکر میکنیم در نهایت این امکانات بدست مردم انقلابی و مسلمان خواهد افتاد که علیه استعمارگران و طاغوتیان بپا خواسته اند اما این راضیظقتی برای تضعیف روحیه خود در این مقطع میدانم .

ما ما بایلیم برای آزادی گروگانها خدمتی انجام مدهیم

... ما بطور کلی مایلیم برای آزادی گروگانها خدمت و کمکی انجام مدهیم . اما متأسفانه کشورهایی که اتباع آنان در لبنان گروگان هستند ، روابط خصمانه با ما دارند . ما سال گذشته به انگلیسی ها گفتیم که اگر آنها برای رهائی گروگانهای ایرانی نزد فالانژها کمکی کنند ما هم این کمک را متقابلاً خواهیم کرد . ولی آنها کمکی در این زمین به ما نکردند . و وقتی که آنها اینطور برخورد میکنند نباید توقع کمکی از سوی ما داشته باشند .

... برای مثال در مکرانها در آمریکا در این امر (آزادی گروگانها) کارشکنی میکنند که مبادا جمهوری خواهان گروگانها را آزاد کنند و یا باند میتران برای باند لیبرال کارشکنی میکند که مبادا گروگانها آزاد شده و برگ برنده ای را در اختیار داشته باشد . بهر تقدیر و با تمام اینها ما بایلیم که در راه آزادی گروگانها خدمت کنیم مشروط به آنچه که پیش از این گفته شد .

سیاست ما نداد و م ضربات تا تسلیم دشمن است

... سیاست ما اصالت سیاست تنا و ضربات متوالی برای بر سر عقل آوردن دشمن و تسلیم او در برابر حق است . ما با تجهیز نیروهای نظامی خود در سراسر جبهه نیرو داریم و اگر شورای امنیت سازمان ملل به نتیجه نرسد ما اقدام خواهیم کرد .

مردم عراق آتش توپخانه ما را منطقی میدانند

رسالت ۸ فروردین ۱۳۶۷

در دیدار با رزمندگان لشکر ویژه پاسداران :

... مهم این است که این شهرها که ما فتح کرده ایم زیر توپخانه ما بوده است . طبعاً در مرز توپ برد و

نیروی سرنوشت ساز در جنگ نیروها نظامی بویژه نیروهای پیاده است که ما آنجا توقعان روشن است شاید تنها اثری که میتوانند ببینند این باشد که مرگ صدام و شکست عراق را تسریع کند .

... ما بعضی کارها را که فکر میکردیم بازمان حل میشود الان فکر میکنیم که زمان به ضرر ما باشد و تسریع بکنیم مردم ما هم چنین احساسی پیدا کرده اند .

ما با هوا بیما ربابی مخالفیم

رسالت ۱۷ فروردین ۱۳۶۷

... ما با اینکه کارها مخالفیم و فکر نمیکنیم این حادثه توطئه ای باشد و احتمال میدهم اینکار تلاشی است برای تحت الشعاع قرار دادن مسئله حلبچه و کشتار شیمیایی ساکنین این شهر توسط رژیم حاکم بر بغداد .

بخشیدن صدام امکان ندارد

کیهان ۲۴ فروردین ۱۳۶۷

گفتگوی مجله انگلیسی ابزرور :

... فکر نمیکنم ، چگون مابه خودمان این حق را تمهیدیم انقلاب مایک انقلاب عمیق فرهنگی ، اسلامی است که به ما اجازه صرف نظر کردن از ارزشهای اصل خود را نمی دهد حزب بعث عراق آنقدر جنایتکار است که شما تنها گوشه ای از جنایات آنان را در حلبچه دیده اید . چطور یک انقلاب بخودش حق می دهد که اینگونه آدمها را عفو کند .

... اولاً که ما بیشتر روی حزب بعث تکیه داریم بیشتر میگوئیم که آن حزب باید حذف شود . ما فکر میکنیم با رفتن صدام حزب بعث بدلیل وابستگی به صدام نمیتواند ادامه زندگی دهد . یعنی مثل زمان شاه در ایران است ، ما مشغلاً وقتی که همیتر را مجازات کردند ، همه مردم آلمان را که مجازات نکردند عده ای از سران جنگ افروز نازی را مجازات کردند .

غیر از کمونیسم مردم عراق هر حکومتی نخواهند ما هم قبول داریم

... ما هر چه که مردم عراق بخواهند ما خواهیم . اگر فرض این بود که مردم عراق رژیم کمونیستی می خواهند این سؤال بجا بود ، ولی ما میدانیم که مردم عراق همه کمونیست نیستند ، عراق تعداد کمی کمونیست دارد . اگر ما می دانستیم سقوط صدام کمونیسم در عراق روی کار می آید این مقدار پافشاری نمی کردیم .

بقیه در صفحه ۱۹

به یقین دشمنان ما و جهان خوار امرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی الهی باقی نمانند .
اما بر خیمینی

خط امام

در گلام

آیت العظمیٰ منتظری

ایشان در جریان است و نه شیوه های درسی متداول .

این جانب نسبت به سیاست .
تصمیم گیری و احرائیات کشور
دخالتی ندارم و در کنار میباشم



سکوت در مقابل ظلم حرام است

جمهوری اسلامی ۱۱ مهر دیدار با
طالبه های حجازی :

" در مقابل ظلم نباید بی تفاوت و ساکت ماند . همانگونه که ظلم حرام است ، سکوت و یا تأیید ظلم هم حرام و مبعوض اسلام می باشد از روز نخست خلقت انسان این درگیریها و شهادت ها و آزمایشها بوده است . و رشد و تکامل انسانیت و بروز سعادت و شقاوت افراد در همین تقادها و جنگ حق و باطل خواهد بود .

حضرت اباعبدالله حسین ع از قول پیامبر اکرم (ص) نقل فرمودند که : هر کس سلطان ظالمی را دید که به دین و احکام خدا تجاوز نماید و حلال خدا را حرام و حرام او را حلال میکند ، و هیچگونه عکس العملی در مقابل او نشان نداد ، خداوند چنین فردی را با همان سلطان ظالم محشور می نماید .

این علماسو" درباری هستند که در کشور های اسلامی پایه های حکومت ظالم اکثر سران فاسد را تقویت می کنند و امت را به تکمیل و تحمل این همه مظالم سران دعوت می نمایند ."

ایشان از طلاب حجازی خواستند با خواندن درس و اقدام به خود سازی و تهذیب نفس خود را آماده سازند تا اینکه علماء سو" نتوانند به مظالم خود ادامه دهند و ترتیبی دهند تا مردم به نقش اینها آگاه شوند و از انظار مردم ساقط شوند .

راه مجاهد : در رابطه با توصیه آقای منتظری به درس خواندن طلاب حجازی به این نکته توجه شود که درسی که مد نظر ایشان می باشد ، کار روی قرآن و تفسیر البلاغه و مسائل سیاسی است . به شکلی که همه ای از آن در مدارس تحت نظر

جمهوری اسلامی ۲۰ مهر پیام خطاب به اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان سراسر کشور :
" شما خود به مسائل و مشکلات جاری و وظائف سنگین نسبت به انقلاب و حفظ آرمانها و ارزشها و اصول اولیه آن آگاه و مطلعید ، آنچه را شما احساس می کنید این جانب هم کاملاً احساس کرده و می کنم این جانب نسبت به سیاست و تصمیم گیری و احرائیات کشور دخالتی ندارم و در کنار می باشم . ولی هر وقت احساس تکلیف شرعی می کرده ام ، مسائلی را به مسئولین محترم و به ملت عزیز تذکر داده و احیاناً به اطلاع مقام معظم رهبری میرسانده ام ."

راه مجاهد : در بین اقشار مختلف شایعات و زمزه هایی وجود دارد که جرابه حرفهای آقای منتظری گوش نمی دهند ؟ گذشته از مدافعین انقلاب حتی اقشار ناراضی در مورد صداقت و دلسوزی و حقانیت موضع آیت العظمیٰ تردیدی ندارند . بسیاری به امید اینکه روزی نصایح ایشان پذیرفته شده و به احراد آید ، مشکلات را

تحمل می کنند . امام خمینی نیز در مواقع حساس روی صلاحیت و حقانیت ایشان تأکید کرده اند . لذا لقب " امید امت و امام صرفاً یک عنوان رسمی و ظاهری نیست ، بلکه حاکی از یک واقعیت در اوضاع فعلی کشور است .

لذا ایشان یک شخص نیست که کنار بود نشان را بتوان تحمل کرد . بلکه امروزه ایشان حامل بسیاری از امیدها و انتظارات دلسوزان و انقلابیون داخل و خارج کشور است . بعبارتی فریاد دل مردم در دفاع از ارزشهای انقلاب .

مسئولین امر توجه دارند که بسیاری اقشار بی توجهی نسبت به اعلام کنار بودن ایشان را بعنوان قطع امید از اصلاح نظام و بی اعتمادی نسبت به مسئولین تلقی کرده و در حمایت و دفاع تردید خواهند کرد .

گرچه شاید در مقابل وقایعی که تدریجاً شکل می گیرد به بی توجهی عادت کرده باشیم ، ولی با این روش نمیتوان از عواقب امر پیشگیری کرد . امید داریم به آینده انقلاب دلسوزانه تر فکر کرده و بجای گذران روزمره در شیوه های غیر اسلامی رایج که مستمراً مورد اعتراض امید امت و امام قرار میگیرد ، تجدید نظر گردد .



از آنجائیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما می - هما منظور که هستند) تحلیلهای را با رورسمنما بد ، بر آن شدیم مجموعه ای از اخبار مهم ما را در بخشی از نشریه کدها بنکار را اختصاص داده ایم ، درج نمائیم . اهداف مورد نظر ما در این بنکار عبارتند از :

- ۱- کمک به روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی .
- ۲- دادن بیشتر استراتژیک از رویدادهای ایران ، منطقه ، جهان .
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و اقوال امیرالایم . ضمناً " راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند .

اگر تحمل شنیدن حرف مخالفان داشته باشیم آن حرف مبدل به گلوله خواهد

" مسئولیت حفظ انقلاب و ارزشها و تحقق اهداف و آرمانهای الهی به عهده فرد فرد ما می باشد .

مسئولین کشور و انقلاب هم نباید خود را مستغنی و بی نیاز از تذکرات و انتقادات سازنده بدانند . آزادی بیان و اظهار نظر در چهارچوب اسلام و انقلاب و مصالح کشور حق طبیعی و قانونی هر فرد و محتاجی است . روزنامه ها و رسانه های گروهی باید مرکز نشر افکار و نظرات گوناگون باشند . تا رشد انقلابی ملت متوقف نشود ، مردم در جریان تمام نظرات و افکار قرار بگیرند . رسانه های گروهی و دانشگاهها و حوزه ها نباید تریبون گروه و جناح خاص باشند و دیگران از تمام مزایا محروم گردند .

ما اگر تحمل شنیدن حرف مخالف نظر خود را نداشته باشیم بزودی این حرف مخالف تبدیل به گلوله و به فرمایش حضرت امیر معاویة الی السیف خواهد شد ."

راه مجاهد : قابل توجه است که نظیر چنین نصایحی را امام خمینی در پیام مربوط به قطعنامه خطاب به علماء و روحانیون کردند :

" ... امروزه بسیاری از جوانان - انسان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی احساس میکنند که میتوانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند ، باروری گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را شنوید و اگر بیراهه میروند بایستی آنگه از دو ستی و محبت راه راست اسلامی را نشان دهید و باید به این نکته توجه کنید که نمیشود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته های ایشان زد و ..."

ایجاد محیط سالم و فضای باز و آزاد تنها راه رسیدن به حقیقت زلال اسلام

" ما اگر بخواهیم به حقیقت زلال اسلام و اهداف عالی انقلاب برسیم و جهل و بدعتها در مقابل دستورات خالص الهی از جامعه بیرون بروند ، راهی جز ایجاد محیط سالم و فضای باز و آزاد برای بحثهای علمی و تشکیل

میزگرد های سیاسی ، اجتماعی و دادن فرصت به رشد و شکوفایی استعدادها نداریم

راه مجاهد : در نگاه اولیه بنظر می رسد اختلاف نظرات بیشتر بر سر دیدگاههای اقتصادی و شیوه های رشد و توسعه و ...

است و طبعاً فضای باز آزاد نظرات صحیحتر را آشکار میکند . ولی ریشه نظرات اقتصادی و سیاسی تفکرات و دیدگاههای ایدئولوژیک جریانهاست . امروزه اغلب دیدگاههای اقتصادی و سیاسی پشتوانه فقهی و شرعی دارد و همینش و روش فقهی مدافع آن مربوط می شود . لذا برخورد روی این مسائل بدون پرداختن به ریشه های ایدئولوژیک آن مایه وحدت اصولی نمیرساند .

امید است آیتاله منتظری همچون گذشته خود پیشقدم شده و این طرح میزگرد سیاسی اجتماعی ایدئولوژیک علی را در بین فقها و ایدئولوگ ها و صاحب نظران شروع کند . تا انشاء الله با شمات و آثار مفیدش برای بقیه جامعه نیز الگو شود . در غیر این صورت مسائل از حیثه ایدئولوژی و مکتب خارج شده و مسئله کارشناسی تلقی میشود . طبیعی است در بحثهای فنی نظر کارشناسان و متخصصین با متمدن روشهای غربی حاکم خواهد شد و اختلافات متفکرین اسلامی همچنان باقی خواهند ماند .

زمان تکثیر و برجسب زدن به هر همرمندی حق گذشته است

" زمان تکثیر و تفتیش و برجسب زدن به هر منادی حق گذشته است . چرخ زمان به عقب بر نمیگردد ، انقلاب نیروها را از بند آزاد نمود . ماهنوز در وسط راه میباشیم . باید همگی با وحدت کلمه و صداقت و وفاداری و برهیز از شیوه های فریب و سیاست بازی برای تحقق اهداف اصلی انقلاب تلاش کنیم و از حوسازی نهراسیم و خود نیز تحت تاثیر حوسازیه قرار نگیریم و استقلال فکری خود را حفظ کنیم .

در دوران شعار بد و ن عمل را تمام کنیم . ترتیبی بدهیم تا شعارهای این ده سال را بیاده نمائیم . اگر شعار زیاد باشد و بی عمل و سیاست داخلی و خارجی ما - شعارهایمان وفق ندهد ملت ما همه ما وهم به شعارهایمان بی ایمان و بی تفاوت خواهند شد ."

اگر مسلمانان به شخصیت اسلامی خود بازگردند دیگر کاخها سفید و کرمین نمیتوانند در امور آنان دخالت کنند .

آیتاله منتظری



نگاهی به تحولات فکری سیاسی نهضت الهیات آرا محققان

داشته باشند و توجه به عالم روح و معنی لایساق مسیحیان است و نه آنچه که در دنیا میگذرد. فلسفه تارک دنیا شدن را بیان مسیحی نیز از همین تفکر جدایی ماده روح نشئت میگیرد. همان امر که میدانیم این تبلیغات کلیسای واتیکان برای جدایی دین و سیاست هدفی جز حذف منابع ابرو، رتسا و سرمایه داری جهانی ندارد.

جالب توجه است که یکی از محققین الهیات آزادی خست به مطلب مهمی که هنوز هم یکی از مشکلات جنبتهای مذهبی و از جمله جنبتهای اسلامی است اشاره میکند و این چیزی جز همان اعتقاد به جهان دو و متناهی نیست که از یکطرف مسائل فردی و اخلاقی را به جهان معنی روح و در حوزه دین میدانند و از طرف دیگر مسائل سیاسی - اقتصادی اجتماعی را در حوزه مسائل مادی و علوم بشری. این معضل یکوازی همان مسائل فکری سازمان - محاهدین بود که به نوبت سال ۱۹۰۰ نیز منجر شد. علاوه بر واتیکان این سیاست منحوس در جهان اسلام نیز جریان داشته و بار بار در آن تبلیغات خنجرهای درباری و اسلام امرگانی است برای جدایی دین از سیاست و خلاصه کردن حوزه دین در مسائل فردی و اخلاقی و واگذار کردن مسائل علمی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی به دنیا داران و در نهایت مستکبرین. در حالیکه تحقیق توحید در این است که مابعد تانویز دست پیدا کنیم که جهان را اعم از ماده و معنی تمییز کند و تمام اصول حاکم بر روابط فرد با خدا در ریاضت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و... نیز ظاهر گردد. و دین بعنوان مکتب رفتن اخلاقی و زندگی در کلیه شؤون شناخته شود و نه اینکه مسائل فردی و اخلاقی در حوزه دین باشد و مسائل دیگرمان را بخواییم یا مکتب شرقی و غربی حل نمائیم. در این زمینه تحقیقاتی داریم که در کتاب صبا - وجود و شرح آن آمده است.

پاتریستیا روم و دیدگاه بیشتاپ دو تن از محققین امریکایی که در شهریور ماه سال جاری در کنفرانس تداوز و دفاع شرکت کرده بودند در صاحبهای با الهیات فرمشتی (سال پنجم شهریور ۱۳۶۷) مالمی را پیرامون تحولات فکری و سیاسی جنبشهای مذهبی مسیحی و صلحان بیان کردند که به لحاظ اهمیت مسائل مطرح شده فراهایی چند از این صاحب را می آوریم.

لازم به یاد آوری است که دکتر روم در مینطقهای امریکای لاتین و مذاکره کارائیب در کلیسای متحد مسیح (ع) است و دکتر بیشتاپ نیز مدیریت طرح خاورمیانه ای این سازمان را بر عهده دارد.

این دو محقق در امریکا زندگی میکنند و دارای دکترای علوم اجتماعی میباشند و عضو شورای مرکزی کلیسای نیویورک. هردو چندین سال در امریکای لاتین با نهضت الهیات آزاد بیختر از نزدیک در تماس بوده اند و اکنون در باره نقد دین در انقلاب نیکاراگوا و انقلاب اسلامی کتابی در دست تدوین دارند.

حد اثنی روح و ماده و سله ای برای سرکوب و استعمار

دیل بیشتاپ: من فکر می کنم یکی از فویرترین پایه های مذهب شناختی در جنبش اسلامی - که محدود به ایران هم نیست - تاکید بر مفهوم توحید است. البته ایران تنها کشوری است که یک انقلاب موفق داشته است و من کشور دیگری را در خاورمیانه نمی شناسم که یک انقلاب اسلامی پیروز داشته باشد. اگر چه بعضی از دولتها، خود را دولتهای اسلامی می نامند، اما آنها، انقلابی از نوع انقلاب فرهنگی عمیقی که ایران تجربه کرده است را از سر نگذرانده اند، با این حال یکی از موضوعات اساسی تاکید بر توحید و نفی طاغوت و انواع بت پرستی است. تاکید بر وحدت زندگی، که مذهب را در متن یکپارچه هستی انسان می بیند و جدا کردن حیطه های زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی را سرود می شمارد، یکی از نکاتی است که در مطالعه آثار کسانی از قبیل شریعتی و دیگران، توجه مرا به خود جلب کرد.

توجه به اصل اتحاد نسبی موقت و شروط نیروها در مبارزه

پاتریستیا روم: مسیحیت به علت جدایی تاریخی ماده و معنا (روح) هرگز یک چهار چوب [فکری] مذهب شناختی، اقتصادی و سیاسی ایجاد نکرده است، و مسیحیان تازه شروع کرده اند که به عنوان افراد مسیحی، ایمان خود را در تصمیمات سیاسی و اقتصادی دخالت دهند.

اما یک اقتصاد مسیحی و یا یک و نظام سیاسی مسیحی وجود ندارد. فکر می کنم اگر به نیکاراگوا و به رشد چشمه سادنیست که در آغاز دهه ۱۹۶۰ با به عرصه حیات گذاشت، نگاه کنیم خواهیم دید که با اندکی تأخیر زمانی، انجمن های مسیحی پایه هم در حال رشد و توسعه بودند. در حالی که جامعه مسیحی به دنبال این بود که در برابر برای پایان دادن به سرکوب و اختناق سوموزا چه می تواند بکند، این جامعه یک چهار چوب [فکری] مستقل را تدوین نکرد. تنها یک مجموعه اصول اخلاقی در مسیحیت وجود داشت که بر اساس آن باید در مقابل ظلم، مقاومت کرد و مسیحیان باید در پی سرنگون کردن ظالم باشند. آنها بیشتر به دنبال این بودند که امکان پذیرترین راه سیاسی برای رسیدن به این هدف را پیدا کنند. و این فصل مشترک برخی از جنبش های مسیحی با سادنیستها بود. اگر شما به چشمه سادنیستها بنگرید، مارکسیستها در آن حضور دارند، اما مسیحیان هم هستند. از شمارهای معروف انقلاب نیکاراگوا این است که «بین مسیحیت و انقلاب، تضادی وجود ندارد» دلیل اینکه مسیحیان در نیکاراگوا به اقدام در کنار دولت روی آوردند این است که نوعی دخالت و اشتراک اصول وجود دارد. اینکه دولت نیکاراگوا و سادنیستها می گویند به ظلم پایان دهند و به فقر خدمت کنند، باعث می شود که مسیحیان، به عنوان معتقدان مسیحی، با انقلاب احساس نزدیکی کنند و بنابراین می توانند تصور کنند که آنها با مارکسیستها همکاری می کنند. اما این بدان معنی نیست که آنها خود را لزوماً مارکسیستهای مسیحی می دانند. بلکه آنها مسیحیانی

راه مجاهد

بحثی را که در این قسمت دیل بیشتاپ مطرح میکند مسئله جدا کردن ماده روح از یکدیگر در جنبشهای مذهبی اعم از مسیحی و مسلمان است و به این نکته بسیار ظریف نیز اشاره میکند که این جدا دیدن وسیله ای است برای سرکوب مردم و ظلم و اختناق.

یکی از بارزترین جریان جدا کردن ماده و معنی را باید در پاپ رهبر کاتولیکهای جهان دید که جدایی دین و سیاست را بشدت تبلیغ کرده و معتقد است که مسیحیان نباید کاری به مسائل پست دنیایی

هستند که با حفظ هویت خود، در کنار مارکسیستها که آنها هم هویت ویژه خود را دارند کار می کنند. آنچه می تواند خیلی گیج کننده باشد این است که شما مثلاً می بینید که نومانس بوجه، که یک مارکسیست عسلی است دائم حملات انجیل را نقل می کند، شما می توانید بگویید که این کار، یک کار سیاسی یا شاید هم فریبکارانه است. اما مسئله این است که او مردم کشورش را می شناسد. اگر او از مارکس نقل قول کند، مردم او را می فهمند. اما اگر انجیل نقل قول کند مردم می فهمند.

راه مجاهد

همکاری و اتحاد نیروهای مارز شوروی است که برای اکثر مذهبیهبا و انقلابیون در صحنه عمل آشکار شده است. در ایران انقلابی نیز در دوره قبل از پیروزی همه اقدار و نیروها اسم از مذهبی و طو و غیر مذهبی متحد و یکپارچه علیه نظام ستزاهی قیام کردند. بعد از پیروزی کرجه عدهای شوروی این اتحاد را نفی میکردند و بسا نیروهای داخلی درگیر شدند بخصوص درگیری بین مارکسیستها و مذهبیهبا شدت گرفت. علیرغم اینکه با نیروهای داخلی با شدت برخورد میشد ولی در صحنه سیاست بین الطلی رابطه با شوروی و کشورهای غیر مذهبی بعنوان یک ضرورت پذیرفته شد. اما آنچه مهم است تمییز مکتبی اتحاد نیروها است.

در جنگ نیز اتحاد و همیاری با نیروهای ملی کرد و حبه مین پرستان پذیرفته شد اما تمییز مکتبی شد.

بنظر می آید اکنون که شوروی اتحاد نیروهای مبارز در جنبشهای مذهبی اعم از مسیحی و مسلمان بعنوان یک تجربه عملی پذیرفته شده تمییز مکتبی از آن نیاز انقلاب بوده. و از چپ و راست رفتن در این زمینه جلوگیری میکند.

فقدان مکتب راهنمای عمل عالم گرای

من فکر می کنم گرایش به مارکسیسم و پذیرش آن در امریکای لاتین به این علت است که ایدئولوژی دیگری وجود ندارد به عبارت دیگر مردم در نظامهای سرمایه داری که به وسیله دیکتاتورهای بسیار خشن تحمیل می شود زندگی کرده اند و هر وقت برای این کار گذاشتن دیکتاتورها مبارزه کردند، تلاش شده است که همان نظام دوباره بر آنها تحمیل شود. اکثر مسیحیان و در واقع اکثر نیکاراگویی های که من با آنها صحبت کردم نامی خواهند غرب و سرمایه داری را کنار بگذارند تا به شوروی وابسته شوند. اگر به موقعیت اقتصادی نیکاراگوا بنگرید، خواهید دید که به شوروی وابسته نیست، مجاری که نفوذ شوروی از آن در حال رشد است، ارزش است. به عبارت دیگر اگر یک جنگ هفت ساله وجود نداشت، نیکاراگویی ها این قدر به کمک نظامی شوروی متکی نمی شدند. اما من می گویم که مردم نیکاراگوا خیلی به شوروی عشق نمی ورزند. آنها مشتاق نیستند که نظامی، شیبه نظام شوروی را بپذیرند. آنها مشتاقانه به دنبال آنند که آنچه را که در گذشته داشتند، دیگر نداشته باشند و بسدت در پی یافتن راهی هستند که شما ممکن است آنرا یک راه سوم، نامید و این موردی است که من میل دارم ابراهامی ها و نیکاراگویی ها بیشتر درباره آن با یکدیگر سخن بگویند، زیرا

همکاری و اتحاد نیروهای مبارز ضرورتی است که برای اکثر مذهبیهبا و انقلابیون در صحنه عمل آشکار شده است.

است که در امریکای لاتین مردم علاقه خاصی نسبت به سیستم شوروی ندارند آنچه که آنها را به طرف سوسیالیسم یا مارکسیسم سوق میدهد این است که در مقابل سرمایه داری اصولی ندارند که روشهای سیاسی اجتماعی اقتصادی و... خود را از آن استخراج کنند از این رویه مارکسیستهای آمریکایی ضعیف گریز بودم امریکای لاتین مطرح است در انقلاب ما نیز تا ملا مشهود است. هنوز تعریف مشخصی از اقتصاد اسلامی وجود ندارد عدهای اقتصاد سوسیالیست را بعنوان اقتصاد اسلامی مطرح میکنند و عدهای اقتصاد سرمایه داری را و عدهای نیز مخلوطی از این دو را. جنبشهای اسلامی نیز یک برنامه ریزی منسجم و مدون برای سیاست و اقتصاد اسلامی ندارند که بتوانند راهنمای عمل انقلابیون و مسئولین قرار بگیرد.

عدم وجود دیدگاه های مشخص اقتصادی و سیاسی و اینکه این معضل تا کنون حل نشده از همسازان جدایی روح و ماده نشئت میگیرد. که سالهای سال تبلیغ میشد ولی اکنون نیاز به مکتب راهنمای عمل در تمام حوزه ها و دیدن نقد خدا در اقتصاد و سیاست و اجتماع و لزوم در آوردن برنامه های مدون و منسجم برای زندگی از درون اصول مکتبی و الهی بسیار مشخص گشته است.

باید بین همه مکتب و ایدئولوژیها نوعی گفتگو (دیالوگ) برقرار شود

پاتریستیا روم: بله، من فکر می کنم تاریخ ۲۰ سال گذشته الهیات آزاد بیختر - که به وسیله الهیون نوشته شده است، بلکه تجربه به صحنه آمدن اعتقاد مذهبی مردم، و عمل مسیحیان مستعد در جنبش های مقاومت و انقلابها و تحریک آنان برای دگرگونی اجتماعی، در برابر قاره - تاثیر عظیمی بر مارکسیستها گذاشته است. من فکر می کنم دیالوگ مسیحی - مارکسیستی، چیز بسیار مثبتی است. من ۴ بار به کوبا سفر کرده ام، که آخرین بار آن در سال ۱۹۸۶ بود. یکی از عجیبترین تجربیاتم این بود که شاهد جلسهای بودم که در آن رؤسای حزب کمونیست در یکی از ایالات به بحث درباره مذهب نشسته بودند. آنها همه کتاب کاسترو و مذهب را خوانده بودند. آنها از کشیش ها و خطای مذهبی خواسته بودند که درباره اینکه «مسیحیت چیست» برایشان سخنرانی کند. چه کسی فکر می کرد که روزی چنین چیزی اتفاق بیفتد؟ شاید ما بگوییم که خدا این کار را به شکل معجزه آسایی ممکن کرده است، اما به هر حال مسیحیت انقلابی تاثیر عظیمی بر جنبش های مارکسیستی یا جنبش های مورد حمایت مارکسیستها در برابر امریکای لاتین داشته است. و احترام مارکسیستها نسبت به حضور مسیحیت در جنبش ها رو به افزایش است. نقل قول مهمی از چه گوارا وجود دارد که می گوید: آن روزی که مسیحیان در امریکای لاتین در فرآیند انقلابی درگیر شوند، در برابر قاره انقلاب خواهد شد. البته ما می دانیم که چنین اتفاقی رخ نداده است، اما من نمی توانم فکر کنم که هیچ جنبشی بتواند بدون مشارکت گسترده مسیحیان در امریکای لاتین، پایگیرد. از آنجا که این جنبش نسبتاً جوان است، توصیف دقیق آن

مشکل است. مثلاً در السالوادور که چشمه آزاد بیختر فارابوندمارتی مشغول جنگ با دولت است، دو کشیش در مناطق تحت کنترل چریکها کار می کنند. آنها مراسم عشاء ربانی را به جا می آورند، جلسات تفسیر کتاب مقدس دارند، کلیساهایی را که در جنگ ویران شده است، تعمیر می کنند. مراسم ازدواج و دفن را انجام می دهند و... آنجا در جنبش مقاومت، مسیحیت حضور دارد. ما می دانیم که بخش بزرگی از رهبری چشمه فارابوندمارتی مارکسیست است، اما مشوال این است که این حضور مسیحیت چه معنایی برای آینده آن جنبش دارد. من جواب را نمی دانم، اما می دانم که آن کشیش ها آنجا هستند و سعی می کنند که همچنان مؤمن بمانند. چون تصور از عدالت اجتماعی دارند. به نظر من می رسد که این مسئله تاثیر خود را خواهد داشت و ما مارکسیسم از نوع مارکسیسم شوروی یا اروپای شرقی در امریکای لاتین نخواهیم داشت.

واقع مارکسیستها خیلی بیشتر از کاتولیکها - خصوصاً در کاتولیکها در ایالات متحد پذیرای این دیالوگ هستند. وقتی که من برای اولین بار به کوبا رفتم، در بازگشت در کلیسای حوادم در امریکای سخنرانی کردم و گفتم که یکی از بزرگترین تجارب من در کوبا این بود که به یک کلیسای دانشجویان دانشگاه در بحث شرکت کردم که انجیل را می خواندند و مسؤالی که در جلسه مطرح شده بود، این بود که معنی مسیحی بودن در جامعه سوسیالیستی چیست؟

سعی من در کلیسای حوادم این بوده است که همراه با خواندن انجیل این سؤال را مطرح کنم که معنی مسیحی بودن در یک جامعه سرمایه داری چیست. من فکر می کنم، ما این کار را در ایالات متحده جدی نگرانیم.

پاتریستیا روم: آنچه من توصیه می کنم نوعی گفتگو شود - جنوب است که مستقیماً بین مسلمانان خاورمیانه و مسیحیان در امریکای لاتین یا در آفریقا برقرار شود. در چنین گفت و شنودی، بخشی از بحث می تواند در باره این سؤال باشد که در برقراری دیالوگ با ایدئولوژی های دیگر، نقش ایمان فرد چیست. جنبشهای مسیحی در امریکای لاتین، با مارکسیسم به نوعی گفت و شنود بسیار همکاری رسیده اند. اما من می دانم که عوامل سیاسی و تاریخی، در این منطقه با عوامل مشابه در امریکای لاتین متفاوت است. به علاوه، امریکای لاتین از شوروی هم بسیار دورتر است. البته عوامل دیگری هم وجود دارد.



اخبار محافل

هماوایی گروههای چپ جهت براندازی راهی است به سوی غرب

نشریه خارج کشور "راه ارانی" (ارگان حزب دمکراتیک مردم ایران) طی مقاله ای تحت عنوان "هماوایی چپ" مطالبی نوشته که تفصیل آن در کیهان هوایی شماره ۸۰۰، ۸/۱/۶۷ چاپ گردیده است. دویارگراف آنرا که جنبه استراتژیک دارد میآوریم:

"باید با شهادت (شهادت) کمونیستی، به ناتوانی و انزوی جنبشی چپ ایران و تفرقه و چند پارگی آن اعتراف کرد، و آنگاه، با به چنین انزوائی تسلیم شد (البته آنرا تئوریزه کرد) و با به هر قیمتی هست باید بر آن فائق آمد."

راه مجاهد: راهی که برای خروج از این انزوا ارائه میدهد بنظر میرسد در قسمت دیگر مقاله به شرح زیر باشد:

"... ما اعتقاد داریم که تجمع نیروهای چپ، در یک شورای هماهنگی - هرکسی با حفظ اعتقادات و حتی "انحرافات" - و کوشش برای یافتن زبان مشترکی که به نیازهای فوری جنبش پاسخ گوید، راهی است که نه فقط اولین در سببهای تحمیل دیگران را به همه ما خواهد آموخت، بلکه در عین حال، از طریق تأمین هماوایی چپ در قبال چند مسئله مشخص و در دستور روز مبارزه، روزهای به مراتب سنگینتر از شرایط فعلی برای جنبش چپ در کنار دیگر نیروهای جنبش خلق فراهم میسازد."

راه مجاهد: بنظر میرسد انزوی چپ در ایران بدین دلیل است که قادر نیستند اتحادی در حول محور عمل صالح و با خط مشی عینی مشخص داشته باشند. لذا به همین ورشکستگی به دنبال یک اتحاد فلسفی از همه گرایشها و حتی خط مشی های انحرافی رفته اند.

از یک طرف چپ در ایران برای هر پیروزی یا شکست دیگران ریشه یابی ایدئولوژیک میکند، ولی برای ضربات و انزوی خود هیچگاه ریشه یابی ننموده است، و دنبال اتحادهای مطلقه ای و آبکی میروند. که قبل از بوجود آمدن در چارانشعاب میشوند کلاهرگونه اتحاد در جهت براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی راهی است در خدمت آمریکا جهانخوار. دیده ایم که تشکیلات رجوی که سازمان یافته ترین تشکیلات خارج از کشور است با همین خط مشی براندازی با سقوطی قائم به دامن آمریکا و آل سعود و حزب بعث عراق افتاد.

گفتگویی بازاری مخالف دولت

میرسید: این اختلاف نظرهایی که در مسئله بازسازی پیراژنک وجود دارد علت چیست و چه موسوی چه میگوید؟
گفتم: و نه رعبه در میان سیاستمداران نظام دیده میشود. یکده میزند مردم پس از ۸ سال، جنگ و تحمل مشکلات و کمبودها، اقتصادی دیگر خسته شده اند و حالا که آنرا برقرار شده و جنگ

درباره علمی زرخش

خطراتی از

زندان آریامهروانقلاب

اخیراً اخباری دال بر کشته شدن علمی زرخش و انتقادات وی به مسعود رجوی منتشر شد. در ذیل گوشه ای از خطرات خود را در این رابطه ذکر می کنیم که برای حق حویان قابل تامل بوده و می تواند موجب عبوسیت و هوشیاری مان گردد.

علمی زرخش دانشجوی سال آخر دانشکده فنی تهران بود که برای تاسیس سازمان مجاهدین در سالهای اخلاق به زندان افتاد. در زندان قصر در جریان ضربه ۵۴ سازمان با وی برخورد داشتیم. وی که مسئولیت بالای در تشکیلات زندان داشت، برخوردش محذوب رفتار و کردار شهید کاظم زوالا نوار بود و شیوه های او را سعی میکرد الگو کند.

در همین رابطه می گفت:

"وقتی کاظم به زندان آمد بچه ها سر و سامانی نداشتند. او به مسائل به ها رسیدگی کرد. خیلی صبر و حوصله خرج میداد قرآن خواندن را عمومی کرد و بصورت برنامه روزمره بچه ها در آورد. او علاوه بر این داخل زندان شناسایی سرهنگ زمانی را تهیه کرد و برای عملیات به بچه های بیرون رساند ولی مسعود تعارض میکرد و فلسفه هگل میخواند. روشن فکر بود و حوصله و دلسوزی

اینکه به مسائل بچه ها رسیدگی کند نداشت علمی میگفت: بعد از ترور زندی پور که بچه ها راه کمیته مشترک بردند. مسعود را اعدام نکردند و زوالا نوار و خوشدل را اعدام کردند. باز حوهایقین کردند مسعود اهل شناسایی و پیوند با جنبش مسلحانه بیرون نموده و در عملیات بیرون دست نداشته است و اعتراف هم رویش نبود."

علمی همیشه از شیوه های زوالا نوار در برخورد با مسائل تعریف میکرد.

در ابتدا ای که با من برخورد داشت یک دیدار چهار ساعته داشتیم که دستاوردها بهم منتقل شد. دستاورد های ایدئولوژیک ما را شنید. تأکید میکرد که ویژگی اصلی انسان خدا جویی است. و روی ادامه کار ایدئولوژیک تأکید داشت. ضمن حفظ سازمان اصلی ترین کار را ریشه یابی ایدئولوژیک ضربه ۵۴ میدانست.

قبل از آن نیز در ادامه خط شهید زوالا نوار روی کار ایدئولوژیک اصرار می ورزید. مثلاً در مورد شیطان و آدم و ویژگیهای انسان تفسیر سوره حمد و... یک تحقیقات قرآنی انجام شده بود که بصورت آموزش در آورد.

یک ویژگی که علمی داشت و با خط مسعود نمیخواند این بود که از نیروی اسلامی زندان استفاده میکرد. خطا و خطا کشی نمیکرد و سعی داشت داخل مسائل فکری هم را با خط اسلامی سازمان هماهنگ کند.

وقتی به اوین منتقل شد، رجوی او را با خط نظرش در قریباً قرار داد. مسعود با آنک و بر حسب های مختلف خود کم بینش کرده بودند تا پس از مدتی از خودش انتقاد کرد و وارد جمع مسعود شد.

جمع بندی اوین از ضربه ۵۴ این بود که سازمان مرکزیت قوی نداشته و مرکزیت زندان

هم به بیرون اعمال نشده و در نتیجه فرو ریختن حصارهای تشکیلاتی جریانست مارکسیستی در سازمان رسوخ کرده است. می گفتند زندانیانی که با مرکزیت اوین ارتباط قوی داشتند مارکسیست نشدند. این تحلیل که حصارهای تشکیلاتی را محکم کنیم و مرکزیت قوی بوجود آوریم، وسیله ای برای سرکوب شد. بلاهایی که بر سر ما آوردند همانند برای فرصتی دیگر.

علمی هم با انگیزه حفظ سازمان حزب رجوی شده بود و دستاورد های ایدئولوژیک ما را هم بغراموشی سپرد و کنار گذاشت. پیراز آزادی از زندان هم تلاشش این شد که اشعاب و اختلاف از بین برود. بیشتر تحت تأثیر مسعود بود و میخواست که رهبری واحد و متمرکز باشد.

علمی میگفت: مسئله وحدت مجاهدین - مسئله کلیت اسلام است. ما می گفتیم: هویت اسلام وابسته به مجاهدین نیست مستقل است. روی همین جهت که تنها الگوی اسلام را مجاهدین میدانست، حفظ سازمان برای اشعاب اصالت یافته و محور همه کارها شد.

در جهت حفظ و تقویت سازمان بعد از آزادی از زندان در دوره بختیار میگفت: باید به طریقی به امام رساند که به حرکت انقلاب ترمزی بزند و مردم شعارهای تند ندهند تا بختیار زندانیان را آزاد کند و مجاهدین هم آزاد شوند. انقلاب کار در

علمی با انگیزه حفظ سازمان حزب رجوی شد و دستاورد های ایدئولوژیک ما را بغراموشی سپرد

ندارد و حرکت مردم شدت زیاد دارد. باید انقلاب با سازمان هماهنگ حرکت کند. ما می گفتیم اگر این قضیه ۵۴ رها شود و ریشه یابی ایدئولوژیک و پاکسازی نشود ضربه های هولناکتری خواهیم خورد. تاریخ هم نشان داد که اینطور است.

حالا آن قضیه در سطح گسترده تری در نظام فعلی تکرار شده و ضربه ای خورده ایم. برخی با انگیزه حفظ نظام فکر می کنند با شیوه های تشکیلاتی می شود کار را به پیش برد.

اکنون نیز برخی مسئولین در جهت حفظ نظام معتقدند، باید نهضت های آزاد بیخش حرکت های مسلحانه و عملیات خود را تخفیف داده و با نظام هماهنگ کنند. رزمندگان شعارهای تند ندهند و از نظام پیشی نگیرند.

ولی حقیقت این است که اگر این خننگ و قطع نامه، جمع بندی و ریشه یابی نشود، اینکه از شرایط حسینی صلح. حسنی در می آید، ریشه یابی نشود، ضربه های هولناکتری خواهیم خورد.

منظور این نیست که مسائل درونی را آشکارا بگوئیم که شیطان سو استفاده کند. ولی بنظر من آید در درون نظام هم کار ریشه یابی و برخورد بنیادی انجام نمی شود.

مطلب دیگر که باید توجه داشت اینکه در حالیکه تعمیق در درون جریان رجوی بوجود آمده و باقر زاده ها و وزرگش ها تا حدی بخود آمده و انتقاد نشان را می گویند کارهایی مثل اعدام و خشونت و بگرو بینند نه تنها مسئله ای را حل نمیکند بلکه کاملاً



اخبار جنگ اسلام



از جنگ تا صلح

جنگ، صلح و روند آن

کسب شیوه از صلح امام حسن (ع)

در محفل دفاع از پذیرش قطعنامه گفته شده بود امام حسن (ع) هم صلح کرد و کارما هم اشکالی ندارد سپس در آنجا بحثی تحت عنوان ضوابط و زمان بندی صلح و جنگ مطرح شده بود.

راه مجاهد: باید توجه داشت امام حسن (ع) در صلح ها مات پاران انقلابی و دلسوزی چون امام حسین (ع) و حجر بن عدی و... را قانع نمود و پذیرش صلح نه تنها به حذف آنان نیانجامید بلکه زمینه رشد و گسترش نهضت اسلامی را فراهم آورد تا جائیکه امام حسن (ع) در رقبا مگر بلا به این صلحنامه استناد مینمودند. صلح امام حسن (ع) ملاک خوبی بدست ما میدهند که میتوان راهتها عمل قرار گیرد. بدین صورت که اگر که ملاحظه نمودیم پذیرش قطعنامه حذف جانبازان و رزمندگان و شهداهای انقلابی را در بر داشته باشد، صلحی است کاذب و سازشی است آشکار که به سرکوب هم میانجامد. اما اگر شد و پرورش نیروهای انقلابی را در بر داشته باشد میتوان به روند صلح اعتماد کرد.

جنگ، صلح و نامحرم دوستان

جندی قبل در روزنامه اطلاعات "گل آقا" طنزی به مضمون زیرنوشته بود: "ما جنگ داده داشت خبرها را نمیگفتند چرا که دشمن میفهمید. حالا که مذاکره شروع شده است باز هم خبرها را نمیگویند شاید اینبار دوستان میفهمند!"

راه مجاهد:

از این مطلب بسیار عمیق نبایستی بسادگی گذشت. در این هشت ساله مقام و مقادیر مقدس چشم همه دنیا به جبهه های جنگ و رزمندگان مادی و خسته شده بود. همه میخواهند محل و زمان عملیات ایران را بدانند گاهی صدایمان رزمندگان ما را دستگیر و به شد بدترین وجهی شکجه مینمودند تا شاید اطلاعاتی کسب کرده و محل یا زمان عملیات را بفهمند. جهان غرب و شرق هم منتظر نتیجه این شکجه ها بود.

ماشین دفاعی نظام جمهوری اسلامی از یک طرف جنگ را یک تکلیف و وظیفه دانسته و از طرف دیگر تمیزی برای راه جنگ در خاک عراق نداشت.

تضاد بین "تحلیل" و "تکلیف" یا "تعقل" و "تقلید" در مقاطع مختلف جنگ برای خلیفه بر روی نداشت و آشکار نبود ولی در یک سیر چند ساله آشکار شد و نقیض تعیین کننده پیدا نمود. و وجهی از پذیرش قطعنامه شد به همین دلیل بسیاری که متوجه این تضاد نبودند بعد از پذیرش زهرنا بهت زده شدند.

در جمع بندی و پندگیری بایستی توجه داشت در واقعیت امر بین شیعه بودن یا پیروی کردن و تعقل تضادی وجود ندارد یا عبارتی دیگر بین تحلیل داشتن و تکلیف عمل کردن اختلافی نیست. اساس مکتب تحقق امر خدا بدست ماست. لذا تحقق و اجرا بدون تعقل ممکن نیست. شاید علت اینکه آیت... منتظری در پیام خود برای

قلب رزمندگان مخزن اسرار و گنجینه اطلاعات و عملیات بود که دشمن از آن خبری نداشت. ولی حالا نقطه عطفی بوجود آمده است و همان رزمندگان برای آنکه بدانند چه خبر است، ناچارند راه یوهای خارجی گوی بد دهند دشمنان ما که میدانند در ژنو و نیویورک چه میگردد، ولی دوستان نمیدانند و رسانه های گروهی هم چیزی نمیبویستند. ما یقین داریم چنین معادله ای موجب بی اعتمادی عناصر رزمند به مسئولین میگردد بد نیست به نصیحت دکتر مصدق توجه کنیم که در باب اقتصاد گفت: "اگر میلیاردها کسک خارجی بلاعوض یا باعوض بدولتی بشود ولی مردم به دولت اعتماد نداشته باشند هیچگونه پیشرفت اقتصادی انجام نخواهد شد." روش دکتر مصدق در مذاکرات نفت طوری بود که هیچ چیز از مردم پنهان نمیمانند اما به مردم و نمایندگان مردم گزارش میداد. به طوری که اگر محقق بخواهد تحقیقاتی از آن زمان بنماید، بهترین منبع تحقیق، نطقهای مصدق و مطبوعات آن زمان است و پرونده های محرمانه چیز جدیدی ندارد. امید داریم این معادله راه پیدا نکند.

جنگ، صلح

و تعقل، تقلید و تعقل

پس از سقوط فاو و شلمچه و قبل از پذیرش قطعنامه از یک رزمنده تمام وقت و حرفه ای که سالها را در عملیات شرکت داشته نقل شده است که آرزو میکردم جنگ تمام شود. وی بلحاظ قانونی و تکلیفی، تقلیدی و شرعی جنگ را قبول داشته و بدین جهت در عملیات فعالانه شرکت مینمود. ولی بلحاظ تحلیل از اداه جنگ تبیین درست و حسابی نداشته است. وی اظهار کرده بود عقب نشینی از حلبچه کار نظامی درستی بود چرا که در آن شرایط بایستی بهترین نیروها را در اطراف آبادان و شلمچه و کلا محورها جنوب مستقر میکردیم. وی جنگ را بلحاظ تسلیحاتی یک نامعادله دانسته و معتقد بوده که "سلاح زمان" نقیض تعیین کننده دارد. منظور وی از سلاح زمان آری بی جی و موشک تاو توپ ضد هوایی و هواپیما بوده است.

راه مجاهد:

در ریشه های پذیرش قطعنامه که امام آنرا به نوشتن زهر تعبیر کردند با توجه به موارد دیگر بایستی به این امر توجه کرد که مدتی بود

مسئله عمده این بود که تا خواهان تحول مردم ایران به چیزی بود که آنها نبودند. "تمدن بزرگ" شاه محدود به کارخانه های بزرگ، ایجا در برنای مدرن اجتماعی، اقتصاد و ارتش قوی نمیشد، بلکه شاه رویای آزاد نمودن ایران را از پوشش عققان آوریک عقیده خارجی عربی یعنی اسلام و بازگشت به هویت آریایی مانند اروپا شان و آمریکا شان درس داشته. در آینده ایران چه روندی خواهد داشت؟

"... پس از جنگ امکان جنگ داخلی یا کودتای نظامی توسط مقامات کشوری و لشکری (سپاه) بسیار جایز است. خستگی و نیازز تدبیر با سازی اقتصادی یا دزهرهایی قوی علیه انقلابگری تدبیر هستند. اینها من نمیگویم که چه اسلامی را انقلاب، بیرون خواهد رفت فقط اینکه نوعی تعادل میان مذهب و غیر مذهب ایجاد خواهد شد.

اگر این گونه رخ دهد، ایران به حاکمیه سن المللی ملحق خواهد شد، در حالیکه همه مفسد، مفتخر، قوی و قاطع در برابر دشمنان خواهد بود که منابع نفتی و موقعیت جغرافیایی آن، غرب و شرق و نهضت عدم تعهد را مجبور به توافق با ایران خواهد نمود. هرگونه کوتاهی در جهت خاکمیت ایران باعث ایجاد دوباره خشونت و خصومت ایران با جهان خواهد شد.

بالاخره، باید تا کید کنیم همه این حدیسات و نظرات بر پایه عدم پیروزی مستقیم ایران در جنگ است. اگر ایران در جنگ پیروز شود، نقشه ها و رمبانه احتمالا به اندازه ای تغییر داده می شود که از زمان سقوط امیرا طوری عثمانی تا کنون بی سابقه بوده است. عدم ورود بر قدرتها در این صورت به جنگ بسیار رسبیا رغیر محتمل است" راه مجاهد:

در این تحلیل عامل انقلاب را در سیاست غلط شاه و رنگ مذهبی نداشتن آن می بیند. از این جمع بندی این درمی آید که برای استثما رنوده ها و به سکون کشاندنشان می - با بست هم رنگ آنها شد و علاوه بر شعرا رهبران رفاهی فرهنگ اسلامی و ملی آنها را در نظر داشت و تحت این پوشش اهداف فارتگرانه خود را به ثمر رساند.

با توجه به جمع بندی که امیرا لیم پیدا کرده و با شکل جدید مذهبی یای به میدان خواهد گذاشت ضرورت مبارزه با اسلام آمریکا بی بیش از پیش آشکار می گردد.

خریبه زور تهران را به زانو در نخواهد آورد!!

پارسونز در مقاله جنگ خلیج: "یک فرمول حافظ آسرویی ما زمان ملل برای متقا عدم نمودن ایران" چنین می گوید: "... اما زور تهران را به زانو در نخواهد آورد. اگر شورای امنیت علیه غم اینکه اعضای آن چه تفکری نسبت به رفتار سخت رژیم (امام) خمینی در صحنه بین المللی دارند، حاضر به قبول این نکته نباشد که ایران به چیزی بیشتر از آنها محتات در قطعنامه ۵۹۸ نیاز دارد که نشان دهنده تلفات عظیم بیرونی انسانی باشد، احتمالا جنگ ادامه خواهد داشت، تهدیدیک سرد عمیق بین تمدنها تشدید خواهد شد و خطر کشاندن هر چه بیشتر قدرتهای سررگ در جنگ افزایش خواهد یافت"

اگر پذیرش قطعنامه حذف جانبازان رزمندگان و نهاد های انقلابی را در بر داشته باشد صلحی است کاذب و سازشی است آشکار، اما اگر شد و پرورش نیروهای انقلابی را در بر داشته باشد می توان به روند صلح اعتماد کرد.

راه پیمایی بیعت با امام به لزوم هسته های "تفکر و تعقل و اندیشه" اشاره کردند توجه به این تضاد بوده باشد.

نظرات سفیر سابق انگلیس،

برامون انقلاب و جنگ

آنتونی پارسونز سفیر سابق انگلستان در ایران (۹-۱۹۷۴) مقاله ای تحت عنوان "انقلاب ایران" در نشریه میدل ایست ریویو مورخ سپتامبر ۱۹۸۸ نوشته است که به ذکر قسمتهایی از آن می پردازیم:

علت انقلاب ایران چه بود؟

"... علت عمده انقلاب ایران این نبود که توده مردم مسلمان ایران از فساد و ظلم شاه به تنگ آمده بودند. این امر، مغفل دانشجویان و روشنفکران و ساستمداران تندرو نبود. توده ها عادت به بی قانونی و خشونت دولت نموده بودند. همچنین اینطور نبود که آنها از شکست شاه در توسعه مملکت با استفاده از ثروت بی حساب نفت و رسیدن به وعده های خود شاه طاعتی شده باشند، حتی ز خود بیگانه مردم نسبت به رژیم هم عامل عمده نبود.

یک مبارزه تمام عیار با آمریکا، با شعار فقط و انجام مراسم تبلیغاتی کافی نخواهد بود

آیه الله شریانی

مطبوعات آمریکا

ریشه‌ی انقلاب اسلامی

صدای آمریکا ۱۳۶۷/۵/۴

روزنامه کریشن ساینز مانتور : ریشه‌های انقلاب اسلامی و صدور انقلاب را بررسی کرده مینویسد : ریشه‌های انقلاب اسلامی یک قرن پیش شکل گرفته است . انقلاب ایران یک تحول منحصر بفرد نبوده است ، البته یک تحول چشمگیر دردهه اخیر بوده است .

جناح‌های درونی انقلاب اسلامی

انقلاب همانند نهضت اسلام دارای سه حالت است :
۱- یادرجار جوت اصلاحات فردی در پیروی از احکام مذهبی خواهد ماند .
۲- یا اصلاحات قانونی و پارلمانی می‌کند .
۳- یا مبارز و فعال سیاسی خواهد بود .

تأثیر انقلاب اسلامی در منطقه

تأثیر انقلاب در منطقه محسوس است زیرا یک دولت طرفدار غرب را سرنگون کرده و آیتا ... خمینی بر فساد و استعمار قدرتهای غربی تکیه کرد و شاه را عامل فساد معرفی کرد و حمایت عمومی را جلب کرد . انقلابیون دیگر کشورهای اسلامی نیز در آستانه انقلاب ایران دولت‌های حاکم در منطقه را بعنوان بازمانده‌های حکومت‌های استعمارگر معرفی کرده و آنها را پادشاه مقابله میکنند و همین صدور انقلاب ایران است . در لبنان نیز به پیام انقلاب ایران پاسخ داده اند .

ریشه‌یابی تاریخی از نهضت اسلام

فلسفه انقلاب اسلامی به یکی از جبهه‌های با نفوذ تاریخ اسلام یعنی سید جمال الدین اسدآبادی بر میگردد ، وی فلسفه انقلاب اصلاحی را ارائه داد و خواهان اتحاد اسلامی برای مقابله با قدرتهای استعمارگر بوده و خواهان تصفیه اعتقادات مذهبی گردید .

حسن‌المناء ، بنیان‌گذار اخوان المسلمین نیز معتقد بود که اسلام باید از نظر نظامی نیرومند باشد و از فکر جهاد توسط ارتش‌های اسلامی حمایت میکرد .

انقلاب ایران پیامی راه مردم رساند که برای مردم خاورمیانه آشنا بود .

عمیق‌وشیات انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با تمام مشکلات اقتصادی و سیاسی تثبیت شده است . طیوغم مسائل جنگ و انزوای سیاسی و وخامت مالی و توافق شرق و غرب برای سرنگونی انقلاب دوام آورده و بانوطه‌های شرق و غرب

مبارزه کرده است و حتی اگر جنگ با آن پذیرد یا صلح شود ، ... انقلاب اسلامی پایانی ندارد .

راه مجاهد : این تحلیل جناحی از غرب است که انقلاب را بعنوان یک واقعیت پذیرفته و نشات ایران را مطرح میکند و خواهان رسمیت شناختن انقلاب مسامتد .

در این تحلیل انقلاب نه تنها بعنوان یک عنصر سیاسی بلکه بشکل یک عنصر فکری و تاریخی مطرح شده ، این جناح معتقدند که انقلاب بعقلیت داشتن ریشه‌های فکری و تاریخی با مبارزه نظامی قابل شکست و اضمحلال نیست بلکه باید با آن به مبارزه فکری پرداخت و جناح‌های آن را که با غرب سخیت فکری بیشتری دارند تقویت و تائید کرد .

جندی قبل نیز سید حسین نصر در تحلیلی از انقلاب اسلامی گفته بود : در انقلاب اسلامی با سه جناح روبرو هستیم : اول اسلام مکمل غرب که نماینده آن مرحوم غلام طباطبائی است ، ۲- اسلام مدرنیسم یا تفکراتی که دکتر شریعتی مطرح کرده بود ، ۳- اسلام رومیاری غرب که نماینده آن مرحوم آیت ... طالقانی و آیتا ... خمینی هستند .

بنظر میرسد که جناحی در انقلاب اسلامی معتقد است که غرب مجموعه کاملی است فقط " معنویات " کم دارد که برای حیران آن باید با اضافه نمودن احکام فردی و فرعی آن را تکمیل نمود و این همان جناحی است که سید حسین نصر از آن بعنوان " اسلام مکمل غرب " نام برده و در این تحلیل در محور اول آن نام برده شد .

این تحلیل‌گر در ریشه‌یابی تاریخی از نهضت اسلامی خط مشی سید جمال الدین را اتحاد اسلامی برای مقابله با استعمار دانسته و خط مشی حسن‌المناء را تشکیلات ارتش اسلامی مطرح نموده است .

هم اکنون شا هدیم که امام خمینی با طرح شعار وحدت اسلامی و تشکیلات ارتش بیست میلیونی (ارتش آزادبخش) و همچنین با مرزبندی‌های فقهی که در یک سال اخیر شاهد اوج گیری آن بودیم (مانند نا محرمان نجس امریکائی - امریکا در راه ملحدین و مشرکین - جهاد در راه احکام و تشکیل حکومت اسلامی حکم اولیه است و ...) و همچنین با طرح موضوع اسلام امریکائی مجموعه ای بسیار تکامل یافته است .

علل پذیرش قطعنامه

صدای آمریکا ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷

پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران با چند نفر از سیاستمداران خارج از کشور مصاحبه کرده که برخی از محورهای آن نقل میشود : این خبرها صرفاً " به منظور شناخت جناح‌های غرب و هوشیاری در برابر نوطه‌های سربالاسم آورده میشود .

منصور فرهنگ سفیر سابق ایران در بریتسول در زمان ملل که اکنون استاد کالج بریتسول در نیویورک می‌باشد گفت :

ایران بدنیال بدست آوردن پیروزی نظامی بود ولی از آغاز جنگ ما حنطران امور بین‌المللی گفتند که بد لائل ریاست امنیتی ، اقتصادی ، منطقه‌ای و جهانی است . جنگ هرگز نمیتوانست با پیروزی نظامی یکی از طرفین پایان پذیرد .

عواملی که بر اثر آن جمهوری اسلامی قطعنامه را پذیرفت :

۱- ایران از نظر نظامی و اقتصادی در وضعیت بحرانی قرار دارد .

۲- ضعف وی اعتبار ارتش در تبلیغات ایدئولوژیکی ، که در واقع جمهوری اسلامی برای بقای خودش ، باین نتیجه رسیده که قطعنامه را بپذیرد و به جوجه مسئله واقعیت پذیرش اصل مسالمت‌تست .

۳- شکست‌های پی در پی اخیر ، بنظر وی این تصمیم توسط شخص آیتا ... خمینی گرفته شده و تحلیل او از شخصیت امام ندینگونه است که امام بک نعد مصلحت‌جویی و انعطاف‌پذیری هم دارند ولی نعد دیگر امام این است که در زمینه ایدئولوژیکی انقلاب انعطاف نپذیر هستند .

تحلیل گازی سگ مشا ورامنیت

ملی کارتر : قبول قطعنامه دادن امتیاز بزرگ سیاسی از طرف ایران است . قیلا " مقامات ایرانی میگفتند که شورای امنیت با آنها منصفانه رفتار نمیکند ولی پس از سرنگون شدن - هواپیمای مسافربری تصمیم گرفتند به شورای امنیت روکنند .

دلایلی که ایران قطعنامه را پذیرفت : - شکست‌های یکساله اخیر و عدم بدست آوردن پیروزی در جنگ .

- وضع بد اقتصادی ، - تگرانی از بیماری آیتا ... خمینی ، - تگرانی از مسئله حاشنی آیتا ... خمینی .

ایران باین نتیجه رسیده که انقلاب خود بخاطر افتاده و انقلاب بر سیاست جنگی اولویت دارد . باین دلایل ایران در صدد است که به جنگ خاتمه دهد تا با توجه جدی به مسائل داخلی بپردازد .

تحلیل رایسین رایس :

شکست‌های اخیر ایران و وضعیت بد اقتصادی دو عامل عمده بود که رهبران ایران را به این نتیجه رسانده که نمیتوان به راه حل نظامی در جنگ امید بست و تنها راه برای ایران یافتن راه حل ، سیاسی میباشد .

تحلیل شیرین هانتز :

ایران با قبول قطعنامه به هیچ وجه آبروی خود را از دست نداده است زیرا در قطعنامه تصریح شده که یک هیات بیطرف به دلایل آغاز جنگ رسیدگی کرده و آغازگر جنگ را تعیین کند . چنانچه این هیات عادلانه عمل کند قاعدتا " باید عراق بعنوان آغازگر جنگ معرفی شود . اگر آتش بس با قرارداد بدنیروهای امریکایی با رهم در منطقه حاضر خواهد بود اما در ابعادی کوچکتر .

راه مجاهد : رایسین رایس و شیرین هانتز

دو تحلیل گری هستند که خط شان بر رسمیت شناختن انقلاب ایران و تقویت میان‌روها در نظام جمهوری اسلامی است تا زمینه‌های روابط با ایران بوجود آید .

صدای آمریکا ۱۳۶۷/۵/۲

تحلیل گرسدای آمریکا در مورد پذیرش قطعنامه از سوی ایران اظهار داشت : روحانیون محافظه‌کار در ایران تنها راه ادامه جنگ را امتیاز دادن به مستحقین می دانستند .

- میان‌روهای ایران که در طی افتای جریان مک فارلین موقعیتشان در خطر قرار گرفته بود فکریا باین جنگ افتادند .

- میان‌روها آیتا ... خمینی را متقاعد ساختند که قطعنامه را بپذیرد ، ولی این به آن معنا نیست که میان‌روهای کسه توجه مک فارلین و پیوندگستر را جلب کردند آدم‌های خوبی باشند یا مخالف آیتا ... خمینی باشند اما در مقابل نیاید گریا بی که در ایران حکومت میکنند این عده را میتوان میان‌رو توصیف کرد .

راه مجاهد : این تحلیل ویژگی بارز ایران را نیاید گریا می‌دانند و سایر جریاها را در مقایسه با این جریا می‌سند ، بطور مثال اگر اریا بانه روی نامی به میان می‌آید منظور جریا معتدلی در برابر نیاید گریاهاست و نه بآن مفهوم میان‌رو که در غرب وجود دارد .

ثانیا " : حمایت‌هایی که از مستضعفین در ایران شد خاطر شعار حمایت از مستضعفین بود که از جانب امام خمینی مطرح شد و محور قرار گرفت تا آن حد که سر نوشت مجلس سوم را همین شعار مشخص کرد و در سر آن به مرزبندی اسلام محمدی ، اسلام امریکائی منحصر گردید ثالثا " : میان‌روهای مذکور از قبل از افشای جریا ب مک فارلین فکریا باین جنگ از طریق تکیه به یک جناح غرب افتاده بودند رابعا " : امام خمینی هرگز متقاعد به پذیرفتن قطعنامه نشدند بلکه پذیرش قطعنامه به ایشان تحمیل شد و خود امام نیز گفتند حام زهر آلود قطعنامه را نوشیدم اما م قیلا " نیز گفته بودند که صلح را بامام حسن (ع) تحمیل نمودند .

دلایل پذیرش قطعنامه از نظر سگانگان

صدای آمریکا ۱۳۶۷/۵/۱۱

آنتونی کوردز من طی مقاله ای شرایط پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را از طرف ایران بررسی نموده و همچنین شرایط بعد از جنگ را برای هر دو کشور پیش بینی کرده است . محورهای مقاله شرح زیر است :

- ایران نخت قشار و با زور اسلحه قطعنامه را پذیرفته است به دلایل زیر :
۱- درگیریهای درونی نظام .
۲- خط مشی نظامی بیرحمانه عراق .
۳- سیاست قاطع امریکا .
۴- صدها میلیارد دلار خسارت ، تعداد زیادی کشته ، هزینه سنگین سالانه جنگ و مشکلات بعد از جنگ که گریبانگیر هر دو کشور است :
- مشکلات نسل جوان که سالها در جبهه‌ها

مشخص کردن مرز اسلام آمریکائی با اسلام محمدی رسالتی است بدوش ولسوان انقلاب برای جلوگیری از تکرار ضربات



دنباله مطبوعات آمریکا

بوده اند که چگونه به مسیر اقتصادی و بازسازی وارد شوند.

- تضمینی برای امنیت دوکشور وجود ندارد - دوکشور متخاصم باقی خواهند ماند. - هر دو کشور شکست خوردند، صدام که هدفش رهبری جهان عرب بود به هدف خود نرسید هدف ایران صدور انقلاب بود که دیگر جاذبه‌ای ندارد. - هیچکدام نتوانستند قدرتهای بزرگ را از منطقه اخراج کنند.

مشکل قوای نظامی در ایران و عراق

قوای مسلح عراق تنها قادر است در مرزها بجنگد با اینکه در مدت هشت سال جنگ ذخیره مهمات و تجهیزات نظامی اش بخدی است که نیروهای ناتو هم با اینس اندازه مجهز نیستند این نیروی نظامی بدون نیروی هوایی قادر به اعمال قدرت در نقاط دور دست نیست و توان تهاجمی ندارد هزینه ماشین جنگی عراق بسیار زیاد است و عراق قادر به تحمل آن نیست. بهتر است عراق بجای تکیه کردن به حفظ یک ارتش بزرگ به توسعه یک نیروی تهاجمی دوربرد تکیه میکرد. مثلاً سیستمهای رادار آواکس موشکهای دوربرد و...

عراق سعی خواهد کرد که از تکیه به نیروی انسانی بکاهد و به نیروی دوربرد و نیروی دریایی تاکید گذارد. و همچنین در تعدیل تکیه تسلیحاتی به شرق و غرب خواهد بود.

ارتش عراق یک ارتش بخته نیست، اگر عراق ارتش آن کشور را در مقابل دشمن نگذارد تهدیدی جدی علیه بقای خودش بوجود آورده است.

نیروهای مسلح ایران نیز با مشکلاتی روبرو است اولاً: ایران باید تصمیم بگیرد که خواهان یک ارتش انقلابی و خلقی است یا ارتشی که از نظر تکنولوژی به پای ارتش عراق برسد.

ایران برای تجهیزاتی که خریداری کرده قطعات لازم را اندر دنیای سیستمهای الکترونیک خود را عوض کند ارتش ایران سیستمی را دارد که در دوران شاه هم بدرنخور بود و در طول جنگ بی اثر بود. ارتش انقلابی برای تثبیت حکومت و اعمال قدرت در درون مفید بود.

بسیاری از نیروهای آموزش دیده سپاه طی جنگ به شهادت رسیده اند (بخصوص در حرم بصره که به استالینگراد ایران تبدیل شد) تا کنیک ایران در عملیات استفاده و تکیه زیاد به نیروی انسانی ورزیده بود. در این شرایط ایران قادر رهبری منسجم و سازماندهی و پول لازم برای ساختن یک ارتش انقلابی وجود ندارد.

گوردژمن پیش بینی میکند:

- ایران و عراق درگیری مسلحانه تسلیحاتی خواهند بود. - هر دو کشور در سطح وسیعی سلاح شیمیایی تولید خواهند کرد. - هر دو کشور خود را به موشک مسلح خواهند کرد. - هر دو کشور به فکر سیستمی هستند که شهرها و منابع اقتصادی را آسیب پذیر کرده و در سطحی گسترده کشتار کنند. درگیری دریایی

بین دو کشور بوجود می آید. البته ایران توانایی آن را دارد که راه عراق را بسته دریا مسدود کند.

- هر دو کشور در جای درگیریهای داخلی ویی ثباتی خواهند بود.

در پایان نتیجه گیری میکند که اگر ایران و عراق به منافع استراتژیک عرب لطمه نزنند، امریکام نباید مداخله کند. ثانیاً " تازمانی که اروپای غربی و ژاپن در منطقه شمال خلیج فارس حضور اقتصادی دارند امریکا نباید مستقیماً خود را درگیر سازد.

راه مجاهد: در این تحلیل کوردژمن - باریزینی بسیار زیاد به بررسی مشکلات و تضادهای داخلی ایران و عراق پیس از خاتمه جنگ پرداخته است.

بنظر میرسد که این جناح از غرب قصد دارد که ترس سایر جناحهای غرب را خاتمه جنگ را از بین برده و آنها را در جهت استفاده از این تضادها فعال کند.

راه حلی که کوردژمن برای منطقه پیشنهاد میکند صلح مسلحی است که در طی آن به بهترین شکل توطئه های زیر انجام شود:

- ۱- هر دو کشور با زار مصرف سلاحهای شرق و غرب شوند. ۲- منافع استراتژیک غرب صدمه نبیند یعنی شیرهای نفت بظرف غرب باز باشد. ۳- ارتش عراق بجای درگیری داخلی در درون عراق با دشمن خارجی درگیر شود تا ظاهراً " حفظ گردد. و نظام عراق نیز ساقط نشود. ۴- تعدیل نظام جمهوری اسلامی و تضعیف رابطه انقلاب با نهضت های آزادیبخش.

۵- سپاه پاسداران را از جنگ ناتوان جلوه دهند و بجای ارتش متکی به انسان ارتش متکی به سلاح ابر قدرتها را بازسازی کنند.

نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که استراتژی غرب مایوس کردن مردم از زحماتی است که در طول جنگ کشیده شده و قصد دارد که آنها را بی حاصل ویی هدف جلوه دهد و بدینال این کار است که غرب ثبات خود را جلوه خواهد داد.

با یادمان به قدرت الهی مردم خودمان و عراق داشته باشیم، باید بدانیم که مردم عراق از رژیم بعث خواهند پرسید که چه کردی؟ چرا حمله کردی؟ این همه اسیر، زخمی، معلول و کشته بخاطر چه؟ بمباران شیمیایی عراق برای چه؟ بمباران شیمیایی ایران چرا؟ مردم عراق در ادامه زحمت زمتنگان ما رژیم بعث را سرنگون خواهند کرد.

نظراتی پیرامون جانشینی فرمانده کل قوا

صدای امریکا پیرامون انتخاب حجة الاسلام رفسنجانی به جانشینی فرمانده کل قوا مصاحبه هایی با مقامات ایرانی خارج از کشور انجام داد. در اینجا بعضی از مصاحبه ها و اخبار پیرامون این مطلب جهت شناخت و برخورد با اینگونه تحلیلها آورده میشود. مصاحبه ها در خرداد ماه انجام شده است

جها نگیر سه روز روزنامه نگار: انتخاب حجة الاسلام رفسنجانی به او قدرت بیشتری می بخشد تا با راه حل سیاسی برای پایان جنگ وارد عمل شود. وی با برخورداری از اختیارات ولایت فقیه در ارتش میتواند با قدرت بیشتری تصمیمات مربوط به پایان جنگ را به مورد اجرا بگذارد.

رجوی نیز طی اعلامیه ای این انتخاب را بدینگونه تحلیل کرده است:

انتخاب حجة الاسلام رفسنجانی گامی تکمیلی در جهت قدرت بخشیدن به ماشین جنگی ایران است.

با این کار رکنان گذاشتن سایر جناحهای درونی رژیم که قبلاً در انتخابات مجلس سوم انجام شده بود، ساکنان گذاشتن حجة الاسلام خامنه ای که تا امروز اسما رئیس شورای عالی دفاع بود تکمیل گردید نقشی را که حجة الاسلام رفسنجانی بعنوان میانبر بازی میکرد خاتمه یافته است.

با این انتخاب ساده اندیشی های مربوط به امکان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رژیم جمهوری اسلامی با احتمال میانه روشن - آن شهر سلطان میخورد.

تیمسار مدنی: سیز در جواب این سؤال که آیا این انتخاب تقویت میانه روهها و برای پایان جنگ از طریق سیاسی است پاسخ داد:

در ارکان حکومت میانه رو وجود ندارد البته آن مقیاس و معیاری که ما میانه رو میگوئیم، بلکه نسبی است در مقایسه بین تندروها و به نسبت میانه روهها و آنهاست که حساب فردا را هم میکنند.

دکتر غلامحسین رازی، استاد ایرانی در امریکا وی در سمینار خلیج فارس نیز در وقت شام، در روز چهارم گفتار را در دیو امریکا با او مصاحبه ای انجام داد. برخی محورهای مصاحبه شرح زیر است:

اشکال عمده فعلی ایران، وجود مراکز متعدد رهبری است که مراکز متعدد تصمیم گیری به تبع آن وجود دارد.

انتخاب حجة الاسلام رفسنجانی در چهار چوب از بین بردن مراکز قدرت برای نیروهای متشکل و مسلح میباشد.

سه مرکز قدرت در نظام جمهوری اسلامی وی معتقد است سه نوع مرکز قدرت یا سه روند ارزشی سیاسی در ایران موجود است:

- ۱- گروه سنتی شیعه مثل آیات عظام مرعشی و گلپایگانی که حتی در سیاست روزمره هم دخالت نمیکند. و بعضی ها که در دولت بوده اند مثل آیتا... کنتی حزه این گروه هستند. این گروه به روندهای سنتی شیعه پایبندند. ۲- گروهی که نظریات جدیدی را به اسلام دارند و نمایندگانشان حجة الاسلام خویشینی ها و... هستند. ۳- گروهی که به اسلام علاقمندند ولی واقع بین تر هستند و به جهان آشنائی زیادی در تاریخ دارند و مثل حجة الاسلام رفسنجانی و حجة الاسلام خامنه ای و شایه آقای ولایتی.

هر کسی از طغن خود شد یار من

مهندس موسوی نخست وزیر با دانشجویان دانشگاه اصفهان صحبت مهمی داشت که در تاریخ ۵ مهرماه ۶۷ در مطبوعات منعکس گردید:

تیترو رشت انتخابی روزنامه کیهان:

مهندس موسوی: اگر سرتوشت خود را به شرکتهای خند ملتی پیوند بزیم عوارض حبران ناپذیری خواهد داشت.

تیترو رشت انتخابی روزنامه رسالت:

مهندس موسوی: تکیه بر منابع داخلی به معنای قطع ارتباط با خارج یا عدم استفاد ه از امکانات موجود بین المللی نیست.

پیرامون سقوط هواپیمای مسافربری نیویورک تایمز در زمینه سقوط هواپیمای مسافربری ایران که به شهادت ۲۹۰ نفر منجر شد مینویسد:

طبق تحقیقاتی که انجام شده هیچگونه نقصی در تجهیزات راداری پیشرفته رزمنا و وینسنس وجود نداشته و متصدیان آن طبق فشار رسد که قبل از آن با قایقهای نوپدار ایرانی رجزیان بوده است فکر کردند که هواپیمای ایرانی قصد نبرد دارد و به همین جهت تعبیرات غلطی روی صفحه رادار کرده بودند.

راه مجاهد: غرب به تکنولوژی وابسته و اصالته میدهد و نه انسان و در این واقعیه سعی بر آن داشت تا نشان دهد که ابزار پیشرفته اشتباه نمیکند.

کسانیکه در خلیج کار کرده اند بخوبی میدانند که پدیده های مختلف حوی در خلیج در یک نبرد دراز مدت ابزار بسیار پیچیده را به وسایل مشکل آفرینی بدل خواهند کرد. از طرف دیگر اعتراف ظریفی که بطور ناخود آگاه بیان کرده اند عمق وضعیت و روحیه آنها را نشان میدهد.

اصطلاح " فشار نبرد" که در واقع همان ترس و وحشت دائم آنها که ناشی از آماده باش دائم نیروهای امریکائی میباشد، بخوبی نشان دهنده وضعیت امریکائی ها در مقابل قایق های تندرو و سرشنینان با ایمان آن است.

واشنگتن پست: یک فلسطینی

فارغ التحصیل از یکی از دانشگاههای امریکا که فعلاً استاد در رشته کشاورزی است در خانه اش باغچه کوچکی تشکیل داده و سبزیجات و میوه کاشته است او هم خانواده خودش را تا مین میکند و هم نیسان همسایگان را بر آورده میکند و راه استفاده صحیح از تخم سبزیجات و کود شیمیایی را به آنها آموزش می دهد. این مسئله برای اسرائیل آنقدر اهمیت داشت که او را تهدید کرده و مانع کار او شدند زیرا این امر کوچک را گامی در جهت حرکت استقلال طلبانه فلسطینیها میدانند. این باغچه کوچک در طول چند ماه اخیر قیام فلسطینیها بوجود آمده بود او باغچه اش را (باغ عدن) نام گذاشته بود.

استراتژی غرب بایوس کردن مردم از زحماتی است که در طول جنگ کشیده شده



رنیاله الهیات آزاد بیخش از صفحه ۱۲

من بعضی وقتها به دکتر بیخش می گویم که ما هر وقت از گفت و شنود صحبت می کنیم از گفت و شنود بین مسلمانان و مسیحیان و کلیسای هندوها و ... صحبت می کنیم هیچ وقت در باره مارکسیسم مسیحی صحبت نمی کنیم.

وحدت جنبشهای اسلامی و مسیحی در قضیه فلسطین

در مورد فلسطین هم همین مسئله را می توان مد نظر قرار داد. ما دو ماه پیش در ساحل غربی ونوار غزه بودیم و با فلسطینی ها - اعم از مسیحی و مسلمان - صحبت کردیم. یکی از مسائل جالبی که توجه ما را جلب کرد این بود که رسانه های جمعی به جنبش اسلامی در میان فلسطینی ها توجه زیادی پیدا کرده اند. زمانی بود که اسرائیلی ها به جنبش اسلامی به عنوان نیرویی در مقابل سازمان آزادیبخش فلسطین می نگریستند. آنها فکر می کردند که با حمایت از جنبش اسلامی می توانند صفوف فلسطینی ها را دچار شکاف کنند و نیز باعث خروج مسیحی ها از جنبش فلسطین بشوند، اما ناگهان دریافتند که جنبش اسلامی قدرت زیادی پیدا کرده و نگرانی آمریکایی ها را برانگیخته است. آنها می گویند این یک خیزش اسلامی است.
یکی از نکاتی که مورد توجه رسانه های خبری نیست این است که همان طور که هر جمعه در مسجد الاقصا تظاهرات برپا می شود و معمولاً پلیس اسرائیل مجبور به واکنش در مقابل آن می شود، در ماههای گذشته، هر یکشنبه، در کلیسا هم تظاهراتی برپا می شود که دخالت پلیس را به دنبال دارد. در خاورمیانه مذهب بیش از غرب در زندگی مردم نقش دارد. بنابراین مسیحیان نیز در میان فلسطینی ها، مثل مسلمانان احساس می کنند که شرکت در مبارزه بخشی از مسئولیت دینی آنهاست و این چیزی است که به نظر من طراحان سیاست در آمریکا به دلیل عدم اعتقاد به مذهب آرا نادیده می گیرند.

بقیه در باره علی زرکش از صفحه ۱۳

بنتع رجوی است. که طرح انتقادات را که متوجه او شده از اصلیتانداخته و افرادی مثل علی زرکش را که عشق به سازمانشان دارند به سگوت واداشته ویا جمهوری اسلامی درگیر کند.

اگر کسی همه رجوی انتقاد داشته باشد در طرف مقابل روزنه ای و مشروعیتی نبیند یا از ترس اینکه مارک هم موضعی باشکجه و سرکوب نخورد جرات ابراز انتقاد به خیانت های رجوی را پیدا نکند.

جنبین افرادی در محیطی مثل زندان واعتف و زور به جمع بندی نمی رسند. آیت اله منتظری هم گفته اند که تحریه نشان داد که زند و بستن ها فایده ای نداشت. و بارها به این شیوه ها انتقاد کرده اند. افکار عمومی هم این شیوه ها را تأیید نمی کند. آیا رجوی چه مشروعیتی دارد و آیا چیزی غیر این شیوه ها میتواند به رجوی کمک کند تا از پاسخگویی به شکست اخیر و مواضع وابسته خود فرار کند؟

اگر ملاقات ها آزاد بود و تاثیر این عملیات کردند و خبرهای آن از طریق خانواده ها به گوش زندانیان می رسید یک حر آفرینیها و تحدید نظرهایی میشد. ولی طبیعی است آدم تا در زندان است به اطلاعات و اخبار از طریق زندانیان اعتماد نمیکند مگر از طریق خانواده ها و افراد شناس خودش باشد.

بمنظر میرسد قدری تأمل لازم است. همانطور که در جنگ مسئولین اعلام کردند پیش برد امر جنگ از طریق نظامی میسر نیست از کجا معلوم همین قیاس در مورد تشکیلات رجوی صورت نگیرد. چرا که تشکیلات رجوی هم مورد حمایت کنگره آمریکا، صدام و عربستان و غیره است. و میتواند از برتری های اطلاعاتی و تسلیحاتی هم برخوردار گردد. آیا بهتر نیست روش حر آفرینی را در پیش بگیریم و باعث به شیوه های اسلامی و انقلابی زمینه جذب و تعالی افرادی را که بخود می آیند فراهم کنیم.

بقیه سخن امام راهنمای مستضعفان از صفحه ۲

طور که شاهدیم بر خطر نفوذ دستهای مرموز و ایادی شرق و غرب در نظام بارها از طرف افراد دلسوز انقلاب تکیه شده است به عنوان مثال در جریان ملک فارلین یکی از رابطین که فردی است بنام قربانی فرکه در واقع جاسوس ماساد است به این طریق تمامی اخبار مربوط به این جریان زودتر ویا سریعتر از هرکسی به اسرائیل و سیستم امنیتی آنها میرسد. در مورد پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به خاطر حساسیت موضوع افراد و جریانات مختلف بدون تحلیل نبوده و بطور طبیعی هر کدام به تحلیل خاصی از شرایط می رسند به نظر میرسد منظور امام در این مورد بر فاش شدن اسرار عدم برخورد با نظرها و یا مطرح نشدن تحلیلهای مختلف نباشد زیرا به اینصورت هر جریانی در تحلیل خود به قاطعیت رسیده و امکان برخورد های خصمانه نیز وجود دارد.

دادن رفاه مادی باید در سایه ایدئولوژی عمیق باشد

..... همه می دانیم که اکثریت این تشر (خانواده شهدا) و رزمندگان عزیز اسلام از طبقات محروم و کم درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند ولی وظیفه ماست که در حد توان و مقدرات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسی فقط در حد تعریف و تمجید ظاهری خلاصه شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به آنها بها داده شود.

راه محاهد: با توجه به سخنان امام در می یابیم که رفاه زندگی با شهادت و ایثار در یک راستا نبوده و اکثر شهدا و مستضعفین هستند با این وجود باید با ظرافت بیشتری به مسئله خانواده شهدا نگرست و بررسی نمود که آیا خط رفاه مادی و دادن امکانات به این خانواده ها اگر همراه با خط ایدئولوژی عمیق نباشد در خط پروراندن شهید و طبقه حائز انقلاب است یا ایجاد طبقه مرنه و مخالف با هر گونه تحول؟؟

اولویت و تقدم خودگفایی کشاورزی بر صنعت باید محفوظ بماند

..... توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودگفایی کشاورزی وارد آورد بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسئولین بیشتر از گذشته خود را مکلف به احراز آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آبها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده هر چه بیشتر از نعمتهای بیکران الهی در طبیعت تلاش نمایند که مطمئناً خودگفایی در کشاورزی مقدمه ای است برای استقلال و خودگفایی در زمینه های دیگر.

راه محاهد: مقدم بودن خودگفایی در صنعت از اوائل انقلاب مطرح شده و در این رابطه مشارکت مردم را نیز به سوی خود جلب کرد و هنوز حضور گسترده مردم در جهاد سازندگی و حضور همه جانبه

آنها در سال ۵۸ فراموش نگشته است اما باید دید که چه اتفاقی افتاد که آن سیبج بزرگ به بار ننشست. و باعث حل مسئله کشاورزی در ایران نشد؟ و باید ریشه یابی نمود که چگونه روستاها بیشتر از پیش خالی گشت و مهاجرت بی رویه به شهرهای بزرگ ادامه یافت؟ اگر به این سؤالات و سؤالات مشابه پاسخ ندهیم نمی توانیم این مسئله را حل نمائیم.

فرهنگ مصرفی بزرگترین آفت يك جامعه انقلابی است

..... برنامه ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعائر و ارزشهای کامل اسلامی و بهره یز از تنگ نظریها و افراط گرایها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگترین آفت يك جامعه انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه ریزی در جهت توسعه صادرات و گسترش عبادی صدور کالا و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی صادرات و واردات و بطور کامل تجارت بر اساس قانون و بنا نظارت دولت در نوع و قیمت.

راه محاهد: پیشنهاد می کنیم که قطبهای ایدئولوژیك جامعه مد رسیدن که معتقدند قیمت گذاری صحیح نبوده و قیمت کالا را عرضه و تقاضا تعیین می نماید با توجه به سخنان امام و به جای تضعیف دولت به تبیین و پشتوانه فقهی قیمت گذاری پرداخته تا دولت بتواند با پشتوانه فقهی او امر امام را اجرا نماید.

امام به روشنی ملک های اصلی را برای تجارت و بازسازی در این قیمت ذکر نموده اند و همانطور که گفته اند مبارزه با فرهنگ مصرفی... تولید داخلی و تکیه به صادرات غیر نفتی سه اصلی است که باید پایه تجارت خارجی ما قرار بگیرد. به اینصورت که هر که وارد میشود باید اولاً مصرفی نبوده و دوماً در جهت تقویت تولیدات داخلی بوده و یا با تولیدات داخلی تضاد نداشته باشد سوماً از تکیه به نفت بکاهد و یا لا اقل در جهت وابسته شدن بیشتر به درآمد نفت نباشد. از مسئولین و دست اندرکاران می خواهیم این پیام امام را به صورت روشهای ریز اجرایی در آورد و به صورت قاطع به آن عمل نمایند.

بقیه پاسخ به خوانندگان

از صفحه ۲۸

ساف - جمهوری اسلامی - تدککلات - ضد تدککلات - مبارز - دولتی و ... نمونه هایی است که با مستی ما راهوشنا رترو بیدارتر کند.

البتة گاه می بینیم نیرویی که خود تحت فشار امیرالمسلم و بندگان آن است نیروی دیگری را در داخل کشور تحت فشار قرار می دهد و چه بسا به نفی و حذف او همت میگذارد علی رغم گفتار علی (ع) که کونوا للذالم خصماً وللمظلوم عوناً خصم شما کار هست ولی ما را ستم دیده نیست. اما با مستی هوشیار بود که در چنین مواردی هم عکس العملی برخوردار کردن و انتقام و کینه توزی چاره دردنمست. تجربه کودتای ۲۸ مرداد راه چکاره از یاد نبرید. عوامل دربارتسا قبل از کودتا ز نظر ظاهری کارهای می نمودند

ونقشی در مسائل نداشتند. در عوض مسئله اصلی تضاد کابانی و مصدق جلوه می کرد. اما حاکمان منحصراً شده است که با دی کودتسا چگونه زمینساز می کرده اند در کجاها نفوذ نداشتند و یا چه نقابهایی اهدا فشان را بهش بردند. اشکال اصلی ما اینست که آزادیخواهان وقتی آزادی بوجود می آید آزادیخواهند ولی حاضر نیستند با موانع اصلی آزادی یعنی دستهای مرموز و شکنجه گران و کسانیکه فتوی شکنجه می دهند حتی میا رزه صوری داشته باشند.

ضمناً توجه داشته باشید که همین مبارزاتی که با اسلام آمریکایی یا تمام وجوه آن یعنی رفاه و بختی - اشرافی گری سر مایه ناری و عاقبت طلبی شد موانع آزادی تاحدی رفع شده و فضای بوجود آمدن کار چنین بودیم. این از صفات شما میران است که برای امت بیشتر از خودشان دلسوز بودند. حتی گاهی خدا به شما میرتذکر که از آزادی دمرتان می شود در مطبوعات رسمی و بیرون نظام دفاع کرد.

م - در مورد نبردا از دبخش ما شما هنگامی که مردم سرزمینی صلحت خود را در صبر با صلح می ناند ما با بدکاسه نا غتر از آس غوم و سعی کنیم آنها را با صلح نجات دهیم؟

ج - چه اشکالی دارد ما برای ملتی سا فردی دلسوزتر از خودش باشیم؟ بعضی از خودش بی فکر تجا و سعادت او باشیم؟ ای می دهد که اینقدر بخوت رنج مده آنها نمی خواهند بخت یا بند.

اکثر بیشتا زان و مجاهدان که در شرایط خفقان و سختی برای آزادی و رهایی ملت خود از ستم حرکت کرده اند بدانند که در کجاها را تحمل کرده اند برای ملت دلسوزتر از خودش بوده اند.

البتة دلسوز تر بودن ما بقول شما کاسه از آس نا غتر بودن ما این معنی نیست که مردمی را که در مرحله قحط نرسیده اند با شیوه های زور و فشار و تهدید و نا ر به حرکت کنیم. مثلاً در جنگ خودمان برخی می گفتند شهرهای مسکونی عراق را موشک بزنیم تا مردمش علیه ما بشورند. این شیوه ز عشق به توده ها در نمی آید. لازم دلسوزی اینست که برای رشد دادن مردم نمر و وقت بگذاریم صبر و حوصله داشته باشیم. کارهای بزرگی کنیم بدون انسانها شوق و انگیزه ایجاد کنیم. این معنی در حرکت امام حسین (ع) بخوبی مشهود است ایشان حتی عصرتا سوعا موقع حله بیعت به بارانتر می گوید بروید به بلاد اسلامی ولی آنها مشتاقانه در کربلا می ماندند و آگاهانه و عاشقانه جان میا زند.

چند تن از خوانندگان محبت کرده و مقاله فرستاده اند که بتدریج چاپ خواهد شد.

یادآوری به مسئولین

امام قضیه ملک فارلین را یک پیروزی خواندند و مسئولین ما قول دادند که واقعت قضیه را برای مردم بشکافند و کتابی در این زمینه چاپ نمایند. در حالیکه آمریکایی ها کتابها و گزارشات متعدد در این زمینه چاپ کرده اند، چرا مسئولین این امر را به تعویق انداخته اند؟

پرتوی از قرآن در سالی از مرحوم طالقانی



سنت نگه‌دارد. تا از طرفی به مرور اخلاق و روحیات نظام سابق که نهفته در درون افراد است پاکسازی شود و از طرف دیگر نسل جدیدی که در این مدت بوجود خواهند آمد جایگزین نسل گذشته گردند. این امر هم تنها در دل يك خط مشی الهی عدالت خواهانه و ضد استکباری امکان پذیر است. آنچه که در انقلاب بعد از پیروزی بصورت شعار در آمد، گویای این نیازها از قبیل خط صدور انقلاب اسلامی به جهان مستضعفین، تشکیل جبهه مستضعفین بر علیه مستکبرین و خط مشی آزادی قدس و... میباشد. در دل این خط مشی نسلی بوجود آمده و رشد کرده و باقی میماند که به ارزشهای دوران انقلاب خوبی گرفته است و پایه بنیادین جامعه انقلابی خواهد شد. با درک مسئله فوق مشاهده هر نوع افول اجتماعی در رابطه با نسل جدید بیانگر وجود نارسائیهایی در تحقق خط مشی آزادی قدس بوده است که بایستی ریشه یابی شود. (ریشه ای تئوریک بر خورد با فساد اجتماعی)

فصل الله المجاهدین علی التامیدین اجرائعظیماً

در سیر تاریخ تشیع همواره جریانهای مرموز و ناسالی وجود داشته اند که سعی نموده اند با جوسازی و بوجود آوردن شبهات از رشد جریانهای اصیل جلوگیری کنند و یا به عبارت دیگر از گسترش تفکرات آنها جلوگیری کنند. مرحوم آیت الله طالقانی یکی از کسانی است که در تاریخ معاصر ما از هجوم فکری و فرهنگی این جریان مرموزین نصیب نبوده و به طریقی مختلف سعی شده تا جوانان عاشق و نیازمند انقلاب را از دستاوردهای آن مرحوم جدا کنند و جای بسی تأسف میباشد که مدعیان دوستی ایشان هم به این مذلومیت خو گرفته اند. تحلیل ظاهری از شخصیت آیت الله طالقانی دردی را دوا نمیکند. چرا که تحلیل واقعی آنست که نقطه نظرهای عمیق و همه جانبه مرحوم طالقانی را در راستای پی بردن به واقعیت تعالیم قرآن و روایت های نشأت گرفته از آن مورد مطالعه قرار دهیم. ما تلاش بر این داریم که بخش عمیقی از نقطه نظرهای قرآنی آن مرحوم بزرگوار را ارائه دهیم تا این امید که این کار قرآنی موجب شادی بیشتر روح ایشان شود.

متن کتاب - صفحه ۱۸۸ - جلد اول
"آن مردی که تربیت و شعائر دینی آنها را بالا آورد و پیش بزد، چون به این مرحله تکامل رسیدند، تربیتهای غیر دینی و شعائر قوی و ملی نمی تواند برایشان وارد. اینها چون شعائر و نوامیس دین را رها کنند، وحدت و قدرت و معنویات خود را یکسره میازسند و چون بوزننگان ملعمه و تقلید چی دیگران میگردند و دیگر در سرنوشت خود تأثیری ندارند."

متن کتاب - صفحه ۲۱۹ - جلد اول
"هر ملتی که رشته وحدت و تعاونشان گسیخته شد زبون میگردند و ملتی که رابطه آنها توحید و موافق دینی باشد چون نگهبان آن نشدند روابط دیگر که از آن عبور کرده اند و پست تر از آنست نمی تواند آنها را با هم ببیوندد و بر یا بدارد بدینجهت یکسره روزه سقوط اجتماعی و زبونی میروند."

راه مجاهد
جامعه‌ای که شعار وحدت بخش طلیت و ناسیونالیسم را پشت سر گذاشته، به شعار برتری مانند شعار اتحاد مستضعفین بر علیه مستکبرین، شعار مبارزه برای رفع فتنه از جهان یا... را برای اتحاد برگزیده است، اگر به شعارهای نازلتری مانند ملیت یا قومیت برگردد این شعارها دیگر نمیتواند اتحاد آنها را حفظ کند. افرادی که برای امر برتر مبارزه کرد هم آمده اند نمیتوانند با انگیزه گذران زندگسی، حقوق گرفتن و... در هر هم باقی بمانند و فاسد نشوند. در شرایط فعلی انقلاب ما هم جریان اجتماعی حزب الله در صورتیکه شعارهای اصولی مبارزه با امریکه، آزادی قدس، حفظ استقلال و... را که ضامن وحدت و یکپارچگی و ثبات جامعه میباشد کنار بگذارد، دیگر با شعارهای بازسازی اقتصادی، ایرانی بودن ما صرف مسلمان بودن نمیتواند وحدت و ثبات خود را حفظ کند. راه عملی حفظ وحدت در هر جامعه حفظ شعائر و یا ارتقاء آنها به شعارهای برتر و پویاتر میباشد.

متن کتاب - صفحه ۱۵۸ و ۱۵۹ - جلد اول
برای آنکه نفوس بنی اسرائیل بخواهی مستعد هدایت و فرا گرفتن دستورات کتاب شود باید انقلابی در اجتماع و نفوس آنان پیش آید - که همان توبه است. توبه از شرک و گوساله پرستسی و برگشت بسوی باری و فطرت اولی جز با ریختن خون فاسد و فساد اجتماعی در پیشگاه باری پذیرفته نگردد. اگر هم بظاهر و تشریف خداوند توبه پذیرفته شود، از نظر انقلاب درونی و پاک شدن نفوس جز تن دادن به ریخته شدن خونهای فاسد و کشتن نفوسی که با شرک سرشته شده و یکسره از خدا برگشته چاره ای نیست "ذالکم خیر لکم عند یاریکم" زیرا شرک و تقلید فاسد چون در نفوس ریشه دواند ریشه استعداد و حرکت بسوی خیر را می خشکاند... شرک مانند آفتی است که مغز درخت را تیره کند پس باید از بن بریده شود تا شاید از ریشه آن شاخهای سالم بروید.

راه مجاهد
برخی انقلاب و تحول را قبول دارند لیکن هیچگونه مبارزه‌ای که ظاهر خشونت آمیز داشته باشد را نمی پذیرند و بر خورد های سالمیت آمیز و حرکت کام به کام را قبول دارند. در حالیکه مرحوم طالقانی انقلاب و تحول از نظام ظلمت و شرک بسوی نظام عدل و توحید را جز با کشته شدن عناصری که منشاء شرک بوده و شرک با وجودشان عین شده است قابل انجام نمی داند. علت اصلی و استدلال زیربنایی تحلیل فوق این است که مرحوم طالقانی به تبعیت از مکتب اسلام عامل اصول، انحراف در جامعه را ائمه الکفر می دانند و نه روابط تولید و مناسبات اقتصادی و... کسانی که علت اصلی تحولات اجتماعی را در مناسبات اقتصادی جستجو میکنند به نقد فرد منحرف در انحراف نظام اجتماعی بهایی نمی دهند. همچنین دسته دیگری که علت تحولات اجتماعی را در تفرقات مردم جستجو میکنند برای تحول در جامعه به تبلیغ فکری و کارهای فرهنگی روی آورند. اما مرحوم طالقانی چاره کار را در از بین بردن نفوس که عین شرک و انحراف در جامعه اند میدانند.

راه مجاهد
یکی از مشکلات قیام و انقلاب حضرت موسی و هر انقلاب دیگر افراد و عناصری از امت او میباشد که به ارزشهای نظام سابق عادت کرده اند. گرچه به اساس حرکت خدا و عدالت و مبارزه با ظلم تا حدی ایمان آورده اند، لیکن چون تار و پود وجودشان در نظام غیر الهی مسابق به هم بافته شده است بعد از انقلاب به عناصری بهانه گیر راحت طلب و دنباله رو نظام و ارزشهای سابق تبدیل میشوند. یا خدای دیدنی میخواهند یا غذای متنوع و خیار و عدس و پیاز و... یا راحتی ناشی از فروش نفت و سایر منابع خدادادی که خدا آنها را برای تمام نسلها در زیر زمین انباشته است و... آنچنانکه مرحوم طالقانی میگویند حکمت الهی حضرت موسی این بوده است که تا مدتی ولو طولانی این امت را در حال ابتلا و بیپایانگسری نگاه داشته و مانع از سکون آنها شود (چرا که اسکان یافتن قبل از تحول در روابط امت منجر به احیاء نظام سابق میشد) تا افراد خسو گرفته به نظام سابق بر اثر گذشت زمان از میان بروند و نسل جدیدی که در طی این بیپایانگسری بوجود آمده و رشد کرده اند جایگزین آنها شوند و اجتماع الهی را پی ریزی و تقویت نمایند. این مشکل برای هر انقلابی وجود دارد و با توجه به جوهر حرکت حضرت موسی (ع) بایستی هر انقلاب بعد از پیروزی سعی کند امت خود را سالیان متعادی در حال تحول و حرکت و انقلاب

وَاتَّخَذْتُمْ مِثْلَهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
وَاتَّخَذْتُمْ مِثْلَهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
وَاتَّخَذْتُمْ مِثْلَهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
متن کتاب - صفحه ۱۷۳ - جلد اول
"حرف کن در این آیه و آیه قبل "لن نؤمن لك" شعر بر بهانه جویی و خیره سری آنهاست. در حقیقت هم حکمت الهی و مقصود موسی و بزرگان همین بود که این قوم خوی گرفته بذلت و سست اراده و ناتوان در مدت زندگانی بیابان از میان بروند و فرزندانی نیرومند و بلند همت جای آنها را بگیرند... آیه هم از زبان آنها میگوید "از پیور دگار خود بخواه که برای ما از محصولات زمین بیرون آرد" این تعبیر، سستی و انگلی بودن آنها را میسراند که یا بر مردم یا بر موسی و خدای موسی باید انگ بلتند تا برای آنها بی رنج از محصولات زمین هر چه خواهند برویاند."

آقای طالقانی مرد مقاومی در مقابل طاغوتیها و ظالمین بود

منتظری

گام بگام ما ...

ما ما بلسم روابطمان با عربستان و کویت خسته باشد

ما فکر میکنیم اگر عربستان و کویت سرنوشت خود را از عراق جدا کنند چنین اتفاقی نص افتد ... ولی اگر آنان بخواهند تا به آخر با عراق باشند وقتی که عراق سقوط کند برای آنان هم خیلی مشکل خواهد بود. ماهیسه ... آنان گفته‌ایم حاضریم روابط خود را به آنان حسنه نگه داریم ماهیچوقت آماده نبوده‌ایم که با صدام مذاکره کنیم طبعاً این جنایت نشان داد که مردم عراق با صدام نیستند بیشتر ما هستیم، این فاجعه ما را جدی تر کرد که برای نجات مردم عراق بیشتر سرمایه گذاری کنیم.

نوعاً دگانه محاکمه عراق را توافق طرفین تعیین میکند

بهر حال نوعی از محکمه باید باشد میتواند دادگاه بین المللی باشد دادگاه اسلامی باشد میتواند محکمه داری توافق شده زیر نظر سازمان ملل باشد یک نوع داری که شکل آن را تعیین نکرده‌ایم ماهم رای آن داری راه چاره باشد می پذیریم. ماهنوز روی جزئیات دادگاه فکر نکرده‌ایم ما یک طرف قضیه هستیم باید هر دو طرف باشند.

اگر به اندازه کافی قوی نبودیم ز سلاح شیمیایی استفاده نکردیم

کبهان ۲۵ فروردین ۱۳۶۷

حجه الاسلام هاشمی بهترین دفاع را حمله دانست و افزود: ما در درجه اول باید از سلاح شیمیایی طعمه کسانی که سلاح شیمیایی را بکار میگیرند یعنی نظامیها و امثال آنها استفاده بکنیم. ولی ما تا بحال خود داری کرده‌ایم. ... امیدواریم که ما در دفاع بتوانیم آن مقداری قوی باشیم که نیازی به حمله شیمیایی پیدا نکنیم ولی اگر پیدا شد ما دیگر مقصر نیستیم.

اگر عراق به شهرها حمله نمی‌کرد ما لزومی به انجام عملیات نمی‌دیدیم

اطلاعات ۲۷ فروردین ۱۳۶۷

خطبه های نماز جمعه: ماه به یمن همین حضور مردمی در موقع مناسب در جبهه‌ها جواب رژیم عراق را دادیم و انجام عملیات در طرف یکجا و اندی که در طول جنگ بی سابقه بوده نشان دهنده این توانایی است ... این پنج عملیات شمره شرارت رژیم عراق در حمله به شهرها بوده و شاید اگر رژیم عراق این شرارت را نمیکرد ما لزومی برای انجام این اسری از عملیات نمی‌دیدیم. ما راه حل غیرنظامی را ترجیح میدهم

ماهنوز هم ترجیح می دهیم دنیا باین نتیجه برسد که زنجیر بدست زنگی مست ندهد تا مسئله بگونه‌ای دیگر حل شود.

بیرامون قطعنامه ۵۹۸ و مذاکره با دبیرکل

کبهان ۸ مهرماه ۱۳۶۶

در دیدار با راهبمایان جبهه تاجران: موضعگیری مسئولین جمهوری اسلامی ایران در مذاکراتشان با دبیرکل سازمان ملل و سخنرانی ریاست جمهوری کشورمان در مجمع عمومی این سازمان که دنیا را برای پذیرفتن موضع بحق جمهوری اسلامی تعیین تعیین و معرفی متجاوز قبل از اعلام آتش بس آماده میکند خوشایند استکبار جهانی نیست و به همین دلیل تلاشهای سیاسی گسترده‌ای توسط استکبار علیه جمهوری اسلامی ایران بیرامون قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل صورت میگیرد.

اگر نیروهای استکبار تصمیم به برخورد نظامی با ما بگیرند درس عبرتی به آنان خواهیم داد تا دیگر سلطه‌گران نظر سوء به اسلام و جمهوری اسلامی ایران نداشته باشند

ما در تدارک ضربات متوالی و مسلسل هستیم

کبهان اول آذر ۱۳۶۶

پاسخ به پرسشهای روزنامه آساهی ژاپن: منظور از این تهیه (نیرو) این است که ما بتوانیم وقتی که تصمیم گرفتیم بطور متوالی و مسلسل ضربه هایمان را وارد کنیم ...

عقب نشینی بعد از معرفی و حاکمه متجاوز خواهد بود

در چه صورت عقب نشینی نیروهایمان را با اجرا در میآورید؟ در صورتیکه عراق بعنوان متجاوز معرفی بشود و دادگاه صالح تشکیل بشود و کیفر متجاوز را مشخص بکند و حق ما را هم مشخص بکند آن وقت همه چیز تمام میشود.

بستن تنگه هرمز سخت نیست

ما چنین میلی نداریم ولی اگر از طرف مقابل یعنی امریکائیها شرارت زیادی در اینجا صورت بگیرد یا حوادث دیگری باشد و برای ما استفاده از دریا غیر ممکن باشد آن موقع احتمال جدی میشود اگر به آن روز برسیم بله بنظر من بستن تنگه هرمز زیاد سخت نیست.

نیروی در جنگ کمک موثری به ما نکرده

همکاری ما با سوریه بیشتر از بعد صد صهیونیستی و کشور است و برای فلسطین است در جنگ ایران و عراق

این جنگ مانع وحدت نیروهای منطقه است منتها آنها میخواهند جنگ بدون پیروزی بماند ... آنها مایل هستند که بجای جنگ یک نزاع همیشگی در منطقه بماند. یک کانون چرکین اختلاف و رقابت تسلیحاتی و تنش زیر خاکستر همیشه باقی بماند که آنها از این وضع استفاده بکنند.

همیچوقت سوریه به ما کمک موثری نمیکرده است.

ما موافق قرار داد عدم دخالت در امور داخلی با عربستان و کویت هستیم

از لحاظ قرارداد عدم دخالت در امور دیگری ما آمادگی داریم البته طرخی نیست اما اگر آنها مایل باشند ما حرفی نداریم حاضریم قرارداد ببندیم.

رابطه با آمریکا مشروط به حسن نیت امریکاست

در جریان قضیه رسوایی مک فالین هم آنها از خودشان شرارت نشان دادند و اولاً تقلب کردند ثانیاً پاسپورتهای دیگران را جعل کردند ثالثاً جنس را تقلبی و گران دادند و نشان دادند که حسن نیت ندارند اگر ما واقعا روزی بفهمیم که امریکائیها در ادعا تمایل به رابطه با ایران صادق هستند آن موقع این سؤال ایشان باید مطرح شود.

در گذشته آقای ناکازونه خواستند میانجیگری بکنند تا به هم نوشتند سفیر شما چند بار اینجا آمدند معلوم شد کاری از آنان برنماید.

سؤال: آیا ایران قصد جنگ با آمریکا دارد؟

ما چنین قصدی نداریم ما مایل هم نیستیم ولی آماده

هستیم که اگر امریکا وارد بشود جواب بدهیم.

در عمل با هر دو بلوک همکاری می‌کنیم

سؤال: بعضی معتقدند که ایران اساساً ضد کمونیست است لذا بطرف غرب نزدیک خواهد بود؟

ایران از لحاظ ایدئولوژیکی هم ضد کمونیست است و هم ضد امپریالیسم، یعنی ما به همان اندازه که از لحاظ عقیده مارکسیسم و کمونیسم را قبول نداریم امپریالیسم و آن تراستعماری و سلطه غرب را هم قبول نداریم. ما با کمونیسم هم برای ما مردود است. این از لحاظ عقیده است. از لحاظ عمل و روابط این مانع نمیشود که ما با هر دو بلوک بتوانیم همکاری بکنیم.

سؤال: آیا در چهارچوب استراتژی دفاعی ایران طرخی در مورد مذاکرات برای یک قرارداد دفاعی بین ایران و شوروی تحت بررسی است؟

البته هنوز بصورت جدی نیست ولی در محافل مورد بحث است. چون اکثریت جنگ را می‌خواهند تا به آنها هستیم

یک اکثریت نزدیک به تمام مردم همراه نظاضد و معتقدند که جنگ باید تا تحقق تمام خواسته مان ادامه پیدا بکند یک اقلیتی هم هستند که اینها مخالفند شاید کمی هم به طرفین تفاوت داشته باشیم ... طبعاً ما باید تابع اکثریت باشیم نسبت به مخالفین هم همینطور که می بینید ما فشاری نداریم.

اگر قدرتها خواهان ادامه جنگ هستند

... نظر من این است که این جنگ راهبمنها شروع کرده‌اند اینها خواهان ادامه جنگ هستند اصلاً دلشان میخواهد که این جنگ بماند. جنگ امروز اصلی همین کشورهای بزرگ هستند، البته من چین را هم نمیکنم چین اینطور نیست.

جنگ ما نوع وحدت نیروهای منطقه است و با قدرتها خواهان صلح هستیم

... این جنگ مانع وحدت نیروهای منطقه است منتها آنها می خواهند جنگ بدون پیروزی بماند. حال که دیدند خطر شکست عراق جدی است و پیروزی ایران ممکن است این را نمی خواهند. الان هم اگر مطمئن بشوند که ما پیروز نمیشویم باز هم نمی گذارند که این جنگ تمام بشود، یعنی حتی اگر ایران در حال ضعف صلح را بپذیرد آنها دوباره عراق را تحریک میکنند که در یک جای دیگری این جنگ ادامه پیدا بکند، اگر این جنگ به پیروزی ایران منتهی بشود و ما در سایه جنگ منافع جدی آنها مثل خلیج فارس و اینها تهدید بشود آن موقع با توقف جنگ موافق هستند. ولی ما مایل هستیم که بجای جنگ یک نزاع همیشگی در منطقه بماند. یک کانون چرکین اختلاف و رقابت تسلیحاتی و تنش زیر خاکستر همیشه باقی بماند که آنها از این وضع استفاده بکنند.

با بدکعبه آزا دودردست شورای جهانی سلام باشد

کبهان ۵ آذر ۱۳۶۶

ما حاضریم برای آزادی کعبه بکنیم و کعبه را در اختیار نمایندگان اسلام قرار بدهیم. ما بعنوان قرآن و بعنوان "جعل ... کعبه للناس" ... می خواهیم هدف قرآنی تحقق پیدا کند. اگر در عراق هم اینقدر با فشاری میکنیم برای تحقق احکام قرآنی است، در کعبه هم خود سعود بیا کبریت را روشن کردند و کشتار کردند آنها معترض ما شدند یا باید یک حکومت صالح در عربستان بوجود آید و مکه با شورای جهان اسلام اداره شود و ما مکه را آزاد کنند و بهتر است خود عربستان پیشقدم شود و ما هم کمک کنیم و اساساً نوشته شود و طبق آن اداره شود.

بقیه در صفحه ۲۲

تجدید رابطه با آمریکا خیانت به آرمانهای انقلاب است.

نخست وزیر

بقیه از صفحه ۹ دیپلماسی جمهوری

حججه الاسلام هاشمی رفسنجانی در یکی از صاحبه ها گفتند که دیگر زمان به نفع مانیست و سیاست مهلت دهی به غرب برای حذف صدام راناموفق خوانند. امیدواریم این مهلت در انبساط دشمن در رابطه با روند مذاکرات و معاملات مورد ریشمایی قرار گرفته برای مردم مقاوم ما تشریح شود.

در رابطه با وحدت عمیق با چنین دیپلماسی ای یکی از مقامات بلند پایه وزارت خارجه جمهوری اسلامی طی یک سخنرانی پس از پذیرش رسمی قطع نامه بدین مضمون گفته بود که ما از ابتدا قطع نامه را قبول داشتیم و معتقد بودیم که راحل نظامی موفق نبوده و تنها از طریق مذاکره و راحلهای سیاسی میتوان به جنگ پایان داد ولیکن مسئولین نظامی با این راحل مخالف بودند که اخیراً آنها نیز از پایان جنگ به طریق نظامی مأیوس شدند و بدین ترتیب قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفتیم.

دیپلماسی رابطه با دولت‌ها به قیمت انزوای ملت‌ها

بر اساس شوری ۳م القری که مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفته بود منافع نظام جمهوری اسلامی مقدم بر صدور انقلاب و پیوند با مستضعفین قرار گرفته و حتی در مقاطعی جهت رفع نیازهای نظام اقدام به اعطای امتیازاتی در رابطه با حذف صدور انقلاب از طرف مسئولین سیاست خارجی صورت میگرفت و ریشه مقاله سیاست خارجی راجع به این سیاست موجب شد تا چهره جمهوری اسلامی بین ملل مخدوش شده و در شرایطی که زهیر بار فشارهای هماهنگ دشمنان خارجی قرار گرفته قدرت گسترش جنبه درگیری با استکبار جهانی در منطقه را در همکاری با گانوتها و هسته های مقاومت نداشته باشیم.

برخی مواضعی که در کارهای دیپلماسی اتخاذ شد عبارت بودند از:
الف- آزادی گروهانهای خارجی در لبنان که نوعی امتیاز دادن از منافع مستضعفین لبنانی به غرب جهت اعطای امتیازاتی برای نظام جمهوری اسلامی بود (خرید اسلحه، خوش بینی آمریکا به ایران برای حذف صدام . . .)

ب- شرایط چهارگانه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران جهت حل درگیریهای امل - حزب الله که توسط آقای بشارتی مطرح شد. این شرایط عبارت بودند از: آتش بس، عقب نشینی، استقرار نیروهای حافظ صلح مورد تأیید ایران و سوریه، آزادی کلیه گروهانها.

ج- آنجا که شرایط فوق کاملاً به ضرر حزب الله بود از طرف این جریان پذیرفته نشد. ولی نیامری و سوریه از طرح فوق استقبال کردند. مبنای شرایط فوق در نظرگیری منافع دولت جمهوری اسلامی در رابطه با دولت سوریه بود هر چند که به ضرر حزب الله در لبنان نیز تمام نشود.

د- سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با رژیم آمریکایی ضیال الحق و دوست و برادر نامیدن آن. تاحدی که پس از فوت وی از طرف رئیس جمهور آقای خامنه ای تأییدات ایدئولوژیکی سابقه ای (مدیر، مدبر، مخلص و . . .) در تجدید از ضیال الحق صورت گرفت و به یک تسلیم ساده اکتفا نشد در حالی که ایشان در بین ملت ما به ضیال باطل معروف بود.

این سیاستها موجب شد تا سورقیام مردم پاکستان بدلیل مرعات کردن روابط جمهوری اسلامی با ضیال الحق به تأخیر افتاده و رژیم ضیال الحق با استفاده از این فرصت اقداماتی را در جهت سرکوب قیام ملت مسلمان پاکستان و توطئه علیه جمهوری اسلامی انجام دهد از جمله: پیگیری حجاج پاکستانی شرکت کننده در راهپیمایی براهت از مشرکین حج ۱۳۶۷ و تهدید آنها به محاکمه، ترور علامه عارف حسینی که مردم پاکستان آنرا توطئه آمریکا و وهابیت دانستند (رژیم وهابی ضیال الحق)، همکاری رژیم ضیال با قاچاقچیان مواد مخدر ایرانی و . . .

و ابستگی رژیم ضیال الحق به آمریکا تاحدی بدیهی بود که یکی از نمایندگان امام میگفت پاکستان یکی از ایالتهای امریکاست. سیاست تحکیم روابط با دولت‌ها و ملت‌ها حتی به قیمت تیرگی روابط با ملت‌ها در مقابل با فشارهای نظامی غرب در خلیج فارس و شیوه های فاشیستی رژیم صدام کمک موثری به جمهوری اسلامی ننمود بلکه بسا مخدوش کردن چهره جمهوری اسلامی بین ملت‌ها پذیرش قطع نامه را در حد سازش مسئولین با امریکا جلوه داد و اگر نبود پیام درد مندانسه امام خمینی که موضع نفرت آمیز ملت ایران و شخص امام را نسبت به قطع نامه ۵۹۸ نشان میداد فاصله بین ملت‌های منطقه با نظام جمهوری اسلامی بسیار عمیق میشد.

این سیاستها در حالی اعمال میشود که امام خمینی مبنای سیاست خارجی را حمایت از مستضعفین و دعوت مردم منطقه به قیام علیه ظالمین معرفی کرده اند. با استفاده از پیام استقامت امام خمینی اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی عبارتند از:

- ۱- مفهوم صدور انقلاب عبارت از کم کردن سلطه جهانخواران، دعوت مردم جهان به قیام علیه مستکبرین، بسیج مسلمین جهان و تبدیل ایران به یک دولت نظامی علیه مستکبرین است نه صدور صرفاً فرهنگی انقلاب
- ۲- حفظ نظام در گرو صدور انقلاب است نه در تعارض با آن
- ۳- اختلاف مستضعفین با مستکبرین (امریکا اسرائیل شوروی و . . .) آشتی ناپذیر است.

۴- اصل براهت از مشرکین در برقراری رابطه با دولت‌هایناستی زیر پاگذاشته شود.

بنظر ما در دیپلماسی اسلامی اصل، نه بزرقراری ارتباط است و نه بر بی ارتباطی، بلکه اصل بر "براهت از مشرکین" و تبری جوی از شیطان قرار دارد (سوره توبه آیه ۴)

امام خمینی علاوه بر مواضعی که ذکر شد در ساله ۲۸۳۴ توضیح المسائل به نکته فوق چنین اشاره دارند: "روابط تحاری و سیاسی با بعضی دول که آلت دست دول بزرگ چاه هستند از قبیل دولت اسرائیل جانش نیست و بر مسلمانان لازم است که به هر نحو ممکن است با این نحو روابط مخالفت کنند و از گانوتی که با اسرائیل و عمال اسرائیل روابط تجاری دارند خائن به اسلام و مسلمانان و کمک کار به هدم احکام اسلام هستند و بر مسلمانان لازم است با این نحو خائنکاران چه دولت‌ها و چه تجار قطع رابطه کنند و آنها را ملزم کنند به توبه و ترک روابط با این نحو دولت‌ها"

بنظر میرسد که اگر بدون توجه به کیفیت روابط بدون داشتن ملاک براهت از مشرکین اصل ارتباط معتبر شمرده شود، نفس ارتباط مستقل از

سیاست خارجی از دیدگاه امام :

- ۱- مفهوم صدور انقلاب عبارت از کم کردن سلطه جهانخواران، دعوت مردم جهان به قیام علیه مستکبرین، بسیج مسلمین جهان و تبدیل ایران به یک دولت نظامی علیه مستکبرین است نه صدور صرفاً فرهنگی انقلاب
- ۲- حفظ نظام در گرو صدور انقلاب است نه در تعارض با آن
- ۳- اختلاف مستضعفین با مستکبرین آشتی ناپذیر است
- ۴- اصل براهت از مشرکین در برقراری رابطه با دولت‌ها ناپذیر است

کیفیت آن جنبه استراتژیک به خود گرفته و ماهیت و کیفیت آن جنبه تاکتیکی پیدا میکند. با اصل قرارداد براهت از مشرکین بایستی استراتژی آزادی قدس و مبارزه با قرارداد کمپ دیوید (حضور مشرک در منطقه) ملاک ارتباط با دولت‌ها قرار گیرد و دولت‌ها بر اساس دوری و نزدیکی به کمپ دیوید اولویت بندی شوند.

امید داریم با توجه به منشور براهت امام خمینی در حج ۶۶ براهت از مشرکین اصل و اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گیرد.

بنظر میسرود ریشه فکری اولویت دادن به دولت‌ها بیشتر از ملت‌ها در نحوه نگرش به اسلام و نهضت‌های انقلابی باشد نگرشی که اسلام را نه در اقامه عدل و قسط بلکه در انجام یک سلسله ادب و رسوم مذمومی میدانند طبعاً این تفکر عده قیام‌های صده اخیر بدلیل خالی بودن از رنگ و لعاب مذمومی و غیر الهی تلقی خواهند شد. اگر عدل را از اصول اسلام بدانیم طبعاً به قیام‌هایی که در جهت مبارزه با ظلم بوده مارک مادی و غیر الهی نزنند و در بین نهضت‌ها منزوی نخواهیم شد برای تشریح بیشتر بحث اشاره‌ای به سخنان آقای ولایتی میکنیم: "گزارش سمینار ۶ ص ۸۰: . . . گذشته از انقلاب الجزایر که زمینه آن انقلابی اسلامی - ملی بود اکثریت قریب به اتفاق انقلابات قرن اخیر انقلابات ماتریالیستی بوده است همچنین انقلاب فرانسه در قرن هجدهم هم طریقه جنبه مادی انقلاب مذکور. ولی انقلاب ما انقلابی معنوی است"

بنظر ما عنصر بسیج و عامل مبارزه در انقلابات نه ملحدین بودند و نه انگیزه‌های مادی بلکه انقلاب ریشه در فطرت کمال طلب و ضد ظلم انسانها دارد ولیکن ملت‌ها در سیر مبارزات عدالت طلبانه اشان ممکن

است در تصویری که از خدای واحد و عدالت و استقلال و . . . در انفسد دچار ذهنیهایی بشوند که این ذهنیهها در طول تاریخ روه اصلاح بوده است. صرفاً بخاطر وجود نارساییهایی در نظام فکری حریانهات انقلابی تاریخ نیامستی تلاش و مجاهدت آنان را در راه مبارزه با ظلم نادیده گرفت. رسول خدا (ص) در رابطه با پیمان حلف الفضول که بیست سال پیش از بعثت بمنظور ادخواهی مظلومان در مکه انعقاد یافت و اظهار ایدئولوژی اسلامی در ان زمان وجود نداشت پس از بعثت شدن به رسالت فرمود "ولو ادعی به فی الاسلام لاجبت" اگر امروز که اسلام حنفر است به آن پیمان خوانده شوم همانا که انرا اجابت میکنم آیا طبق دیدگاهی که بررسی شد پیمان حلف الفضول مادی نامیده نمیشود؟

در چهارچوب دیدگاه فوق، این سخن رسول اکرم (ص) قابل تبیین است؟ جهت اختتام بحث در این مورد اشاره‌ای به دیدگاه قرآنی مرحوم آیه الله طالقانی در این مورد مینمایم آیه الله طالقانی طی ملاقاتی بسا هیات کوهایی نظر خود را در مورد انقلابات جهان بدین شرح اعلام کردند: "در واقع هر انقلاب علیه ظلم علیه استبداد علیه استثمار در هر جای دنیا که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است چرا که روح اسلام و تعالیم اسلام در جهت رفع ظلم از همه اینای بشر همه انسانها مظلومین و مستضعفین است . . . بدنیال همین بحثها یکی از اعضای هیات (کوهایی) خطاب به آیه الله طالقانی گفت اگر اسلام این است که

میگوید پس زنده باد اسلام" کیهان - ۵۸/۱۵

دیپلماسی نامحرم دانستن مردم

حججه الاسلام سید علی خامنه ای در یکی از خطبه‌های اخیرشان بدین مضمون گفتند که ما مردم را نامحرم نمیدانیم اگر حرف و در دل ما با شما مردم به گوش دشمنان نمیرسد همین الان علل پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را به شما میگوئیم ولی چه کنیم که در بین مردم نامحرم ما دشمنان نامحرم هم وجود دارند.

بر اساس تحلیل فوق اصل بر اعتماد نمودن به مردم و مشارکت دادن آنان در امور سیاسی و در جریان تصمیم گیریهای مسئولین میباشد ولیکن نحوه انتقال اخبار و رویدادها بایستی به کیفیتی باشد که دشمنان مسان نتوانند از آن استفاده کنند. بر اساس چنین تفکری اگر دشمنان مادر جریان وقایع و حوادث قرار داشتند پنهان کردن این وقایع از مردم دیگروزی نخواهد داشت بعنوان مثال در حال حاضر شرق و غرب در جریان مذاکرات قطع نامه قرار دارند در میان نگذاشتن جزئیات حساس مذاکرات فوق با مردم دلیلی جز نامحرم دانستن آنها ندارد چنانچه دیوکل سازمان ملل از طرفین ایرانی و عراقی درخواست نموده تا مردم را در جریان بحثهای درونی مذاکرات قرار دهند امیدواریم مسئولین سیاست خارجی تابع نظرات دیوکل در مواردی از این قبیل نشوند. سربخورد های مسئولین سیاست خارجی با قطع نامه ۵۹۸ در یک ساله اخیر به نحوی بود که نه تنها زهر بودن این قطع نامه به مردم مامعروف نشد بعضاً بسا تحلیل‌هایی حتی ذهن مردم نیز از مبارزه با زهر نامه ۵۹۸ قبل از پذیرش منحرف گردید که ذیلاً به موارد آن اشاره میکنیم:

۱- عدم چاپ رسمی قطع نامه ۵۹۸ پس از تأیید آن در شورای امنیت چاپ نشدن متن کامل قطع نامه در مطبوعات و انتشارات وزارت

امور خارجه قبل از پذیرش رسمی آن موجب شد تا نیروهای انقلاب زهر بودن مفاد آنرا عمیقاً درک نکرده و آن برخورد آگاهانه تری نکنند همین بی اطلاعی مردم موجب تنها ماندن امام در شرایطی شد که ایشان بسا قطع نامه و پذیرش آن مخالف بودند این سیر مارا به جایی رساند که قبول قطع نامه بر مانحیل شد.

۲- تفسیر نادرست برخی از مفاد قطع نامه ۵۹۸ بران مردم در یکی از مواد قطع نامه به تشکیل کمیته ای بمنظور بررسی بصری تعیین مسئولیت درگیری اشاره شده است این ماده توسط برخی بعنوان تشکیل کمیته تعیین متجاوزین به مردم مامعروف شد در حالیکه از نظر حقوقی "متجاوزین" یا "مسئولیت درگیری" اختلاف فاحشی در درگیری کردن آنها موجب ساد هاندیش شدن مردم مانسبت به مفاد قطع نامه گردید و در زهنها چنین تداعی شد که شرایط سه گانه جمهوری اسلامی از جمله کمیته تعیین متجاوزین در قطع نامه یا طرح دیوکل در نظر گرفته شده است حال اینکه واقعیت غیر از این بود. چاپ شدن متن کامل قطع نامه پس از پذیرش رسمی آن موجب شد تا صاحب نظران به مفاد آن آگاه شده و طبعاً نسبت به وارونه جلوه دادن برخی از مفاد قطع نامه بی اعتماد شوند امیدواریم در مورد این سیاستها روش‌های برخورد با مردم تجدید نظری اساسی قبل از اینکه دیر شود صورت پذیرد.

۳- مخالف قلعه اد کردن امریکا با اجرای قطع نامه ۵۹۸ و طرح دیوکل

آقای لاریجانی طی صاحبه ای پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ که در

ما اگر توانستیم نظامی بر پایه های نه شرقی - نه غربی واقعی و اسلام پاک و منزه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است.

نظاره ثبات و تکیه اصلی صدام علیرغم کمکهای خارجی روی بسیج مردم عراق علیه جمهوری اسلامی قرار داشته و دارد. اگر در طول جنگ سعی تبلیغاتی - سیاسی - نظامی ما در جد کردن مردم عراق از رژیم صدام قرار میگرفت و استعداد های داخلی را در ارائه تاکتیکهای در این مورد بکار میگوئیم در اینصورت رژیم صدام علیرغم کمکهای خارجی قادر به بسیج مردم شرعی ما نمیشد و ضربه ای استراتژیک از درون میخورد.

فاشیستی که صدام برای اعزام نیرو به جبهه داشت از نوع فاشیسم رضاخانی بود یعنی دیکتاتوریش مقبولیت عامه داشت اگر این مقبولیت از بین میرفت حتی پلیس سیاسی و شیوه های فاشیستی صدام نیز موفق به بسیج مردم عراق علیه جمهوری اسلامی نمیکردید ولی متأسفانه نه تنها در تبلیغات علنی ما از جمله خطبه ها، مصاحبه ها، سخنرانیها و... مردم عراق مخاطب نبودند بلکه به لحاظ نظامی نیز با استفاده مقابله به مثل و موشک زدن تلافی جویانه روی شهرها، کینه مردم عراق نسبت به ما بیشتر شده و پایه های ثبات رژیم صدام در درون مستحکمتر گردید تا جائیکه توانست نیروهای نظامی خویش را از حالت پدافندی به حالت آفندی سازماندهی نماید. این شیوه ها علیرغم پیروزیهای ظاهری و تاکتیکی ضرورتاً استراتژیک داشت که نمایان شد.

با استفاده از جمع بندی فوق و آنچه به اینکة مذکرات بر سر اجرای قطع نامه ممکن است دراز مدت باشد و نیابتی جنگ را تمام شده دانست پیشنهاد میشود تا در افشای اشکال تراشیدنی صدام مخاطب خود را مردم عراق قرار دهیم حداقل اثر شیوه فوق این است که مردم عراق در حمله مجدد به جمهوری اسلامی متزلزل خواهند شد. این شیوه در بیداری مردم عراق و رفع کینه و دولت بهترین استراتژی بازدارنده از حمله مجدد عراق محسوب شده و ارزشهای انقلاب نیز نمایان دارد.

۳- دعوت از مردم عراق جهت تشکیل جبهه متحد ضد صهیونیستو باتوجه به اینکه استراتژی اعلام شده جمهوری اسلامی "آزادی قدر از طریق عراق" است و آنچه به عرق ضد صهیونیستی مردم و ارتش عراق پیشنهاد میشود تا از مردم عراق جهت تشکیل صندوق مشترک مالی برای کمک به فلسطین، تشکیل ارتش ضد صهیونیستی، بسیج امکانات تبلیغاتی مشترک علیه صهیونیسم،... دعوت به عمل آوریم. این دعوت موجب میشود تا وحدت رژیم صدام با صهیونیسم برای مردم عراق هویدا شده و فاصله مردم و رژیم بعث بیشتر شود از طرفی کینه و دولت نیز در ایمن استراتژی تعدیل شده و انرژی آنها به جای رویارویی مقابل هم علیه اسرائیل فعال گردد. توجه داشته باشیم که بدلیل عرق ضد صهیونیسم و دولت ایران عراق وحدت اصولی دولت تنها در کنار استراتژی آزادی قدس امکانپذیر است و بجای امید بستن به سازمان ملل و قدرت شرق و غرب نیابتی برای گرفتن حقمان در کافراستراتژی آزادی قدس بر نامه ریزی نمائیم. انشاء الله

و بسیج آنها علیه صدام باشد بطور تدریجی به سمت جد کردن غرب از صدام منحرف شد تا جایی که در خطبه ها مواضع اعلام شده خارجسی مخاطب ما عمدتاً قدرتهای شرق و غرب و مجامع بین المللی همچون سازمان ملل قرار گرفتند و به مردم عراق توجه شایسته ای نشد دیدیم که از فرصتی که به غرب جهت سرعت آمدن و دست شستن از حمایت صدام داده شد بیش از ما، صدام و شرق و غرب استفاده نمودند و استفاده از این فرصت برای فشار به جمهوری اسلامی مجبورتشده تا جاییکه تحت

فاشیستی که صدام برای اعزام نیرو به جبهه داشت از نوع فاشیسم رضاخانی بود یعنی دیکتاتوریش مقبولیت عامه داشت اگر این مقبولیت از بین میرفت حتی پلیس سیاسی و شیوه های فاشیستی صدام نیز موفق به بسیج مردم عراق علیه جمهوری اسلامی نمیکردید ولی متأسفانه نه تنها در تبلیغات علنی ما از جمله خطبه ها، مصاحبه ها، سخنرانیها و... مردم عراق مخاطب نبودند بلکه به لحاظ نظامی نیز با استفاده مقابله به مثل و موشک زدن تلافی جویانه روی شهرها، کینه مردم عراق نسبت به ما بیشتر شده و پایه های ثبات رژیم صدام در درون مستحکمتر گردید تا جائیکه توانست نیروهای نظامی خویش را از حالت پدافندی به حالت آفندی سازماندهی نماید. این شیوه ها علیرغم پیروزیهای ظاهری و تاکتیکی ضرورتاً استراتژیک داشت که نمایان شد.

شرایطی مجبوره پذیرش قطع نامه شدیم. این برخورد از آنجائاتی میشود که در تحلیل ثبات صدام کمکهای خارجی محور عمده ای محسوب میشود و همچنین عنوان میشود که اگر این کمکها و حمایتهای خارجی قطع شود صدام بسرعت ساقط میشود به همین جهت محور عمده سیاست خارجی ما جد کردن غرب از صدام قرار گرفت فارغ از اینکه منشأ تجاوز صدام به ایران همین قدرتها بودند و بخاطر ماهیت ضد استکباری انقلاب اسلامی حاضر به چنین امری نمیشدند چنانچه در تجربه اخیر این مسئله به اثبات رسید.

کیهان ۲۲/۵/۶۷ بجای رسید در ادامه مواضع قبلی همچنان امریکا را مخالف اجرای قطع نامه معرفی کرده و علت حضور ناوگانهای امریکایی در خلیج فارس را در رابطه با همین مخالفت معرفی کردند. این ادعاها در حالی بود که استراتژیستهای امریکایی حضور ناوگانهای این کشور در خلیج فارس را جهت وادار کردن ایران به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ مفید و موثر میدانستند چنانچه ریچارد مورفی مدیرکل وزارت خارجه امریکایی یک سخنرانی در "سمپوزیوم جنگ ایران عراق و امنیت خلیج فارس" گفت که در هدف امریکا از حضور نظامی در خلیج فارس عبارت است از پاسداری از منافع امریکا در طول جنگ و تلاش در جهت پایان جنگ از طریق سازمان ملل و راههای دیپلماتیک (قطع نامه ۵۹۸). جرج بوش نیز در جلسهای که به منظور بررسی سقوط هواپیمای ۶۵ در شورای امنیت برگزار شد گفت: مسئله حساس و حیاتی پیش روی این شورا، چون و چرا پرواز ۶۵ ایرانی که در این باره بحث خواهد شد نیست بلکه ادامه خودداری جمهوری اسلامی ایران از پذیرش رعایت قطع نامه ۵۹۸ و مذاکره برای پایان دادن جنگ با عراق و متوقف کردن اقدامات تجاوزگرنانه اش علیه کشتیرانی بیطرف در خلیج فارس است.

باقی تامل در مواضع سیاستمداران امریکایی متوجه میشویم که اشکال تراشیدنی فعلی عراق نیز در روند مذکرات مستقل از توطئه های امریکا نیستند و امریکا قصد دارد تا از طریق اشکال تراشیدنی صدام به اهداف استراتژیک خود در رابطه با ایران جامه عمل بپوشاند. ادعای وجود چنین اختلافات کاذب و غیر بنیادی موجب شد تا نیروهای ضد امپریالیست به زهرانه ۵۹۸ با طرح اجرای دیپلوماسی خوش بین شده و از این طریق زمینه داخل پذیرش زهرانه فراهم گردد.

جمع بندی و راه حل
در رابطه با مواضع جمهوری اسلامی نسبت به روند مذکرات بر سر اجرای قطع نامه ۵۹۸ پیشنهاداتی بنظر می رسد که ذیلا عنوان میکنم
۱- اقدام به ریشه یابی نقش سیاست خارجی در ضربه اخیر به عنوان یک وظیفه استراتژیک برای جلوگیری از تکرار ضربه های مشابه در آینده. در این رابطه فعال شدن دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه کمیسیون خارجه مجلس شورای عالی سیاست گذاری ضروری است.

۲- در طول مذکرات در برخورد با شرایط ظالمانه و جنگ افروزان رژیم صدام مخاطب را مردم عراق قرار دهیم نه صرفاً بیرون قدرتهای شرق و غرب. یکی از دل اساسی تحمل پذیرش زهرانه ۵۹۸ به ما این بود که در سرنگونی صدام بیش از آنکه تکیه ما روی آزاد کردن مردم عراق

تعیین رژیم مبارزه بر نامه ریزی شده با امریکا

از وظایف مهم است که باید به موازات دستگاہهای اجرایی کشور، دستگاہهای فکری و تحقیقی و طرح و اندیشه و بکارگیری نیروهای خلاق و طراح وجود داشته باشد تا انقلاب به پهنایی و شکوفایی خود در همه ابعاد ادامه یابد.

بنظر می رسد اگر موضوع کار این هسته ها، کار روی اسلام امریکایی و مرز بندی آن با اسلام محمدی در مبنا و شیوه ها باشد، گامی اساسی و بنیادی در جهت مبارزه با امریکا برداشته شده است.

۲- بر نامه ریزی در زمینه استفاده از استعدادها یکی از اساسی ترین امور در بر نامه ریزی استفاده از استعدادهاست. استفاده از نیروی آزاد شده و خلاقتهای به ظهور رسیده انسان های بسیج شده ای که از بذل مال و جان دریغ ندارند، از ابتدای انقلاب تاکنون و ردل دفاع مقدس شاهد بروز بسیاری از این استعدادها بوده ایم. چه در زمینه جنگ و چه امور مختلف، از طراحی عملیاتی مهم

که کارشناسان نظامی دنیا را نیز به حیرت فرو میبرد تا خاموش کردن چاه های نفت به آتش کشیده شده و بازسازی اسکله خارك و... متأسفانه دیده میشود که به استعداد مستضعفین بسیج شده خط امامی بهای کافی داده نمیشود و در بسیاری از موارد به عنوان یک ابزار از آنان استفاده میشود و رموز و بهیچاری نیز با مارک و تئوری آنها را از صحنه خارج کرده و خانه نشینشان میکنند. برای بهره بردن از این استعدادها با ایستادگی و وسعت نظر داشته باشیم و توان تحمل شنیدن نظری مخالف نظر خود را نیز داشته باشیم زیرا معمولاً اینگونه استعدادها افراد پاکفیتی هستند که بهر حال حتی هر نظری را نمیپذیرند و به آن تسلیم نمیشوند، بلکه باید با منطق و استدلال با آنها برخورد شود. مهمترین مسئله در استفاده از استعدادها رعایت همین اصل است. این مسئله را آیتا... منتظری به کرات و خارج از شمار تذکر داده اند.

از طرف دیگر هم اکنون بسیاری از افراد متخصص در خارج و داخل ایران هستند که بخاطر همین تنگ نظر بهای از کارکنان گذشته شده و جای آنها را افرادی با کیفیت یا کم کیفیت گرفته اند که صرفاً عمل کننده هستند.

بنظر می رسد که مرز بندی ملی گرا و غیر ملی گرا انتقادی و... ماراد زنهایت بسوی استفاده گسترده از افراد وابسته با کارشناسان خارجی سوق میدهد. در میان کسانی که با اسطولی گرا

است. افرادی چون مظفر بقایی، احسان نراقی، سید حسین نصر، محسن سلیم، سید صادق روحانی، منافی... (به مقالات ۳ انقلاب اسلامی و دستهای مرموز در راه مجاهد شماره های ۳۰ تا ۳۶ مراجعه فرمائید.)

بنظر می رسد داشتن یک بر نامه مشخص برای مبارزه و افشای این شبکه ها از مهمترین وظایف نیروهای انقلاب است. مطالعه اسناد لانه جاسوسی، گام مهمی است در راه شناسایی و برخورد جدی تر با این عناصر.



راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگیهای خاصی برخوردار است که تمام زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنگه روشن گردد.

کا مگما ۰۰۰۰

دستریتا ندا رسم بعد از هر حمله مهلت تفکر به عراق بدهیم

کیهان ۲۴ آذر ۱۳۶۶

سیاستی که در گذشته حاکم بود این بود که ما پیر از هر ضربه محکم که وارد می آوردیم مهلتی به عراق می دادیم تا این بیرون که باید تسلیم حق و رزندگان اسلام شود این مسائل اخیر که در رابطه با امریکا و باند ناتو و دیگران پدید آمد با مسائل مکه و ارجاع عرب برای ما کاملاً روشن کرد که اینها بنا ندارند تسلیم حق شوند بلکه همواره در حال لشکر کشی بیشتر هستند و امکانات فراهم میکنند.

استراتژی ما متعدد عملیات است

... آنچه که الان طرح ماست این است که عملیات متعدد را در فاصله کمتری از آنچه که معمولاً عملیات میکردیم انجام دهیم. یعنی الان تعدد عملیات استراتژی ماست.

ما طرح می دهیم خودشان عراق را محاکمه کنند

... ما حتی ترجیح می دهیم که اینها بمانند و عراق را بعنوان متجاوز معرفی کنند و دادگاهش را مشخص کنند که این دادگاه متجاوز را محاکمه کند و هر چه هم که این دادگاه حکم داد ما اگر دادگاه را قبول کردیم و اعضای دادگاه را پذیرفتیم طبعاً حکم آنها را هم می پذیریم

ما خواهان استقلال افغانستان از امریکا و شوروی هستیم

اطلاعات ۱۱ بهمن ۱۳۶۶

در دیدار با سفیر شوروی در تهران : ما حاضریم کمک کنیم تا بعد از شما سلطه امریکا بر افغانستان نباشد.

راه حل سیاسی را ترجیح می دهیم

اطلاعات ۱۳ بهمن ۱۳۶۶

نصاحه باشک تلو بیژنی آن - اج - ک ژاپن : ... مشخصاً گفته ایم آن بندی که مربوط به معرفی متجاوز هست قبل از همه اجرا بشود ... ولی ترجیح می دهیم که شورای امنیت به وظیفه خود بر عمل بکند و متجاوز را معرفی بکند که نیازی به حمله وسیع نباشد ...

ما بد ملت عراق آزاد بود

... اگر یک نتیجه واقعی بخواید از این جنگ بدست بیاید این است که ملت عراق آزاد شوند و تصمیم خودشان را خودشان بگیرند چیزی که میتواند واقعا رزندگان ما را راضی کند ...

ما حضوراً امریکا در خلیج فارس را نمی بینیم

... ما بودن امریکا در خلیج فارس بشدت مخالفیم البته اینطور نیست که اگر امریکا اینجا باشد با مخاطره بودنش بجنگیم ما مخالف سیاستی هستیم و از اهرمهایی که داریم فشار می آوریم، اگر او وارد جنگ شود ما وارد جنگ میشویم، اگر نشود ما با خطر حضور او وارد جنگ نمی شویم ... ما تحمل نمی کنیم که امریکا در خلیج فارس پایگاه درست کند با اهرمهایی که داریم وسایل زیادی و غیر از اینها این است که تا بحال بوده بر او فشار می آوریم

خلفنا مد را رد نمی کنیم ما دستبرداریم توافق کرده ایم

کیهان ۱۸ اسفند ۱۳۶۶

... ما گفتیم که قطعنامه را رد نمی کنیم و با دستبرداریم

توافق کردیم که بندهای قطعنامه حایز عور شود یعنی اول متجاوز اعلام شود بعد مسائل دیگر مطرح شود ... جزئی از اهدافشان این بود که ما راحت فشار بگذارند تا همانطور که عراق و حامیانش میخواهند ما قطعنامه را بپذیریم که محال است.

موسکهارا روسها در احضار عراق نگذاشتند

کیهان ۲۲ اسفند ۱۳۶۶

... البته چه کسانی این تهمینات را در موشک انجم داده اند، خیلی مهم است، که ما فعلاً آنها را نمی گوئیم ولی وی فقط متذکر شد که در جلسه ای روسها به بعضی ها اعتراض کرده اند که شعار دست رقیبان ما را در موشکهای ما باز کردید و اسرار ما را برای آنها افشا کردید و این باعث مشاجره شده است.

صدام را به پای دار می کشیم

بقیه مقاله اصول سیاست خارجی و صدور

انقلاب از دیدگاه شهید محمد منتظری

محدی که بیخبر تبلیغ میکرد و منطقه ای فکر نمی کرد عرب و عجم مارخ نبود بین الطلی فکر میکرد و عمل میکرد ... ما بایستی در ایران همین سیاستی داشته باشیم.

... ما سغانه بعضی از عناصر هستند که یا بر اثر نادانی و یا بر اثر اینکه اصلاً اسلامی و انقلابی فکر نمی کنند این مسئله را مطرح میکنند که اول ایران بعد دیگران این مسئله علاوه بر اینکه منطبق اسلامی نیست و در تئوری اصلاً ایران را حفظ کردن و انقلاب اسلامی را حفظ کردن مستلزم این است که دیگران را از زیاد نبریم و دیگران کمک بکنیم و الا امریکا از طریق مزدوران ایران را محاصره خواهد کرد ... ضربه ها خواهد زد در داخل توطئه ها می آفریند و اصلاً اجازه نمیدهند که ما انقلاب خودمان را حفظ بکنیم ... ما بایستی صبح انقلاب اسلامی را هر چه بیشتر در جهات گسترده در زمین تا از طریق کشورهای مادی و معنوی نه تنها در داخل از بین نبریم بلکه با اتخاذ موضع همجوشی امپریالیسم و استعمار را با مشکلات هر چه تازه تر مواجه کنیم.

... دشمن را در برون باید بخود مشغول ساختن اشکالی که انقلاب ما پر از پیروزی داشته است این است که ما به خارج توجهی نداشته ایم دشمن ما را از اطراف محاصره کرده مسائل را به داخل ایران کشاند یا به مرزهای ایران ... اگر خواهیم نجات پیدا کنیم و مستقر بشویم و قدرت اسلام بیشتر شود و واقعا باید تشکیل ترا به درون کشورهای مجاور بین الطلی کشاند حتی برای حفظ خود ما اگر ناسیونالیست هم باشیم اگر مسلمان هم نباشیم یعنی اگر خواهیم فقط ایران را حفظ بکنیم تا کمترین کار این است که بجای اینکه آنها بیایند ما را محاصره کنند باید مشکلات را به درون آن کشور کشاند.

... حالا اگر ما فقط در ایران باشیم و فکر و فکرمان فقط در ایران باشد مسلماً غرق میشویم در مسائل داخلی و همین مسائل مشکلات داخلی ما را به خودمان مشغول میکند و این مسئله خودش مشکل زاست در صورتیکه خیلی از این مسائل از خارج سرچشمه میگردد ... بنابراین دیگر نباید شعار بدیم این شعارها که میدهند امریکا - شوروی - توتالیتار - سئو پنچ ابرقدرت ... اینها که حرف نیست

... بدین واقعیتی است که مستقیم و غیر مستقیم به سیاستهای خارجی می رسد است ... اگر خارج را ول کنیم و داخل ایران بخواهیم ترتیب کارها را بدیم مسلماً نقشه کشی و جاسوسی و فعالیت ما از امریکا و شوروی بیشتر میشود شوخی هم نداریم یعنی آنها پول و امکانات دارند کادر دارند و آدمهای فاسد هم در این کشورها زیاد است ... بهرحال اینجا اگر بخواهد انقلاب حقیقی بشود از لحاظ تاکتیکی برای حفظ مصالح خود ایران و جنبه رسالت آمیز جهاد شرک ساله اول بود باید جنبشهایی بوجود بیاید یا جنبشهایی که هست تأیید بشود و هماهنگی بوجود بیاید کسی که نقشه میکشد و در اینجا توطئه میکند ما هم از طریق جنبشها به او بتازیم.

جواب اصلی را در جنبه ها می دهیم و در مرزها و داخل خاک عراق از بعضی ها انتقام خواهیم گرفت ... ما بالاخره صدام را به پای دار می کشیم و او را محازات خواهیم نمود.

استلا رخصت صدام از طرف اسکندریه و غیره واقعی است

کیهان ۳۰ فروردین ماه ۱۳۴۷

... فرماندهان ما آمادگی دارند خواسته مردم را که همان تداوم عملیات و بکسره کردن کار جنگ است عملی سازند.

... دنیا یعنی قدرتهای استکباری ضد اسلام تصمیم گرفتند که تلاش جدی برای شحات صدام و بستن دست ما انجام دهند. و زمان دیگر نفع ما نیست. ما اگر در گذشته صبر میکردیم که شاید منتهی شوند شاید قبول میکنند شاید بسینند مقاموتشان بی نتیجه است و راه حلی انتخاب نکنند بنظر میرسد که این انتظارات غیرواقعی است و تمام حجت هم با اندازه کافی شده.

* اینهایی که میگویند که ما اول به خودمان برسیم بعد به دیگران اینها دوست آدم هستند بعضی هستند اسلامی فکر میکنند بعضی هستند که اسلامی هم فکر نمیکنند و ملی گرا هستند ... اما اینهایی که اسلامی فکر میکنند به نظر من تجزیه و تحلیل مسائل دشمن برایشان کم شده است و اینکه دشمن چه رقم عمل میکند و بین الطلی عمل میکند این در ذهنشان کم جا افتاده است.

اصول سیاست خارجی

* اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید مبتنی باشد بر همان اصول استراتژیک اسلامی و انقلاب اسلامی و خطا استقلال نه شرقی نه غربی وقتی که ما در چهارچوب این محورها حرکت کنیم طبیعی است که آن حررها جنبه ناسیونالیستی ندارد یعنی چه حاکمیت اسلامی و چه نه شرقی و نه غربی و چه استقلال همچنین نیست که تنها برای ایران خوب باشد اینها برای کل دنیا خوب است و باید باشد ... پس اصول استراتژیک سیاست اسلامی ما بر این پایه است که بایستی جهانی فکر بکنیم و همه دنیا را در نظر بگیریم ... بعد مسئله ای که در دنیا بیشتر مطرح است اینست که ابرقدرتها که از طریق حاکمیت زور و سرمایه ملتها را در بند کشیده اند و سعی کرده اند که ملتها را از بین ببرند آزادیشان را بگیرند و فقط زور و دلا در حکومت بکنند و در اکثر کشورها قدرتها در دست دولتهاست نه ملتها بایستی چکار بکنیم؟ ما باید دو کار بکنیم:

اول اینکه بیاییم کشورها را تقسیم بندی بکنیم کشورهایی که نسبتاً با مردمان همفکر است آنها را بعنوان دوست انتخاب بکنیم و بخشی از سیاستمان را میتوانیم با این سری از کشورهای مستضعف همگام کنیم.

مسئله دوم تماس با ملتهاست ملتها لازم نیست در دنیای سوپمانند ما اگر درست عمل بکنیم با کل ملل دنیا میتوانیم در تماس باشیم یعنی هم میتوانیم هم فبتر را داریم و هم امکاناتش را در شرایط کنونی پیشرفت تمدن و علم و تکنیک میسر است بنابراین ما باید تماسمان را با ملتها بیشتر بکنیم و آن دولتها بی که با ملتها هماهنگ هستند ... آنوقت بر اساس اصول اسلامی که ما پای بند آن هستیم و با توجه به عملکردمان میتوانیم یک جنبه جهانی تشکیل بدیم و این بارها بحث شده که امپریالیست نمی آید در یک منطقه عمل بکند در کل دنیا نقشه دارد عمل میکند از طریق خود و یا دیگران ... از طریق رژیمهای مزدور و وابسته ... ما اگر خواستیم عمل بکنیم همانطور که امپریالیست در سطح جهانی دارد عمل میکند عمل نکنیم شکست میخوریم پس ما بایستی ملل دنیا را بخصوص ملل مسلمان را همچنین کشورهای را که میتوانند با ما هماهنگ شوند سعی بکنیم همه در یک جبهه متحد ضد امپریالیستی قدم برداریم تا اینکه بتوانیم اصول سیاست خارجی مان را در عمل پیاده کسورده باشیم.

* اگر در چند کشور به جنبشهای آزادیبخش کمک کرده بود یا جنبشی بوجود بیاید و تمیکه خواهند علیه اینجا کار بکنند و نقشه بکشند و عمل بکنند ما هم بر اثر همکاری که با جنبشها داریم آنها را

بقیه در صفحه ۲۴

اگر زوشت خود را به شرکتهای چند ملیتی پیوند بزیم عوارض جبران ناپذیری خواهد داشت

دنباله خط صلح مسلح بقیه از صفحه ۶

۲- برخورد امام خمینی با این ضربه (پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

بر خلاف سایر نیروها بسیار اصولی بود. ایشان علیرغم تأیید صوری قطعنامه آنرا ناگوار هم دانستند.

از آنجا که هدف استکبار جهانی از تحمل جنگ به جمهوری اسلامی سرکوب بوده، اکنون نیز با وجود پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ از فشار دست بر نمی‌دارد. تا نهاد های رادیکال را در ایران سکوب نموده و مسئولین خط امام جمهوری اسلامی را در زیر فشارهای نظامی - سیاسی - اقتصادی به ورطه سقوط بکشانند (نظر ۱۵۳ نماینده کنگره آمریکا مبنی بر ضرورت سقوط دولت و تحقیق بیرونی آئرناتویان). امام با علم به چنین توطئه‌های گفتند که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در حکم پایان جنگ نیست و با آئرناتوی جریان اسلام آمریکایی مبارزه‌ای بنیادی را دنبال می‌کنند که هم در پیام ایشان تجلی داشت و هم در انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی منجر به یک سلسله تحولات مثبت انقلابی گردید.

۳- با تحلیلی که نویسنده از "صلحت" نموده راه هر نوع فرصت طلبی باز مانده است چرا که بدون استدلال یکی ممکن است بگوید الان زمان سازش با استکبار جهانی است و در همان شرایط جریان دیگری اعلام جهاد و مبارزه با استکبار را بنماید. چه ملاکی برای سنجش صحت و سقم این دو خط مبنی در شرایط یکسان وجود دارد؟ مثلاً در دوره رضاخان مرحوم مدرس مبارزه با رضا خان را به صلحت اسلام می‌دانست. ولی حاج شیخ عبدالکریم حائری و عمده علماء برخورد گام به گام با رضا خان و تأیید وی را به صلحت اسلام می‌دانستند. تشخیص کدام یک درست بود؟ آیا اگر سایر علماء نیز خط شهید مدرس را دنبال می‌کردند جلو ۵۰ سال غارت رژیم فاسد پهلوی گرفته نمیشد؟ یا اگر شهید مدرس نیز خط سازش با رضاخان را دنبال کرده و به سایر علماء می‌پیوست آیا هنوز هم رژیم پهلوی به دلیل برخورداری از یک پشتوانه شرعی در تاریخ باقی و پا برجای نبود؟ قیام شهید مدرس بود که شروعی تاریخ رژیم پهلوی را در زهنها شکست. شهید مدرس مبارزه با فراراد ۱۹۱۹ و رژیم انگلیسی رضا خان را به نفع اسلام می‌دانست در همان شرایط شیخ عبدالکریم حائری با رضا خان در حرم ملاقات می‌کند. رضاخان به حاج شیخ عبدالکریم عرض می‌کند: من مقلد شما هستم و شما را دوست دارم. آقای حاج شیخ عبدالکریم می‌فرماید: من هم شما را دوست دارم و تأیید رضاخان را به نفع اسلام می‌داند. چه ملاکی بسرای سنجش اختلاف خط مبنی ها در شرایط واحد وجود دارد؟

ب- توجیه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با مشروط کردن جهاد به شرایط

روزنامه رسالت ۲۹/۴/۶۷

"سؤال - اگر آتش بس و یا صلح صلحت دارد چرا بعد از فتح خرمشهر صلح را نپذیرفتند. معلوم میشود پیشنهاد ما صحیح بوده و شما اشتباه کرده و محاسبه درستی نداشته‌اید. پاسخ - ... اگر به نقطه‌ای برسیم که با یک اقدام سیاسی و بدون خسارت مالی و جانی بتوانیم دشمن را بشیمان کنیم به مقتضای عقل و منطق باید آتش بس را بپذیریم. ... زیرا شرایط زمانه و مکانی حاکم بر هر پدیده‌ای احکام مختلفی را می‌طلبد. ... پس از آنجائیکه بمباری از حوادث قابل پیش‌بینی نیست و آنجائیکه دشمن با حملات شیطانی و موشکی خود دست به سیمانه‌ترین جنایات می‌زند و آخرین تلذذ خود را برای نابودی ما می‌نماید و ما را از همه سو در محاصره قرار می‌دهد دیگر ادامه جنگ به صلاح اسلام و مسلمین نیست."

قیام امام حسین (ع) نشان داد که فشار نظامی و برتری تسلیحاتی و سرکوبی دشمن و طاغوت زمان نمیتواند باعث تعطیل شدن جهاد گردد. صلح امام حسن (ع) نه به خاطر فشار دشمن بلکه به خاطر

جلوگیری از جنگ داخلی بود (اختلافات داخلی سپاه امام حسن (ع) که حتی به ترور امام اقدام نمودند). طی مبارزه بی‌امان با استکبار جهانی بایستی شیوه‌های مکتبی - نظامی را ارتقا داده و بین بستها را با استخراج و تدوین علم جهاد اسلامی با استکبار جهانی شکست. امام حسن (ع) علیرغم تن دادن به صلح ظاهری با معاویه به خاطر جلوگیری از وقوع جنگ داخلی محتوای قرارداد صلح را خود تعیین نمود و همین محتوا بر استقلال شیعیان و عدم فرارگری آنها در نظام استکباری معاویه تأکید داشت و زمینه‌ای برای کار سازی شیعیان در جهاد با سیستم بنی امیه شد. در واقع امام حسن (ع) با معاویه نکرده بلکه به دلیل عدم انسجام شیعیان زمان قیام و مرحله مبارزه را اولانی کرد تا بسا بالا بردن انسجام درونی علیه سیستم بنی امیه قیام نماید که عریانشان کفایت نداده و امام حسین (ع) این وظیفه را دنبال نمود. امام خمینی نیز جهاد با استکبار جهانی را تعطیل نکرده که بگویم جهاد در شرایط فشار به نفع اسلام نیست. بلکه محتوای پیام ایشان یک جهاد بین‌المللی علیه سیستم استکباری است و به مردم توصیه نموده است که کینه‌های مقدس ضد استکباریشان را در سینه‌ها زنده نگاه دارند تا در

توجه داشته‌باشیم که آنرا با انقلاب شوروی و مصروچین و ... از جایی شروع شد که به تئوری همزیستی مسالمت آمیز یا امپریالیسم رسیدند و سرنوشت و عاقبت این انقلابات بعنوان عبرتی بسرای جهانمان باقی ماند.

زمان مناسب آنرا بر سر آمریکا و سایر جهانخواران خالی کشید. از تمام صاحب نظران دلسوزانه درخواست داریم تا به جای تثبیت تئوریهای عافیت طلبانه با استفاده از تحمیل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به امام خمینی ناخود آگاه در ظلم ستیزی شیعیان در طول تاریخ ایجاد شک نکنند. امام خمینی در بیانشان گفتند "اگر زن و فرزندان و همتیمان را در جلو دیدگانمان به اسارت و غارت برنده هرگز امان نامه گذر و شرک را امضا نمیکنیم." یعنی در هیچ شرایطی با طاغوت زمان سازش نمیکنیم.

نویسنده با استفاده از وقایع اخیر و در تاریخ ۶۷/۵/۲۷ طی سرمقاله‌ای بنام "جنگ و صلح این دو با حق خون بود" گفته است "بر اساس اصل تضاد و عموم و اطلاق آن، هرگز سرمایه داری و کمونیسم نباید در حال صلح و همزیستی مسالمت آمیز باشند. حتی اگر این صلح و همزیستی مسالمت آمیز بعنوان تاکتیک اتخاذ شده باشد. چون از دیدگاه آنها تضاد و مبارزه تعدیل بردار نیست. ... گروه دیگری امروز جمهوری اسلامی را با انما الحیوة عقیده و جهاد" و یا با یکی از اصول دیالکتیک (اصل عمومی تضاد و مبارزه) محکوم می‌نمایند."

اولاً - اصل تضاد از جانب فلاسفه اسلامی چون ملاصدرا قبل از ابداع مارکسیسم مطرح شده است و در متون اسلامی ریشه دارد. انتصاب آن به مارکسیستهایی که تناقض (نه تضاد) را قبول دارند آیا نوعی برجسته‌سازی ناچسب به فلاسفه اسلامی نخواهد زد؟

ثانیاً - بر اساس پیام اخیر امام خمینی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ "حق و باطل" و "رفاه و مبارزه" آشفتگی ناپذیر و غیر قابل جمع هستند و مبارزه آنها تعطیل بردار نیست."

"دشمنان ما و جهانخواران ... به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند. مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ... امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنگها و مرفهین می‌درد شروع شده است. ... مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست. ... آنها می‌گویند هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفه‌های بیدرد با نصیحت و پند و اندرز متنبه میشوند و به مبارزه راه آزادی پیوسته یا به آنان کف می‌کنند، آب در هاون می‌گویند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیا خواهی و آخرت جویی، دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمیشوند."

قرآن کریم نیز می‌فرماید "لکم دینکم ولی الدین" و قائل به آشفتگی ناپذیری حق و باطل است. با نسبت دادن کاذب تئوری "عمومیت تضاد" به مارکسیستهایی که تناقض را قبول دارند، برخی از آیات و روایات و رهنمودهای امام خمینی مارت دیالکتیک خواهند خورد. راه انداختن چنین مارکسیایی از حد اصولی و مسالمت آمیز اختلافات ایدئولوژیک جلوگیری کرده و جو انک و برجسته بدون استقلال را دامن میزند.

نقش "جریان رسالت" در ضربه اخیر (پذیرش زهرنامه ۵۹۸)

امام خمینی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را برخلاف میل باطنی خود و تلخ و ناگوار دانستند. جهت جلوگیری از وقایع تلختر و ضربه‌های بزرگتر لزوم یک جمع بندی از سویی که موجب تحمیل قطعنامه ۵۹۸ به ماست ضروری است. قدام در این مقاله بررسی نقش جریانات داخلی در ایجاد شرایطی است که آگاهانه یا ناآگاهانه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را بدنبال داشت. یکی از این جریانات روزنامه رسالت بود که سیر آنرا در این رابطه بررسی میکنیم. برای روشن شدن نقش سایر جریانات داخلی خوانندگان را به مطالعه سایر مقالات راه مجاهد از جمله "بن بستهای تک گسترده" و "ارجاع میدهم. امیدواریم جهت جلوگیری از ضربه‌های بزرگتر اقدام به یک ریشه یابی و تزکیه درونی از جانب کلیه جریانات داخلی منجمله جریان رسالت صورت گیرد.

توجه داشته‌باشیم که آنرا با انقلاب شوروی و مصروچین و ... از جایی شروع شد که به تئوری همزیستی مسالمت آمیز یا امپریالیسم رسیدند و سرنوشت و عاقبت این انقلابات بعنوان عبرتی بسرای جهانمان باقی ماند.

البته در رابطه با پذیرش قطع نامه نقش فشارهای خارجی دشمن غیر قابل انکار است ولیکن وجود ناسایبیهایی در داخل است که موجب ضربه پذیری در برابر فشارهای خارجی میگردد.

۱- حرکاتیکه به فتح کردن سیاسی - اقتصادی دولت در حال جنگ کمک می نمود

روزنامه رسالت ابتدا دادن مالیات را قیوم شرعی اعلام نمود بدنبال فتوای امام مبنی بر اینکه مالیات حکم اولیه است در یکی از مقالات روزنامه رسالت مالیات دادن به حکومت اسلامی بدون ذکر حد اقل آن یعنی دولت مهندس موسوی شرعی اعلام شد. از ارفاق در مقالات متعدد گاهها تردیدهایی درباره دادن مالیات به دولت آقای موسوی ایجاد میشد. مجموعه این مواضع موجب مخالفت جمع کثیری از هواداران جریان رسالت با مسئله مالیات گردید از آنجا که دولت مهندس موسوی تا حد زیادی بار اقتصاد - سیاسی جنگ را بدوش میکشید، ایجاد چنین ضد مالیاتی شرایط فشاری را فراهم نمود که موجب شد تا برخی از مسئولین ادامه جنگ به شیوه سابق را تئور عملی بدانند.

حمایت بدون مرزندی از ضد و قهاریکه تحت پوشش قرض الحسنه موجب جذب نقدینگی جامعه شده و از این طریق با سیستم بانکی رقابت مینمودند باعث افزون شدن فشار اقتصادی به دولت در حال جنگ گردید. فعالیت بانکی اکثر این صندوقها بدون هماهنگی با دولت کار میگردند خارج از کادر فعالیتهای یک صندوق قرض الحسنه بشمار میرفت ولیکن از پوشش قرض الحسنه در این راه سوء استفاده میشد. اخیراً سوء استفاده برخی از این صندوقها آشکار گردیده است.

روزنامه رسالت علیرغم تأییداتی که از ادامه جنگ تا اجرای عدالت و تنبیه متجاوز داشت و مقالات باارزشی در صفحات جنگ این روزنامه درج شده است با تأیید چنین حرکاتی در تضعیف پشتوانه اقتصاد - سیاسی جنگ به محتوای این مقالات لطفاً زیادی میزند.

۲- عدم یاری امام در مقاومت بر سر نپذیرفتن قطع نامه ۵۹۸

روزنامه رسالت علیرغم اطلاع از متن کامل قطع نامه ۵۹۸ قبل از پذیرش رسمی آن از طرف جمهوری اسلامی اقدام به درج آن ننمود. از این روزنامه که شعارهای سه گانه جمهوری اسلامی را برای اتمام جنگ پذیرفته بود انتظار میرفت تا بر سر عدم پذیرش قطع نامه قبل از پذیرش رسمی آن اقدامی نماید، چرا که شرایط جمهوری اسلامی در قطع نامه ۵۹۸ ملحوظ نشده بود و به همین دلیل بود که امام پذیرش آنرا در حکم نوشیدن زهر دانستند. ساده ترین اقدام این بود که مردم را در جریان متن کامل این قطع نامه قرار میدادند. چاپ متن کامل قطع نامه در روزنامه قبل از پذیرش آن موجب میشد تا دلسوزان انقلاب برخورد آگاهانه تری با آن

ملتهای مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرتها بگذارند.

امام خمینی

نمایند البته در کنار روزنامه رسالت انتقاد فوق به سایر مطبوعات یومیه نیز وارد است.

۳- اصلی کردن شهر نسبت به جبهه و جنگ
با دامن زدن به دو قطبی های کاذب

حرکت روزنامه رسالت در تشدید دو قطبی های کاذبی چون فقه سنتی - فقه پویا (بدون توجه به اینکه در هر دو جریان عملاً قرآن دلیل اول قرار نمیگیرد - ر. ش. به سرفقه فقه سنتی راه مجاهد ۲۲) بخش خصوصی - بخش دولتی (بدون توجه به وابستگی هر دو بخش به نفت) ، و خاکریز دوم نامیدن دانشجویان تحکیم وحدت بطور غیر مستقیم در ریشه یابی جریان سید مهدی هاشمی و... موجب شد تا مسائل شهر و پشت جبهه تا حدی عمده شوند که انگیزه حضور در جبهه را با این توجیه که دولت خط امام در حال سقوط است و... کاهش دهد. درگیری های فوق از طرف دیگر موجب انفعال نیروها و بیکیفیت اساسی فقه را عدالت و مبارزه با ظلم میدانستند گردید. چرا که این دیدگاه عدالت طلبانه از طرف روزنامه رسالت که فقه را در یک سلسله احکام فرعی خلاصه میکرد مارک پیوا ضد قرآن و سنت خور نبود.

عمده کردن "النقاط" در برخورد با جریان های فکری نیز نقش وافر در انفعال جوانان داشت. این جریان به هر خط فکری جدا از خود مارک "النقاط" زده و از این طریق آنها را منزوی یا متغیر می نمود. این شیوه از حل اصولی و سالمیت آموز اختلافات ایدئولوژیک جلوگیری کرده است. **تأسیساتی که** **بصورت مستدل** **با** این منطق ها برخورد کردند. امام در پیام اخیر (پیام استقامت) نیز به این مارک زنی و چماق کردن النقاط جهت انفعال جوانان اشاره کرد و توصیه های در این مورد به روحانیون نمود.

۴- نامه جامعه مدرسین به امام درباره صلح

قبل از پذیرش رسمی قطع نامه ۵۹۸ جامعه مدرسین نامه ای به امام نوشته و در آن خواهان پایان جنگ گردید. حجت الاسلام خلخالی در مجلس شورای اسلامی به این نامه اشاره نمود و آیه الله آتری قوی در شرح خیر آنرا تکذیب نکرده و به اینکه نامه فوق صحنی بوده و تنها امام از آن اطلاع دارد اکتفا نمود. چنین نامه ای از جانب جامعه مدرسین که عمده اعضای آن با روزنامه رسالت بطور رسمی و غیر رسمی پیوند دارند نقش زیادی در فشار آوردن به امام در شرایطی که ایشان بسر سر عدم پذیرش قطع نامه مقاومت مینمود داشت. آیا به جای این حرکات شایسته نبود که امام را در مقاومتش یاری میکردید؟

بازسازی صنایع وابسته یا احیاء کشاورزی و دامداری؟

رسالت ۲۶/۵/۶۷ (سرمقاله)

"سافرت هیما" نهی اقتصادی از کشورهای مختلف بلافاصله بعد از پذیرش آتش بس و ارائه پیشنهادهایی با ظاهر زیبای شرکت در بازسازی ایران پس از جنگ اهدائی را تعقیب مینمایند که نهیاً به آنها میباید: قدرتهایی که جنگ را بنظر براندازی نظام جمهوری اسلامی بر ما تحمیل کردند گرچه بر هدف اصلی خود نرسیدند. ولی از مشکلات اقتصادی ما که بخشی از آن ناشی از جنگ است واقفند و میدانند که برای رفع این مشکلات و بازسازی کشور نیاز مبرمی به ارز داریم و ملاحظه کنند که با توجه به وضعیت بازار نفت و اهرم های فشاری که بر قیمت نفت در اختیار دارند، تنها از طریق فروش نفت آنها با حفظ روند اقتصادی هفت ساله اخیر که یکی از عوامل مهم ایجاد مشکلات بوده، تا همین نیازهای ارزی کشور محقق نخواهد بود و برای رفع این مشکل چند راه بیشتر وجود ندارد ۱- استقراض خارجی ۲- فروش بیشتر نفت ۳- استفاده از اعتبارات اعطائی خارجی. میدانند که جمهوری اسلامی جنگ و کشور را با مشکلاتی اما بدون استقراض اداره نموده و شرایط کشور و جو حاکم اجازه استقراض خارجی را به مسئولین نمیدهد...

اصولاً قدرتهای بزرگ که بازار جهانی نفت را مستقیماً و یا با کمک حکومت های دست نشانده خود اداره می کنند نخواهند گذاشت ایران اسلامی از این طریق مشکلات اقتصادی خود را مرتفع نموده و از این تنگنا خارج شده و فرصت پدید آمده برای امتیاز خواهی و اجرای برنامه های حفظ وابستگی اقتصادی ایران از بیسن برود. تنها راهی که پیش پای هیما نهی اعزای به ایران میماند، پیشنهاد اعطای اعتبار تحت عنوان کمک به بازسازی ایران بعد از جنگ است... اگر اعتبار پیشنهادی بصورت مطلق باشد یا شرایط آن به گونه ای باشد که ایران بتواند از تمام اعتبار یا بخش مهمی از آن بنا به مصالح و نیاز کشور استفاده نماید، از استقراض ضعیف تر و مفیدتر خواهد بود ولی معمولاً اعتبار به منظور خرید کالاهای معینی از کشور اعتبار دهنده پیشنهاد میشود که ماهیت و آثار آن با توجه به نوع کالای پیشنهادی و کشور پیشنهاد دهنده متفاوت می باشد.

بن بست که نظام جمهوری اسلامی در رابطه با راه وابسته فوق روبروست در این سرمقاله بصورت تشریح شده. ولی متأسفانه راهحلی برای خروج از این بن بست ارائه نگردیده است. چنانچه برخوردی ممکن است به تشدید و تقویت اضطراب و بن بست مذکور کمک کند.

بنظر ما علت رسیدن به چنین سمرای وابسته ای در این است که جهت بازسازی پس از جنگ به صنایع وابسته بیشتر از تولیدات کشاورزی و دامی و صنایع کوچک توجه میشود. طبعاً جهت احیاء صنایع وابسته چاره ای جز تهیه ارز از طریق استقراض و فروش نفت و اعتبارات خارجی نخواهیم داشت حال اینکه بایستی در مورد بازسازی صنایع تحمیل نموده و استعدادهای مالی و انسانی کشور را در مسیر حل تضادها و مشکلات کشاورزی و دامداری و صنایع کوچک مستهل و نیمه مستهل فعال کنیم و به تناسب ارتقاء سطح تکنولوژی مان صنایع را گسترش دهیم. در این چند ساله علیرغم شعار تکیه بر کشاورزی و دامداری در توسعه اقتصادی عملاً بر صنایع مونتاژ و غیر مستهل تکیه شده است و در زمینه کشاورزی و دامداری که قدرت و توان بالایی برای خود گذاشتن داریم مشکلات فقهی سیاسی مدیریت و برنامه ریزی لاینحل مانده است که نیاز به سرمایه گذاری و احیاء دارد.

آیا امکان همزیستی مسالمت آمیز با امپریالیسم جهانی وجود دارد؟

رسالت ۲۶/۵/۶۷ (سرمقاله)

شاید امروزه در سطح جهان دولتی را نتوان یافت که هدف و غرضش در روابط بین المللی صرفاً مسائل انسان دوستانه یا خیرخواهانه باشد بلکه هر کشور سعی در جلب منافع بیشتری در مقابل طرف خرید دارد اگر طرفین رابطه از لیاقت و کارایی و تدبیر لازم برخوردار باشند تعالی در روابط آنها پدید خواهد آمد. داشتن این نوع رابطه یا گسترش آن اشکالی ندارد.

در رابطه با خوش بینی نویسنده به امکان همزیستی مسالمت آمیز با امپریالیسم جهانی به یک تجربه تاریخی اشاره مینمایم که جیمز بویل استاد رشته تاریخ و استراتژیست امریکایی در کتاب عقاب و شیر به آن اشاره نموده است. "پس از ملی شدن صنعت نفت دولت مردمی مرحوم صدق با تحریم سیاسی - اقتصادی گسترده ای مواجه شد که با توطئه انگلیس و روسیه فزونی بود. دکتر صدق جهت احقاق حقوق ملت ایران در مبارزه با استعمارگران پیشنهاد مذاکره هیات های امریکایی را رد نمود ولی از آنجا که مذاکرات نه تنها از اصول نهضت عقب نشینی نکرد بلکه بقول جیمز بویل با دیپلماسی خاص خود سیاستمداران امریکایی را فلج کرده بود. دولت امریکا با انگیزه جهت براندازی دولت مردمی ایشان ثابت قدم گردید. امریکاییها با مشاهده اینکه نتیجه ای از مذاکرات جهت برقراری رابطه های استعماری نیکیوند بجای تعدیل در روابط و اکتفا بر ابهامی معتدل تر به جمع بندی کودتا علیه دولت صدق رسیدند تجربه فوق موبد این مدعاست که حتی با وجود سیاستمداران مدبیر و لایق استکبار جهانی تعدیل نخواهد شد بلکه با ناامیدی از تعدیل یک نهضت که جمع بندی سرکوب و براندازی آن خواهد رسید به عبارتی اقتضای ماهیت شیطان بزرگ بر ابهامی استعماری قرار دارد. تصور برقراری رابطه ای عادلانه با شیطان بزرگ یعنی امپریالیسم جهانی به

سرکردگی امریکا اگر ناشی از یک ساده اندیشی نباشد از افزایش خاص سیاسی - اقتصادی ناشی میشود. و تکیه امام خمینی میباید بر هدایت سرمایه داران از طریق ارشاد ممکن نیست طبعاً تصور اینکه سرمایه داری جهانی بواسطه مذاکره دست از شیوه های استعماری خود بردارد غیر محتمل است. اختلاف بین خلق های مستضعف و سرمایه داری چپا و لگر جهانی در قالب شرکتهای فراملیتی قابل تعدیل نیست و استکبار زبانی جز زور نیشناسد. بقول امام دعای ما برای ریگان آرزوی مرگ برای او است طبعاً ریگان یک فرد نبوده و منظر از ایشان دولت امریکا و مدیریت شرکتهای فراملیتی است. بهتر بود که نویسنده روشن میکردند که استکبار جهانی در تاریخ حیات خود با کدام دولت انقلابی حاضر به برقراری رابطه ای عادلانه شده است و آیا حق قادر است در کنار باطل و بدون مبارزه با آن رابطه ای عادلانه داشته باشد؟ لازمه تحقق عدل در مبارزه با ظلم جهانی براندازی آن است توجیه داشته باشیم که انحراف انقلاب شهری و صحرایی و چین و... از جایی شروع شد که به تئوری همزیستی مسالمت آمیز با امپریالیسم رسیدند و سرنوشت و عاقبت این انقلابات به عنوان عبرتی برای جهانیان باقی ماند.

بقیه مقاله اصول سیاست خارجی و صدور انقلاب از دیدگاه شهید محمد منتظری

هم شروع میکنند علیه امریکا ضربه زدن و به جای اینکه آن همه نیروهایش متمرکز بشود علیه ایران تقسیم میشود در ۲۰ جا در ۱۰ جا این ۲۰×۲۰ است حالا اینها برای چی میگویند برای این میگویند که یک منطقی در ایران هست و میگویند ما اول مشکلات خودمان را حل کنیم و بعد مبرسم به مشکلات دیگران. اول سروسامان به وضع خودمان بدهیم بعد به دیگران برسیم. من میخواهم عرض کنم که اگر ما به دیگران برسیم دشمن نمی گذارد که ما وضع خودمان را درست بکنیم. اگر ما بخواهیم وضع خودمان را درست بکنیم یا بعد اینکار بشود تا فرصت داشته باشیم. چون دشمن نیرو دارد نفوذ دارد و تجهیزات دارد ساز مانها دارد.

راه جاهل

در این قسمت شهید محمد منتظری به نقد نظرانی می پردازد که در سیاست خارجی ما نسبت به صدور انقلاب و حمایت از نهضت های رهائی بخش وجود دارد. این نظرات و تئوریا هم اکنون نیز به شکلهای مختلفی مطرح است.

عده ای از تئورسینهای پس از انقلاب نظرانی را مطرح میکنند که بعضاً لزوم صدور انقلاب را به زیر سؤال میبرد و متأسفانه عده ای از انقلابیون و افراد دلسوز نسبت به حفظ ارزشها و ماهیت انقلاب نیز بتدریج این تئوریا را پذیرفته و از آن دفاع میکنند. یکی از این تئوریا مسئله حفظ امنیت ملی ایران و عدم دشمن تراشی است. این نظریه مطرح میکند که مابرای حفظ امنیت جمهوری اسلامی لازم است نسبت به دولتها موضع خصمانه آشکاری نگیریم که موجبات تحریک آنها را فراهم کرده و علیه ما برانگیخته شود. هر چند که نزد خود باید این دشمن را حفظ کنیم. البته از لوازم اجرای چنین سیاستی این است که ما از نهضت های مردمی که در این کشورها بسر علیه دولتهای وابسته اشان بوجود آمده اند حمایت مالی و تشکیلاتی و سیاسی نکنیم و بدینصورت صدور انقلاب صرفاً بشکل یک کار فرنگی محدود در می آید که هیچگونه قدرت اجرایی ندارد.

جای این سؤال نیز باقی است که ما چگونه میخواهیم نظام خود را به عنوان یک نظام اسلامی حفظ کنیم در حالیکه قرار است در مقابل فریاد یا للمسلمین مظلومین جهان ساکت و خاموش باشیم و چگونه میخواهیم بدون عطل به دستاورد های انقلاب (از جمله صدور انقلاب) نظام را در محتوا اسلامی نگه داریم. در حالیکه نظام اسلامی نظامی است که دائما در حال تهدید منافع مستکبرین در همه نقاط دنیاست.

حفظ نظام نیز برای حفظ ارزشها و ماهیت نظامی با زیر پا گذاشتن ارزشها حفظ نخواهد شد. باید هوشیار بود که تزهایی مانند تزامنیتهای ملی ایران عدم دشمن تراشی خروج از انزوا بین دولتها و... تبدیل به حفظ امنیت مستکبرین نشود چرا که در این نظریه ها باید منافع آنها را به رسمیت بشناسیم تا آنها نیز فشار خود را بر ما کم کنند و ظاهراً امنیت ما را به خطر نیندازند. در حالیکه امنیت انقلاب اسلامی در حفظ امنیت مستضعفین و محرومین و مبارزه بر علیه منافع مستکبرین سرمایه داری جهانی است.

در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد.

بای صحبت بقیه از صفحه ۴

خودمان بازگردیم این حوزه ها از اینصورت بیرون آمده و مکتب امام صادق ع زنده خواهد شد. آیتا. خوبی اوایل درباره قرآن کار ارزنده داشتند. تفسیری نوشتند جلد اولش بنام البیان منتشر شد. بعد تعطیل شد. پرسیدند از ایشان که چرا تفسیر را تعطیل کردید؟ عذری آوردند که مفهومش این بود که مفسر در نظر مردم اعتبار لازم راندارد. به ایشان گفته شد که آقای علامه طباطبایی در قم تفسیر قرآن را ادامه میدهند آیتا. خوبی گفته بودند ایشان خودشان را اضحیه کردند. (یعنی در واقع قربانی شد من - سیستم آموزشی حوزه بدین شکل می باشد که هر که بیشتر درس بخواند کمتر برای ارشاد و هدایت مردم تلاش می کند. از قبیل کتاب نوشتن، منبر رفتن، درس اسلام شناسی و... علت این چیست؟

ج - در حوزه ها طلاب به شیوه ها و مقاصد گوناگونی تحصیل می کنند: بعضی فقط قصد مرجع تقلید شدن را دارند و وظیفه اصلیشان را در حکم و فتوا دادن می دانند. آنهاچندان با مردم نمی توانند رابطه مستقیم پیدا کنند.

چون علمایی که بیان کننده احکام و قوانین اسلام بودند بیشتر مرجع حواصی مردم بودند تا خود آگاه این احکام و فقه و رساله خودش مینا و محور شد و تدریجاً "مباحث اعتقادی و بنیادی قرآنی" کنار گذاشته شد.

بعضی از این طلاب که می خواهند در ایام تعطیلات حوزه (محرّم - صفر - فاطمیه - رمضان) برای سخنرانی بطرف روستاها و شهرهای کوچک بروند، ناچار میشوند مطالعات مختلفی داشته باشند، تا واعظ نسبتاً خوبی شوند. اینها بعد از کسب تحریر و بیختگی لازم بطرف شهرهای بزرگتر میروند و گاهی هم تجار بزرگ از آنها دعوتیه موعظه می کنند. در حوزه های علمی دروسی که بتواند واعظ و مبلغ بسازد رایج نیست. طالب مقام و عـظ و تبلیغ باید شخصاً مطالعاتی را دنبال کند. نیاز مردم طلبه ها را اوادار کرد که فکری برای وعظ و تبلیغ بکنند و کلاً این جریان رابطه بین حوزه ها و شهرها را بوجود آورد و مکتب اسلام و دارالتبلیغ و موسسات دیگر شکل گرفت و کلاً تشکیلات روحانیت از این رابطه حوزه و شهرها بوجود آمد. آیت اله شریعتمداری نیز در ایجاد این روابط بی اثر نبود. دلیل دیگر که باعث میشد مراجع برای مردم صحبت نکنند یا مطلب ننویسند فشار حکومتها بوده است. در رژیم گذشته اینها عمدتاً اهل تقیه بودند. مراجعی هم بودند که بی پروا و مخلصانه و جانفشانه به بیداری مردم برخاستند. مراجع معذوراتی داشتند که نمی توانستند با مردم راحت در تماس باشند. اجتهاد در اسلام

س - شعاع رنوشته هایمان معتقدید که اساس رابطه بین علما و مردم تعلیم و تعلم است نه تقلید و اجتهاد بمسبک رایج. در این زمینه دلایلتان را برای روشن شدن مطلب توضیح دهید.

ج - در اسلام صحبت از تبعیت است نه تقلید. طبیعی است که هر جا جاهلی باشد باید تبعیت از عالم کند. جاهل گاهی بسراغ عالم می رود که خودش عالم شود. و گاهی فقط میخواهد وظیفه اش را انجام دهد. مثل بیماری که نزد طبیب می رود و درمان بیماریش را می پرسد. در صورت دومی کسی مراجعه می کند که به او وثوق ایمانی و علمی داشته باشد. در اینصورت مسئله تعلیم و تعلم مطرح نیست، بلکه تقلید است و یک ضرورت اجتماعی و قرآنی نیازی بآن احساس نکرده که مسلمانان را موظف به تقلید کند. سفارشات قرآن همه به تعلیم و تعلم است.

تشیع که مکتب واقعی اسلام است، تقلید را بمعنائی که امروزه مصطلح است هرگز از مردم نمی خواهد و پیروان اسلام در شیعه هرگز از مردم اطاعت محض و تسلیمی را نپسندند. شیعه از پیغمبر خدا روایتی کند که رسول خدا می گفت سه چیز است که دل مرد مسلمان در آن خیانت نمی کند: در اخلاص عمل برای خدا، نصیحت به امامان مسلمین، التزام در جماعتشان "ثلاث لا یغل علیهن قلب مسلم، اخلاص العمل لله و النصیحه لائمة المسلمین و الالتزام لجماعتهم". تشیع میگوید که تقلید (بمعنی قبول بدون دلیل از غیر خدا و رسول جایز نیست و هر کس حکمی را بدون دلیل از غیر مقام عصمت بپذیرد آنکس را عبادت کرده است. امیر المؤمنین ع فرمود من سمع رجلاً نقذ عبده، یعنی هر که برای دیگری سراپا گوش شود (نه هوش) او را عبادت کرده است. ائمه شیعه می گفتند هر سخنی از ما شنیدید دلیل آنرا بخواهید (ان اسمعتم منا حدیثاً فاستدلونا بینه هونی کتاب الله). اینها همه می فهماند که قبول در بین و شریعت و ولایت هیچکدام بمعنای قبول بدون دلیل (تقلید) نیست.

همه اطاعتها در اسلام مشروط به علم و آگاهی قبلی است و مکلف باید احکام خدا را بشناسد تا فرمان رسول خدا را بپذیرد. باید احکام کتاب و سنت را بداند تا حکومت امام را قبول کند. باید از کتاب و سنت و سیرت معصوم آگاه باشد، تا مرجعیت فقیه برایش مسلم شود. پس فقیه در اسلام (در اسلام) که تشیع می شناسد (فقط برای بیان احکام دین

و شریعت نیست بلکه برای رهبری در همه شئون و حوائج مسلمانان است. اگر تقلید را به همان معنای مشهورش (قبول بلا دلیل) بگیریم این تسلیم است و جز در برابر خدا یا معصوم روان نیست. گفته کسی را بدون دلیل باید پذیرفت که در او احتمال خطا و سوء نیت نهیم. ما وقتی از پیغمبر خدا می پذیریم که قبلاً پیغمبرش را دلیل اثبات شده و بدانیم که سخنانش زائیده افکار بشری نیست بلکه وحی و رسالت است. اما غیر معصوم که خودش اعتراف به جهل و خطای کند، چگونه می شود تسلیم محض او شد و بدون اقامه دلیل گفتارش را پذیرفت. ما از انبیا معصوم اصل دین و شریعت را بدون دلیل نپذیریم یعنی تا حقایق و عصمت آنان بر ما ثابت نشد تقلید نکردیم و تسلیم نشدیم چگونه از سواب ایشان که فرغند بدون دلیل قبول کنیم و تسلیم شویم؟

در تاریخ تشیع و اسلام می بینیم کسانی از ائمه معصومین نیابت خاص داشتند، معذالک مورد اعتراض مردم قرار گرفته اند و ائمه به ایراد و اعتراضی که مردم بر آنها داشته اند گوش داده و رسیدگی کرده اند. نمونه اش عثمان ابن حنیف از طرف حضرت علی ع در بصره و ابن عباس رمله و علی ابن حمزه بطائنی از طرف موسی ابن جعفر هستند که معصوم ع با اعتراض مردم درباره آنان ترتیب اثر داده است.

خلاصه گفتار اینست که آنچه در اسلام واجب است تعلم است که طالب گوی باید دنبال شود، نه تقلید که حتی الامکان باید از آن آزاد شویم. حکم اولیه می گوید خودت را از جهل در بیاور. حکم ثانویه می گوید اگر نتوانستی عالم شوی فعلاً از کسی تقلید کن که مورد وثوق و اطمینان باشد و این یک دستور موقت است. بنابر وظیفه اسلامی سبب آن تقلیدی که (اطاعت محض) است و مانع رشد عقل و دل باید مبارزه کرد.

س - اینکه شما می گوید وظیفه جاهل است که بیاموزد، وظیفه علما در مقابل مردم چیست؟

ج - خداوند قبل از جاهل از عالم پیمان گرفته که علم خود را به مردم برساند. در گذشته طبیب سیار بود. بدنهای بیمار می گشت. عالم نیز باید بدنهای جاهل برود نه اینکه در خانه بنشیند. حضرت محمد ص خودش بدنهای عوام میرفت. در قرآن هم همیشه می گوید ما رسولان را فرستادیم بسوی شما نه اینکه رسولان بنشینند تا مردم به سراغشان بیایند.

س - ما مشاهده می کنیم عده ای از جوانان پر شور و علاقه مند به شناخت اسلام را که با این نیاز به حوزه ها رو آوردند ولی پس از چند ماه که با آموزشهای حوزه آشنا شدند زده شده و بدانشگاه و یا جاهای دیگر برگشتند علت چیست؟

ج - علتش همین است که وضع حوزه ها پاسخ گوی نیازهای موجود جوانان پر شور نیست بیشتر فقهای ما چشمشان را از نیازهای مردم بسته اند، زیرا اغلب از کسانی هستند که دانشگاه و مدرسه رانده اند. شهرهای بزرگ را مشاهده نکرده اند و قهرآباد نیا و زمان خویش آشنا نیستند. لذا مطالبشان مربوط به قرون گذشته است.

س - منظور از تفقه در دین چیست؟ چون نظرات مختلف است بعضی می گویند باید به جنبه رفت و آنجا تفقه در دین کرد، عده ای می گویند برای اینکه تفقه کنیم اصلاً نباید وارد میدان مبارزه و سیاست شد چون از در عقب می مانیم.

ج - با همه اختلافات در یکجا همه مشترک هستند و آن اینک باید حتماً در جامعه عده ای فقیه باشند و دیگر اینک برای امر تفقه باید کوچ کرد باید حرکت کرد. لیتفقوا فی الدین

در قرآن هر جا صحبت از بقیه من الصلوة شده زکات و انفاق را هم گفته است "منافق" و "منفق" فرقشان این است که منافق شکاف ایجاد کن است و منفق شکاف پرکن است. اسلام برای این آمده که شکافهای طبقاتی را بردارد. جامعه اسلامی مستضعف و مستکبر و دو قطبی نمی تواند داشته باشد.

(آیه ۱۲۲ سوره توبه) می گوید چرا کوچ نمی کنید و از شهر و دیار خود خارج نمی شوند. فقیهی که نمی داند در کشورهای اسلامی چه خبر است فتواهایش در محدوده روستای خودش است. پس باید یا خودش برود و دنیا و جهان اسلام را از نزدیک ببیند نظیر سید جمال یا افراد مورد وثوق برایش خبر آوردند. حتماً باید دید بازی داشته باشد.

س - امام خمینی در پیام حج گفته اند جهاد در رأس احکام است این سؤال پیش میاید چرا در رساله های عملیه مراجع تقلید اساساً باب جهاد حذف شده است؟

ج - علت این است که فقها محل رجوع این مطالب نبودند. فقها در جامعه ای بودند که نمی توانستند جهاد بکنند، امر بمعروف و نهی از منکر بکنند. اینها در دست دولت بود. نیازی پیش نیامده بود. البته بخشیده نمی شوند لاقلاً امر به معروف و نهی از منکر باید میکردند. علت دوم این است که رساله نویسها خود مجتهدین نبودند بلکه فضلاء دوم و سوم بودند. رساله های می نوشتند و می آوردند نزد مرجع آن وقت و مجتهد اگر قبول داشت امضا می کرد و گرنه یک پاورقی به آن اضافه می کردند. اغلب فضلاء دوم و سوم یا اهل تقیه بودند و یا احتمالاً حسن نیت نداشتند. لذا مطالب انقلابی را حذف می کردند.

مطلبنا خود کفاد و رسا و زمامد ما است برا استقلال و خودکفایی زمينه ها ديگر

زمینه سازان ... بقیه از صفحه ۳

شرایطی که امکان نفوذ دشمن در صفوف نیروهای ما زیاد بوده باعث آن میشد که عملیات بدلیل پر خرج بودن توان اقتصاد ما را بحدت کاهش داده و چشم انداز مقاومت درازمدت را در نظر دست اندرکاران جنگ غمناک ممکن مساخت . بعد از اختتام دوره دفع تجاوز می توانستیم جنگ را به صورت جنگهای چریکی و نفوذی محدود امانه نهم که هم کم خرج و کم تلفات بود و هم در سطح جهانی نیروی را علیه ما بسیج نمیکرد . با بکارگیری شیوه عملیات چریکی و نفوذی تلفات و ضایعات نیروهای ما به حداقل میرسد . تمامی مؤیدین آن شیوه نظامی در آماده سازی زمینه تحمیل قطعنامه نقش داشتند .

شیوه‌هایی نیز از سوی ما در جنگ بکار گرفته میشد که قیام مردم عراق را به تاخیر انداخته و حتی به نسبتی موجب تثبیت نظام بعثی آن نیز میشد (۱) برخی از این شیوه‌ها را به صورت زیر می توان بر شمرد :
- شیوه مقابله بمنزل موشکی که باعث رویاروی قرار گرفتن جمهوری اسلامی با خلق عراق میشد . دولت عراق با شیوه‌هایی نظیر برپایی تشیع جنازه و تحریک احساسات از آن بعنوان وسیله ای در جهت تثبیت خود در میان مردم و انگیزه میداد نمودن نیروهای خود سود می برد .
- جذب گروههای شیعه عراقی به ایران

رفته و نهایتاً به جریانی تروریستی و ستون پنجم برای دشمن تبدیل شوند .
تمامی آنها تکیه بجای حل مشکلات فکری ضربه ۵۴ مجاهدین و پاسخ گوئی به آنها و دورهای امپدولوزیک به تخطئه آنها پرداخته و با شیوه‌های سرکوب و تحت فشار قرار دادن و کتک زدن هواداران جوان آنها در معابر عمومی خواسته رجوی را برآورده کردند .
تمامی آنها تکیه با نفی ارزش نهادن و ملاکهای ارزشی این جریان بهانه بدست رجوی دادند و سعی نکردند که با تأیید نیروهای جان برکف و مخلص مانند شهدای بنیادگذار و دیگر شهدای ایثارگر این جریان آنها را از دست رجوی گرفته و از آن انقلاب نمایند و مانع از وارونه جلوه دادن حقایق و ضد مجاهد نشان دادن خط امام توسط رجوی شوند . (کما اینکه در مورد دو تن از شهدای این سازمان : شهید شریف واقفی و شهید صمدیه لیاق . این کار را کردند) در از دست رفتن جوانها و تقویت دشمن و ایجاد زمینه برای تحمیل قطعنامه نقش داشتند .
آنها تکیه با ایجاد جریانهایی مصنوعی سعی در اجرای شکلی برخی احکام میکردند بجای مبارزه با ریشه اصلی تروریسم و با کتک زدن کم جابها باعث افزایش نفی و ترگیری های اجتماعی میشدند در ایجاد زمینه برای پذیرش این قطعنامه نقش داشته اند . چرا که اینها نیروهای

جنا میشدند . گرچه این تحلیل و تحلیل غلطی از این طبقه می باشد و با بکارگیری شیوه‌های اسلامی توان جذب و هدایت این اقشار را داشته و ناریم . لیکن حتی در صورت تحلیل آنها ما این شیوه‌ها دور شدن آنها را از نظام اسلامی تسریع میکرد .
- آنها تکیه بجای پیروی اقتصادی غیر متکی به درآمد نفت و تقویت پایه اقتصادی مملکت و تکیه خود را بر گسترش واردات نهادند . بجای پیگیری جدی مسأله تقویت کثا ورزی یعنی مخالفت با تصویب و اجرای طرح تقسیم منابع زمینهای کثا ورزی زمین کشاورزان پراختند

شرکت نمی‌جست . اینگونه دوری از سنت بهامیر وائمه (که خود مستقیماً در جنگ شرکت میکردند) باعث کم شدن انگیزه عده ساری و شرکت نکردن آنها در جنگ میشد .
آنها تکیه دولت در حال جنگ جمهوری اسلامی را تضعیف میکردند . بجای برخورد معاضات نه سعی در پرونده سازی و تبلیغات مسموم علیه آن مینمودند و علیرغم هدایای امام از خط خود دست برنمی داشتند .
تضعیف دولت موجب تضعیف قدرت اجرایی دولت و تضعیف بنیه داخلی می گردید .
تمامی آنها تکیه در تضعیف دولت سهم داشته اند و با در مقابل خط

آنها تکیه بجای پیروی اقتصادی غیرمتکی به درآمد نفت و تقویت پایه اقتصادی مملکت ، تکیه خود را به گسترش واردات نهادند و آنها تکیه

تضعیف پایه اقتصادی مملکت و تسنوم وابستگی مسائلی روزمره اقتصادی به در آمد نفت از عوامل تضعیف توان مملکت در مقابل دشمن و زمینه ساز پذیرش قطعنامه بود .
- آنها تکیه با وجود در دست داشتن وسائل ارتباط جمعی متن قطعنامه ۵۹۸ را که تمامی بحثهای سیاست خارجی کشور در یکسال گذشته حول آن می چرخید به اطلاع مردم نرسانند . تا آگاهی مردم باعث هدایت مسئولین و تقویت آنها در استنادگی در مقابل این توطئه بین المللی شود ، در حقیقت رسالت خود را انجام ندادند و به درجاتی در ایجاد زمینه تحمیل این قطعنامه نقش داشتند .
آنها تکیه با محروم نگه داشتن مردم و نیروهای مردمی از اطلاعات و اخباری که دشمن از آنها اطلاع داشت خود را از نقطه نظرها ی اصلاحی و تقویت کننده نیروهای کارآمد داخلی محروم کرده و میکنند .
مردم را حتی محرم امراری که دشمن از آن مطلع است نمیدانند .

تضعیف دولت - سکوت و معاشات می کردند در زمینه سازی تحمیل قطعنامه نقش داشته اند آنها تکیه که با سیاستهای غلط اقتصادی و یا بمنظور التیام بخشیدن موقت به ناراضی ها ، خطر رفاه طلبی و مصرف زدگی را گسترش می دادند . گسترش روحیه رفاه طلبی در تضاد با خط ادامه جنگ و تداوم حالت جنگی که طبعاً محرومیت - هائی را برای همه در بر داشت بود .
این شیوه خود از زمینسازهای مهم تحمیل قطعنامه بود .
آنها تکیه با علم به تمامی این ضعفها در هدایت دادن و آگاه ساختن مسئولین و مردم از خطرات این شیوه‌ها کاهلی - و به این وسیله به تداوم این ضعفها کمک می نمودند .

توجه نکردن به زمینه سازی تحمیل این وضع نامعوار هم ما را از دست یابی به تحلیل صحیحی از اوضاع اجتماعی و توان نیروها دور میکند و هم امکان ایجاد چنددستگی و تشدید اختلافات را افزایش میدهد .

و سازماندهی و استفاده از نیروهای آنها در جبهه های جنگ ما این امر باعث آن میشد که نیروی مبارزین عراقی کمتر مصروف مسائل داخلی خود و طبعاً حرکت چشمگیری هم در مردم عراق علیه حاکمیت کشورشان بوجود نیاید .
- کم بها دادن به رشد مردم عراق ، کم توجهی به مسأله ناسیونالیسم در میان اعراب و ... شیوه‌های فوق همگی عواملی بودند که دشمن را در مقابل با نیروهای ما قوی مینمودند .
تمامی کسانی که این شیوه‌ها را تأیید میکردند و با تداوم آنها نقش داشتند در ایجاد زمینه پذیرش این قطعنامه مؤثر بوده اند .
برخورد نفسی با جریان تاریخی مجاهدین باعث آن شد که بسیاری از جوان - های پر شور و مبارز کشور ما به نام باند منحرف رجوی افتاده و نیروی آنها - که می توانست بعنوان پفتوانه ای برای - حفظ و تداوم انقلاب بکار گرفته شوند

را که بدلیل فرهنگ منطقی نظام گذشته - فاصله بیشتری با اسلام داشتند و در طول سالهای پس از انقلاب بتدریج به اسلام نزدیک میشدند ما از نظام اسلامی زده میکردند .
مسئولین هم برخاسته از تبعات ساخته شده در خیابانها می شدند ، ما این جریان را تأیید میکردند و با در مقابل آن سکوت میکردند . سکوت و تأیید مسئولین باعث میشد که کتک خورده‌ها که اکثرآ خانوادها ی تکنوکرات و درس خوانده‌ها و ... بودند نظام راهم در خط این جریانها بدانند . نسبت به جمهوری اسلامی بی انگیزه عده ابتدا کم کاری نموده و سپس راه خروج از کشور را پیش گیرند .
با به عناصری نفوز و تضعیف کننده نظام تبدیل شوند .
جنا کردن این اقشار از نظام اسلامی ، خود در تضعیف توان نظام در مقابل با دشمن نقش داشته است و این امر از زمینه سازهای تحمیل قطعنامه بود . ممکن است گفته شود اینها به هر حال از نظام اسلامی

شرکت ندادن خبرنگاران سیاسی داخلی در تصمیم گیری ها و در ارائه راه حل های مناسب برای اناره امور جنگ از عوامل مهم تضعیف نظام جمهوری اسلامی در مقابل عراق و زمینه ساز تحمیل قطعنامه ۵۹۸ بود .
آنها تکیه حضور در جبهه های جنگ را سه طلاق کرده بودند ، بخصوص آنها تکیه در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی هم نداشتند ، از عوامل مهم ضعف شدن جبهه های جنگ بودند .
رسم بسیار بدی بوجود مده بود که همه مسئولی در اصل جنگ

پاورقی
(۱) برای اطلاع تفصیلی مراجعه شود به مقاله ریشه یابی ضربه های قاتل و غلجه - راه مجاهد شماره ۴۷ خرداد و تیر ۶۷

راه نام تمام آن روز بگشاده بال و پر ، با سر به سوی وادی خون رفته ، گفتیم : دیگر به خانه با زخمی گردم . امروز رفتیم به پای خویش ، فردا ، با بدرامه خانه بیاورند بر روی دستها ، اما حتی ترا به خانه نیاوردند . گفتند : چیزی از او بجای نمانده است جز راه نسا تمام . شهید گمنام مفقود الاثر

آرزوی که وابسته شوم ، امریکادیکر به شعارهای سیاسی و اسلامی ما کاری نخواهد داشت . چرا که همه اهرمهای لازم برای کنترل انقلاب را در دست خواهد داشت .

معرفی کتاب

فلسفه احکام یا منشا اوامر و نواهی

از دیدگاه امام خمینی

نتیجه گیری:

۱- مبنای استنباط احکام فطرت عشق به کمال مطلق و تنفراً ز نفس است.
۲- این فطرت از آنجا که فطرت عشق به کمال مطلق است ثابت بوده و با تغییر شرایط و تغییر زمان و مکان، با تحول تکنولوژی و ابزار تولید تغییر نمی یابد. بنابراین احکامی که برای بقای این فطرت و زنده کردن آن است نیز ثابت و تغییرناپذیر بوده و ولی در هر شرایطی شیوه‌ای متناسب با زمان و مکان در جهت بقای این فطرت ارائه شده است و این دنیا مسم فعال فقه شیعیه و با زیودن با اجتهاد است. بدین لحاظ الف- فقه شیعیه همیشه همستا زمان بوده و همما مکانات و لوازم موجود در جهت بقای فطرت را بکار میگیرد.
ب- هیچگاه تابع شرایط نشده و با عقب نماند. عوام زده و جو زده نمیگردد.
چرا که هدفدار و در مسیر مشخص حرکت میکند.

وقتی مبنای استنباط احکام این فطرت عشق به کمال مطلق و تنفراً از نفس باشد معلوم است که:
اولاً- عقلی که برای استنباط احکام بکار گرفته میشود عقلی است مبتنی بر این فطرت کدام فطرت؟ نه فطرتی که مساوی است با بدیهیات اولیه ارسطوئی بلکه فطرتی که عاشق کمال مطلق است و این عشق را بدیهی و اولیه می ناند.
ثانیاً- این تعریف از فطرت ما را بسند عرفان منزوی و فردی که مبنای این فقط عشق به کمال مطلق (خدا بی بدون خلق) است نمیندازد و چون وجه منفی و عرضی فطرت اصل (فطرت انزجار از نفس) را در نظر گرفته است لذا در محله زندگی فردی و اجتماعی نیز

جزای اوست. و به طور خلاصه بیشتر احکام الهی یا مقتضای فطرت مطلق است یعنی مربوط به آن است که حجابهای نفس را برناخته و مقتضای فطرت را زنده کند و مقصود اصلی آن است که معرفت حاصل شود و آدمی خود را به آستانه دوست برساند. سزاوارت ما و آستان حضرت دوست که هر چه بر سر ما سرور و عنایت است همه این تفضلها از عنایات خداوند تعالی است بر بندگانش تا آنرا از زینت و طبیعت آزا ندوده و به جایگاه مقربین و قرارگاه مخلصین بازگرداند. پس تکالیف الهی همه الطاف الهی است و بنا بر این است بر تانی برای درمان روحهای بیمار و دلپهای ناخوش و بیامیران الهی اطباء نفوس و مرتبان ارواحند، که با گردان حق را از تار و پود آنها به نور ببرد و از نفس به کمال رسانند بلکه نا را حتمهای برزخ و مواقف قیامت نیز از عنایات الهی است بر بندگانش تا کارشان به دوزخ نماند که هر موقفی برای انسان همچون بیمارستانی است که خداوند تعالی آنرا از این بیمارستان به بیمارستان دیگر می برد تا بیمارهای روحیشان یکی پس از دیگری درمان شود و اگر خدای نخواسته در این بیمارستانها درمان نپذیرفت

دیگری تبعی. فطرت اصلی عبارت است از عشق به کمال مطلق و فطرت تبعی عبارتست از فطرت انزجار و تنفراً از نفس یا شد که آدمی این دو فطرت را بر ابراق سرور و زلف معسراج خود سازد و با این دو حال به آستانه اصلی که آستان حضرت دوست و درگاه اوست بر سر او از کند مرغ باغ ملکوتی نهم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اندازند ای خوش آنروز که پرواز کنیم تا بر دوست به هوای سر کوچه برویالی بزنیم و ما احکام فطرت را در بعضی از رسالهها و کتابها بطور تفصیل نگاشته ایم. مخصوصاً در رساله‌ای که از پیش شرح حدیث جنود عقل و جهل نوشته ایم. ولی در خلال شرح مختصراً از نوشته‌های زمانه و قلم آنجا رسد سر بشکست و تا کنون توفیق الهی شایسته ندیده تا آن شرح را تمام کنم و خداوند تعالی گرفتارم نمود که به احکام کثرت دچار گشتم و با زحمتی را ثنا گو سپاس گزارم و شکایت جز به دوست نبرم و به غیر او اتکال نکنم.
زان باریلنوا از دیگری است با شکایت گردنکنده ان عشقی بشنود این حکایت خداوند تعالی پس از آنکه فطرت تو حید و فطرت معرفت را در انسان نهاد او را به دست فطرتش سپرد و در راهی ساخت زیرا میدانست که به واسطه گرفتاری به قسوی حیوانی شهوت و غضب و قوه شیطانی و همه بزودی از نور فطرت محجوب خواهد شد و او را جهت آنکه این قرار را از ابتدا خلقت به انسان عطا نمود آن بود که انسان در زندگی و بقای شخصی و نوعی و نیز در ترقی و سلوک بسوی خداوند تعالی به این قوا احتیاج داشت و می توانست از این قوا به نفع زندگی مادی و معنوی بهره برداری کند ولی به واسطه میل طبیعی که به این قوا داشت همین قوا حجاب چهره جانتر شد و مانع راه سلوک گردید. از این رو خداوند تعالی بیمارانی را برای بشارت و انداز فرستاد که احکامشان بر طبق مقتضای فطرت بود تا مگر حجابها را از پیش چشم دل آنان بر ندارد و آنرا در سر و سلوکشان بار و مددکار باشد پس احکام بیمارانی الهی با ابتدا و بدون واسطه بر طبق مقتضای فطرت اصلی است مانند دعوت به خدا و معارف الهی و اسما و صفات حضرت

کتاب طلب و اراده رساله‌ای است از امام خمینی در مورد یکی از مهمترین مباحث علم اصول یعنی مبحث اوامر و نواهی یا به عبارتی مبحث "باینها و نباینها". در این کتاب ایشان ضمن بررسی و نقد بعضی جریانات و متفکرین اسلامی همچون نظرات معتزله و اعاقره در مورد خداوند تعالی و صفات او و متفکرینی همچون مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم مشایخ آریایی و خود به بررسی رابطه خداوند (صفات و اسما حسی او) با انسان پرداخته و از این موضع به تبیین فلسفه احکام می پردازد.

امام در این کتاب نامنه بحث را به مسئله جبر و اختیار تمیز می بزند "امر بین الامرین" امامت را بنحوا حسن در رابطه با خداوند و صفات تدبیر با انسان نشان داده و از این طریق مکانیسم رابطه احکام با حکمت متعالیه و عرفان در صحنه اسلامی را نشان می دهند. ایشان تعداد تاریخی جریان ساز زمین عرفان و فقه را با کشف این رابطه بنما دی بنحوا حسن حل نموده اند.

اینک برای روشن تر شدن مطلب و معرفی بهتر کتاب به نقل قسمتها می از مباحث اصلی کتاب معینا زیم. در صفحات ۱۵۳ تا ۱۵۷ این کتاب آمده است:

"بنا که خداوند تعالی گرچه بر ما دهایی که قابلست با خندند، همان را که در خور استعداد و لیاقتشان بود بدون اینکه (العیاذ باللہ) بخلی بورزند فاضله فرمود، ولی در همین حال فطرت همه را چه سعید و چه شقی و چه خوب و چه بد فطرت الله قرار داد و در سرشت همه انسانها عشق به کمال مطلق را بر سرشت او زان رو همه نفوس بشری را از خرد و کلان علاقمند ساخت که دارای کمالی بدون نقص و خیری بدون غرور و نوری بدون ظلمت و علمی بدون جهل و قدرتی بدون عجز باشند. خلاصه مطلب آنکه فطرت آدمی عاشق کمال مطلق است. و به تبعیت این "فطرت عشق به کمال" فطرت دیگری در آنها نماندست و آن عبارتست از "فطرت انزجار از نفس" هرگونه نقصی که فرض شود معلوم است که کمال مطلق و جمال صرف و علم و قدرت و دیگر کمالات بطور اطلاق و بیگونه‌ای که هیچ نقصی وحدی در آن نباشد بجز در ذات باری تعالی یافت نمیشود و اوست که هویت مطلقه و بیرون وجود و بیرون هر کمال است. پس انسان به جمال الله عاشق است و حقیقت و جانتر میل به آن دارد گرچه خودش از این میل و علاقه غافل باشد و از این رو در روایاتی که در تفسیر آیه شریفه "فطرت الله التي فطر الناس علیها" رسیده است، فطرت الله "به فطرت معرفت و فطرت توحید تفسیر شده است و تنها خداست که ما به آرا می دلپاست و با ز گت بسوی اوست و اوست با یان هر مقصودنهاست همه آرزوها. پس خداوند تعالی با لطف و عنایتش این دو فطرت را در آنها نماندست و یکی اصلی و

حق. و ما با واسطه بر طبق مقتضای فطرت اصلی است مانند دعوت به فضائل اخلاقی و کمالات نفسانی و نماز که معراج مؤمن بسوی خداست و حج که مهمانی خون عطا الهی است و امثال این اعمال. و با آنکه دستورات بیمارانی الهی بر طبق مقتضای فطرت تبعی است مانند نهی از کفر و شرک و بت پرستی و توجه به غیر خدا و نهی از اخلاق ذمعه و کارهای زشت که نفس انسان را از وصول الی الله مانع میشود، و مانند دستور به تقوا و روزه که همان تقوای نفس است و با زیادتین اوست از مقتضای آنکه اگر برای خدا روزه گرفته شود خداوند تعالی خود

و هنوز از بیمارانی باقی بود به حکم "آخر الدوا الکی" علاج آخرین و نا روی نهانیش رفتن به آخر است (که پناه به خدا میبریم) تا اگر مکان تصفیه باشد آنجا تصفیه شود و از کدورتها پاک گردند و آ قرارگاه ابدیش آتش می باشد. پس همان آتش دوزخ نسبت به گنهگاران از مؤمنین لطف است و عنایت و راهی است به جوار الهی. و نسبت به کفار و دوزخیان پاداشی است. و سرانجام که آنان اصحاب آتشند و جایگاهشان آتش است و خودشان آتشی اند و سزاوار عمل آتشند و راهی بجز آتش ندارند. چنانچه خداوند تعالی میفرماید "به تحقیق که ما بسیاری از جن و انس را برای آتش آفریدیم".

عقلی که برای استنباط احکام بکار گرفته میشود عقلی است مبتنی بر فطرت، کدام فطرت؟ نه فطرتی که مساوی است با بدیهیات اولیه ارسطو، بلکه فطرتی که عاشق کمال مطلق است و این عشق را بدیهی و اولیه می ناند.

طلب و اراده

تألیف
حضرت آیت الله العظمی امام خمینی
مجلس فقهی
پایه نهمی
مؤسسه عالی علمی و فرهنگی

با نقائص بر خورد فعال کرده و از آنها منزجر است و اساس خط مشی صحیح اسلامی و توحید ناب از همین جانشی میشود و برائت از مشرکین ناشی از همین دید صحیح است و اینکه امام برائت از مشرکین را از ارکان توحید مینانند به دلیل همین دیدگاه است. و این مبنای عرفان رزمنده و در صحنه است. ثالثاً- این عرفان معرفان بدون منطلق و استدلال و روش نیست که خود برای انار صحنه اجتماع و زندگی احتیاج به منطقهای بشری داشته باشد. بلکه طرح فطرت از این موضع صحیح، خود منطبق صحیح و الهی بوده و عرفان دارای منطلق و روش خاصی است که جوایگی نماند و معضلات هر زمان و هر مکان است.

فطرت آدمی عاشق کمال مطلق است. امام خمینی

پایان حیات دگرگانی

س. - در مورد مبارزه با امپریالیسم سؤال دارم. آیا تسلط قدرتهای بزرگ خارجی بخاطر نقصها و عتبات کاریها و خفایتهای داخلی ملتها بوده است؟ یا قدرت آنها؟ حال آیا با بدما ناظران درست کنیم تا سلطه پذیر نباشند؟ یا به آنها بپیروم و هر چه بدتر برای خود دشمن درست کنیم؟ مثل ژاپن سرمایه داری که خودمان با شد و خود را بسازیم با چون بعضی دگرگونیها برای ما و آن بگوئیم و هر روز به ناپودی نزدیکتر شویم؟

غریبی از ترو سودمان چه فتنارها می بیند نال ناست. نظیر: دگرگونی یا افکار یونانی ارسطویی مطرح میازد با اسلام آمریکا می که دینم موشک با رانها بشکل گستردهای شروع شد همین طور سقوط فو و پیمانهای بعدی آن و نگذاشتن این کار ادامه یابد. لذا تنها راه اینست که ضمن اینکه نیروی اصلی را به اصلاح داخلی متوجه می کنیم ولی همزمان هوشیاری انقلابی و آمادگی دفاعی خود را حفظ کرده و پیش بینی توطئه ها را از هر جانب بنماییم

س. - آیا اسلام آمده انسان را نجات دهد یا انسان باید خود را نجات دهد؟ انسان را از زمین ببرد تا اسلام نجات پیدا کند؟ آیا موسی در مقابل فرعون مرگ میرا و فرستاد با بقول کتب سخن گفت؟ رسالت نجات بنی اسرائیل بود یا صرفاً از زمین بردن فرعون؟ در مورد حج آیا «برائت» نفرت و مرگ خواهی برای مشرکین است یا خود را سالم نگه داشتن و بری داشتن از کفرها یا ناپسند آنها؟ ج. - خواننده عزیز برخی اسلام را منحصرأ به کسری الفاظ و مکتوبات می دانند که باید آنها را بهمان شکل حفظ کرده و تحویل دگرگان بدیم. اینها خود را حافظ و قسم اسلام می بخندارند. اسلام را در روابط اجتماعی و انسانی نمی بینند. مکتب در نزد آنها چیزی جز ابدا و بیگانه از انسان و جامعه است. قرآن خود می گوید خدا حافظ دین و قرآن است نماز به حافظ و تقیم دیگری نیست. از طرف دیگر اسلام صرفاً الفاظ و نوشتهجات نیست بلکه در فطرت همه انسانها جاری است. در آنها دوسرشت هر آدمی نماز به خدا نهفته است. هر انسانی که به ندای فطرتش تسلیم

می شود و بیدنیال عدالت و وحدت صداقت کمال و... تلاش می کند در واقع در تحقق اسلام می کوشد. نجات انسان هم در همین مسخر است. لذا اسلام در طول تاریخ عمیقیت و تحقق دارد. اسلام و انسان دو سر نوشت و دوسر نداشتند که این سؤال مطرح شود. همه انبیا برای نجات انسان ورشد و کمال او آمدند. تعبیری که از برائت کرده اند برای ما قابل تأمل و بیخار کننده بود. مسلم است اگر خود را از کفرها یا ناپسند و رفتار باطل میری نکنیم، نفرت از مشرکین بی معنی خواهد شد. اگر ما در زندگی روزمره مان در دستهای اجتماعی مان به شیوه های اسلامی عمل نکنیم و ارزشها را ناسپسندیم بگنیم نفرت و برائت از مشرکین و کفار در تدریجاً از زمین میروند. با بدعراه باعما ر علیه آمریکا و اسرائیل روشهای آمریکا و اسرائیلی را از رفتار و عملکردمان، از اقتما دو سیاست مان با کسری و دورکنیم و شعار را به شعور و عمل تبدیل کنیم. انشاء الله

س. - ابتدا تذکر می کنم از مطالب مفید از جمله اخبار خوب و مسائل مطرح شده در باره دکتر شریعتی همصنف همدرس... که بسیار روشنگر است. همچنین مطالب ایستولوژی که مثل سیر تحول فکری مجاهدین و... و لسی تعجب از بعضی مواضع تا مثلاً در باره حج صدور انقلاب (بشکل مسلحانه و از جهنگ)، امپریالیسم و جنگ که با بیانات دگرگان متضاد است. از یک طرف فضای باز سیاسی را مطرح می کنند آزادی و تفاهم و برخورد سالم با افراد ترون جا معه را مطرح میکنند که با توجه به مصافقت شما برای کسب منفعت نیست ولی از طرف دیگر علناً از کسانسی حمایت می کنند و در نهایت می کنند که هیچگونه زعی با آن آرمانها ندارد. ج. - خواننده عزیز از اینکه مواضع ما در مورد حج ما امپریالیسم و جنگ شما را به اعجاب و امید دارد چیزی دستگیرمان نشد. اگر توضیح دهید که چه اشتباهی در موضعگیری ما هست آنوقت می توان در باره اش قضاوت کرد.

نمونه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند بهای اشتراک:

| | |
|----------|-----------|
| شماره ۱۲ | ۲۰۰ تومان |
| شماره ۶ | ۱۰۰ تومان |

لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۵۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمائید.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت ارشاد اسلامی
اداره نشریات و مطبوعات
آقای لطف میثمی
پروچه ویرانه نوی مطبوعات جنوب ۱۳۵۸.۵.۲۰
پروانه انتشار راه مجاهد به روش چاپی روزنامه
تیراژ: ۲۱۵۲ شماره پستی: ۱۳۶۷۰۶۲۷ ثبت گردید.
بنابراین مطبوعات بهای اشتراکات را از این راهبند رسید.

ماهنامه علمی-تخصصی-فرهنگی

فصلنامه علمی-تخصصی-فرهنگی
فصلنامه علمی-تخصصی-فرهنگی

دوره شانزدهم شماره شصت و نهم
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول
مهندس لطف الله میثمی
روش سیاسی ایستولوژیک - چاپ آشنا

آدرس: توجه شود که راه مجاهد به علت کمبود امکانات دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مذکور مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد اسلامی معرفی میگردد تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرید. خیابان ری - آب منگل - کوچه شهید قاسم گل - کوچه نصر دیوان - پلاک ۲۶ - طبقه دوم.

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، میخوانند تفاهم داشته باشید
امام خمینی